

از روزي که اسلام به ديار قم پا گذاشت، مردمش مذهبي جز تشييع را نپذيرفتند. چنان که گويي در طول تاريخ لفظ «قَمِّي» با «شيعة» همواره قرين بوده است ^(۱). از ديگر سوي، سرزمين قم طي عصرهاي متمادي راويان فراواني را در خود جاي داد. آنان سخنان گهربار ائمه نور را با تلاشي طاقت فرسا براي آيندگان به يادگار گذاشتند. از اين روي مطالعه زندگي راويان نور، گوشه هايي از زندگي پر تلاش آنها را آشکار مي سازد. علاوه بر اين، حفظ ياد و آثار اين بزرگان، پاسداري از پيوند دهندگان بين عصر پيامبر (ص) و ائمه (ع) با نسلهاي پس از ايشان است ^(۲).

محمد بن الحسن بن فروخ صفّار، يکي از راويان نور است که خدمات شايشته اي به عالم تشييع تقديم داشت. به پاس خدمات فراوان وي، پژوهشي فشرده پيرامون زندگي اش به محضر خوانندگان ماهنامه کوثر ارائه مي شود.

در کتاب «معجم رجال الحديث» به نقل از «رجال شيخ طوسي»، محمد بن حسن صفّار از اصحاب امام حسن عسکري (ع) به شمار آمده است ^(۳) و از آنجا که حضرت در سال ۲۶۰ ه.ق. به شهادت رسيده اند ^(۴) و از طرفي صفّار سؤالاتي به صورت نوشته از امام حسن عسکري (ع) جويا شده است، ^(۵) اين کار به طور معمول مستلزم رشد سنّي قابل توجهي (در

حدود ۲۰ یا ۳۰ سال (است، می توان حدس زد که محمد در حدود سال ۲۲۰ اوایل قرن سوم، پا به جهان گذاشته است .

عصر صفّار:

در قرن سوم که صفّار می زیست آسمان امامت منور به وجود چهار امام همام بود. طبق آنچه مبنای تولّد محمد قرار گرفت، او زمان امام هادی (ع) امام حسن عسکری (ع) و امام زمان (عج) را درك کرده است .

در مورد ملاقات حضوری او با یکی از این سه امام (ع) مدرکی به دست نیامد، اما با توجه به بعضی از قرائن می توان گفت چنین ملاقاتی صورت نگرفته است. چون اولاً: با اینکه صفّار روایات فراوانی را نقل می کند اما هیچ يك از روایاتش در کتب حدیثی بدون واسطه از

صفحه ۱۱

امام (ع) نقل نشده است مگر آنچه را که امام حسن عسکری (ع) در جواب نامه های او نگاشته اند .

ثانیاً؛ از آنجا که امام حسن عسکری (ع) در بازداشتگاه و تحت نظر بود و ارتباط شیعیان با ایشان به راحتی صورت نمی پذیرفت، این موضوع که صفّار امام (ع) را ملاقات نکرده است، تقویت می شود .

در پاسخ به این سؤال که: ملاقات او با امام حسن عسکری (ع) ثابت نشده است، پس چگونه او را از اصحاب آن حضرت می شمارند؟ باید گفت: این، به دلیل سؤالات فراوانی است که او از محضر امام (ع) از طریق نامه پرسیده است و در واقع مصاحبت و معاشرتی مکاتبه ای بین او و حضرت برقرار بوده است .

محمد بن الحسن در زمان حکومت بنی عباس و خلافت متوکل منتصر، مستعین، معتز، معتمد و مکتفی^(۶) عباسی می زیست. جالب آنکه در زمان صفّار، صفّاریان در برخی از

مناطق اسلامي داراي قدرت و حکومت بودند^(۷) والي اوقاف و صدقات قم در آن زمان احمد بن عبيدالله بن خاقان، از دشمنان اهل بيت(ع)، بود^(۸). سي سال از عصر غيبت صغراي امام زمان (عج) را كه همزمان با نيابت عثمان بن سعيد عمروي بود، درك كرد^(۹) و با راوياني از قم مانند محمد بن اورمة القمي،

صفحه ۱۲

احمد بن محمد بن عيسي قمي و بسياري ديگر، معاصر بود^(۱۰).

ويژگيهاي فردي

نامش محمد و پدرش حسن بود. بسياري نام نياي پدري او را فروخ دانسته اند. لقب اصلي محمد « صفار » است^(۱۱). اما به لقب « مموله » نيز معروف بوده است^(۱۲). بعضي از عبارات موجب اين پندار مي شود « سؤالاتي » كه صفار به امام زمان خويش، امام يازدهم (ع) نوشته لقب « مموله » گرفته اند هر چند برخي آشكارا به اين پندار معتقدند^(۱۳). اما رجالي شناس بزرگ « كشي » در شرح زندگي يكي از راويان، به نام ابي بكر حضرمي، آنجا كه به مناسبت از محمد بن الحسن صفار سخن مي گويد، به وضوح بيانگر اين مطلب است كه، خود محمد، معروف به اين لقب بود^(۱۴) نه « مجموعه سؤالات » او. احتمال دارد اين نام ابتدا فقط لقبش بوده و سپس مجموعه سؤالات او نيز اين نام را به خود گرفته اند و يا بالعكس. چنانكه برخي از اسناد بحارالانوار نشان مي دهد احتمال دارد لقب « ابن معافا » نيز يكي از القاب او باشد^(۱۵).

صفحه ۱۳

كنيه محمد را « ابوجعفر الاعرج » گفته اند^(۱۶).

اين پسوند نشان مي دهد محمد از ناحيه پا دچار كجي بوده است .

با توجه به اینکه لقب او صفّار، رویگرد، بود^(۱۷) می توان ادعا کرد که وی به رویگری اشتغال داشته است و یا لا اقلّ «رویگرزاده» بوده است.

او هم پیمان و «مولای» عیسی بن (موسی بن) طلحة الاشعري می باشد^(۱۸) و با توجه به اینکه کلمه مولا در علم رجال به معنای «شخص عجم و غیر عربی که خود یا یکی از پدرانش بنده و غلام یک شخص عرب بوده و سپس آزاد شده است»^(۱۹)، محمد خود یا یکی از پدرانش از غلامان عیسی بن موسی اشعري بوده اند. اما از آنجا که او را از چهره های برجسته و از بزرگان قم معرفی کرده اند، این احتمال در مورد شخص او بعید به نظر می رسد.

وی از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بود^(۲۰) و سؤالاتی را خدمت امام حسن عسکری (ع) نگاشته است^(۲۱). تا آنجا که نگارنده موفق شده در بررسی های خود در کتاب وسائل الشیعه و کتب اربعه ۳۴ مکاتبه او را بیابد. اگر هر نامه صفّار محتوی یک سؤال باشد، در

صفحه ۱۴

نتیجه حداقل ۳۴ بار از امام پاسخ دریافت کرده است.

شیخ صدوق در چند موضع از کتاب پر ارج خود «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه» تصریح می کند که: پاسخهای امام (ع) در جواب صفّار که به خطّ خود حضرت (ع) است نزد او موجود است^(۲۲). موضوع این نامه ها دین، خیار حیوان (حقّ به هم زدن معامله در جایی که کالا حیوان باشد)، اجاره، وقف، وصیت، عده زن، حنث قسم (عمل نکردن به سوگند)، ارث، ضمانت امانت، غسل میت، مس میت و روزه قضاء میت.

صفّار از دیدگاه بزرگان علم

ابوالعباس نجاشي، درباره وي کلماتي را به کار برده است که دلالت بر عظمت و منزلت رفيع صفّار دارند. نجاشي از وي به عنوان چهره شناخته شده شيعیان قم، مورد اطمینان، بلند مرتبه، صاحب برتري، و داراي خطاي کم در نقل روايت، یاد مي کند^(۲۳). علامه مجلسي نیز در آغاز بحارالانوار از او به عنوان، استاد مورد اطمینان و عظیم الشان، یاد مي کند^(۲۴).

برخي ديگر از نویسندگان، روشنفکري و فضلش را مشهورتر از آن

صفحه ۱۵

دانسته اند که احتیاجي به بحث پیرامون شخصیت او بینند^(۲۵).

مقام علمي

علمای علم رجال او را فقیهی جامع، محدّثي موثّق و مورد اعتماد دانسته اند. او روایات فراواني را براي آیندگان بعد از خود در کتابهای شریف حدیث به یادگار گذاشت بگونه اي که فقط به عنوان « محمد بن الحسن الصفّار » در سند ۵۷۲ روایت واقع شده است.^(۲۶) و این احتمالاً غیر از ۱۸۸۱ حدیثي است که در کتاب معروف خود بصائر الدرجات به جاي گذاشته است.^(۲۷) بنابراین مجموعاً ۲۴۵۳ حدیث از وي به یادگار مانده است.

این راوي نامور در فن حدیث صاحب نظر بود به عنوان نمونه در روایت معروف « من جدّه قبرا او مثل مثالا فخرج عن الاسلام » « هر کس قبري را تجدید کند یا تمثالي را (نقاشي یا مجسمه اي را) به وجود آورد در نتیجه (این عمل) از اسلام خارج شده است » که از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است. در بین علما درباره آیا روایت مذکور مشتمل بر

کلمه « جدد » است؟ یا « حدد »؟ یا « جدث »؟ و یا « خدد »؟ و در هر صورت معنای آن چیست؟ اختلاف نظر وجود دارد.

در همین رابطه یکی از شاگردان صفّار بعد از نقل اینکه فقها در این مورد اختلاف نظر دارند، می گوید: محمد بن الحسن الصفّار

صفحه ۱۶

می فرمود: عبارت صحیح « جدد » یا جیم می باشد نه غیر آن. (۲۸)

علاوه بر این وی فقیهی صاحب نظر بود چنانکه در لابلای کتب حدیث گاهی نظرات فقهی او به چشم می خورد، مثلاً شیخ صدوق می فرماید: یکی از فقها نظرش این است که دعا کردن به زبان فارسی در قنوت نماز جایز نیست اما محمد بن الحسن الصفّار می فرمود: جایز است و فتوای من نیز همین است. (۲۹)

صفّار انسانی پر تلاش بود و در زمان خلفای عباسی با تمام فشاری که علیه اهل بیت (ع)، دعا، زیارت، اخلاقیات و اعتقادات است.

این کتب عبارتند از:

۱- الصّلاة ۲- الوضوء ۳- الجنائز (احکام اموات) ۴- الصّیام ۵- الحج ۶- النکاح ۷- الطّلاق ۸- العتق (آزاد سازی برده و کنیز) ۹- التّدبیر (نوعی از آزاد کردن غلام و کنیز) ۱۰- المکاتبه (نوعی دیگر از آزاد سازی برده و کنیز) ۱۱- التّجارات ۱۲- المکاسب (خرید و فروش) ۱۳- الصّید و الذّبائح ۱۴- الحدود (پاره ای از مجازاتهای اسلامی)

صفحه ۱۷

۱۵- الدّیات (خونبها) ۱۶- الفرائض (ارث) ۱۷- الموارث (ارث) ۱۸- الدّعاء ۱۹- المزار (زیارت) ۲۰- الرّد علی الغلاة ۲۱- الاشربة (نوشیدنی ها) ۲۲- المروة ۲۳- الزّهد ۲۴- الخمس ۲۵- الزّکاة ۲۶- الشّهادات (احکام گواهی دادن) ۲۷- الملاحم (جنگنامه، فتنه ها) ۲۸- التّقیه ۲۹- المؤمن ۳۰- الايمان (و النّذور و الکفّارات) ۳۱- المناقب

(فضائل) ۳۲- المثالب (کارهای ننگ آور - معایب دشمنان شیعه خصوصا گروه های خاصی از ایشان) ۳۳- بصائر الدرجات ۳۴- ماروي في اولاد الائمه (ع) ۳۵- ما روي في شعبان (روایات ماه شعبان) ۳۶- الجهاد ۳۷- فضل القرآن. (۳۰)

معروف ترین کتاب صفار کتاب مشهور بصائر الدرجات في مقامات و فضائل اهل البيت (ع)، است که کتاب طبق تصحيح صاحب « وسائل الشيعه » داراي ۲ نسخه، يکي بصائر الدرجات صغري و ديگري بصائر الدرجات کبري (۳۱) است. نسخه اي که اکنون در دسترس ما قرار دارد همان نسخه کبري است. گويا بصائر الدرجات، ابتدا کتاب کوچکی بوده و با کتاب موجود تفاوت داشته است و بعد مصنف به آن مطالبی افزوده و به صورت فعلی در آورده است (۳۲).

کتاب شامل ۱۰ جزء، هر جزء شامل ابواب متعددي و هر باب شامل احاديثي است که يك دوره « امام شناسي در مکتب ائمه (ع) » را ارائه مي کند به استثنای مقداري از آغاز کتاب که پیرامون اهميت علم

صفحه ۱۸

و شرافت عالم سخن مي گوید، مطالب حول محور ائمه (ع) دور مي زند. (۳۳)
استادان و شاگردان

تعداد اساتيد و کسانی که محمد بن حسن صفار از آنان روايت نقل کرده است به ۱۵۰ نفر مي رسد و در مقدمه بصائر الدرجات به نام « سردالمقال » اسامي ۱۴۶ نفر از جمله احمد بن محمد بن عيسي قمي، زعيم قم و احمد بن محمد بن محمد بن خالد برقي ذکر شده است.

آمار راويان از صفار به ۱۰ نفر مي رسد که از جمله ایشان ابن بابويه (پدر شيخ صدوق) محمد بن يعقوب کليني مؤلف اصول و فروع کافي و محمد بن حسن بن وليد هستند. (۳۴)

البته شیخ صدوق در بعضی از احادیث روایت را مستقیماً از صفار نقل می کند حال آنکه صدوق ۲۱ سال بعد از وفات صفار به دنیا آمد لذا به نظر می رسد راوی بین او و صفار در استنساخ یا غیر آن ساقط شده است. ^(۳۵)

از قم تا کوفه چند تن از اساتید صفار مانند حسن بن احمد بن سلمة الکوفی و حسن بن علی الکوفی و محمد بن حماد الکوفی، اهل کوفه بودند. کاز این رو احتمال می رود محمد مسافرت یا مسافرتها به این شهر داشته است. چنانکه بسیار اتفاق می افتاد یک راوی برای شنیدن روایت به شهرهای زیادی سفر می کرد تا حدیثی از احادیث معصومین (ع) را شنیده و ثبت کند.

ستیز با انحراف

محمد با چند جریان انحرافی خطرناک در درون تشیع روبرو بود، یکی از آنها جریان خطرناک غلو بود، که تشیع را در معرض آلودگی به عقاید شرک آلود قرار داده و زمینه ای مناسب برای ضربه زدن دشمنان دیرینه آن پدید می آورد. از نام کتابهای صفار که یکی از آنان «الرد علی الغلاة» است و همچنین از باب ۹ جزء اول کتاب بصائر الدرجات، چنین بر می آید که صفار در این جریانات بی تفاوت نبوده و به نوبه خود به

مبارزه با تفکر انحرافی برخاسته است.

صفار در کتب دیگران

علامه مجلسی (ره) در ابتدای کتاب عظیم الشان بحارالانوار آنجا که مصادر کتابش را بر می شمارد، از محمد بن الحسن به بزرگی یاد می کند. ^(۳۶) و صاحب وسائل الشیعه او را از

مؤلفین مدارك كتاب خود مي داند .^(۳۷) چه آنكه وي مي نويسد: مستقيماً از كتب صفار استفاده کرده و نیز به واسطه نقل دیگران از كتاب «دعا» او سود جسته است .^(۳۸)

در پایان تعدادي از احاديثي كه وي در سند آن قرار دارد، ذكر مي شود:
-۱ قال رسول الله- (ص) السكوت ذهب و الكلام فضة؛^(۳۹) سكوت طلا است و سخن نقره »

-۲ قال الصادق- (ع) شرف المؤمن صلاة الليل؛^(۴۰) شرف و برتري مؤمن (به) نماز شب است .

-۳ قال الصادق- (ع) اف للرجل المسلم لا يفرغ نفسه في الاسبوع يوم الجمعة لا مرد دينه فيسأل عنه؛^(۴۱) اف بر مرد مسلماني كه در ايام هفته، روز جمعه، خود را براي امر دينش فارغ و خالي نكند. تا از امر دينش

صفحه ۲۱ پرسش نمايد .»

-۴ قال الصادق- (ع) تسبيح الزهرا فاطمه في دبر كل صلاة احب الي من صلاة الف ركعة
في كل يوم؛^(۴۲) نزد من خواندن تسبيح حضرت فاطمه زهرا (س) بعد از هر نماز، از هزار ركعت

نماز در هر روز، محبوبتر است . »

-۵ قال رسول الله- (ع) الغيرة من الايمان و البذاء من النفاق؛^(۴۳) غيـرت (نشانه اي) از ايمان است و ناسزا (گويي) و جهالت (نشانه اي) از نفاق .

فصل غروب

بر خلاف بسياري از راويان و مشاهير كه سال وفاتشان ثبت نشده است، سال وفات محمد بن الحسن الصفار را ۲۹۰ هجري قمری^(۴۴)، عصر غيبت صغراي حجت بن الحسن

العسكري ثبت و محلّ وفاتش را قم ذکر کرده اند .^(۴۵) با توجه به قَمّي بودن وي و وجود مرقد پاك حضرت فاطمه معصومه (س) در قم، احتمال مي رود او را در قم و در حرم آن حضرت دفن کرده باشند. رحمت خدا بر روان پاكش باد .

پي نوشت ها :

۱. مقدمه رجال قم؛ سيد محمد مقدس زاده، صفحه پ .
۲. رجوع كنيد به ماهنامه كوثر، شماره ۶ ص ۹ و ۱۰ .
۳. معجم رجال الحديث ؛ آية الله خويي، طبع نجف، ج ۱۵ ص ۲۷۸ .
۴. منتهي الآمال؛ محدث قمّي (ره) ، ص ۱۰۳۷ .
۵. رجال شيخ طوسي؛ ص ۱۴۳ .
۶. تمدن اسلامي در قرن چهارم هجري - آدام متز؛ ترجمه علي رضا ذكاوتي قراگزلو، ص ۲۱ .
۷. اين حكومت در منطقه زرنگ يعني زاهدان كنوني و سيستان و بلوچستان بوده است) لغتنامه دهخدا .
۸. منتهي الآمال؛ ص ۱۰۳۲ .
۹. همان، ص ۱۱۴۸ .
۱۰. رجال قم؛ سيد محمد مقدس زاده، ص ۱۴۴ و ۹۲ .
۱۱. رجال شيخ طوسي ؛ ص ۴۳۶ .
۱۲. معجم رجال الحديث ؛ ص ۲۷۸ .
۱۳. سردالمقال؛ مقدمه بصائر الدرجات، ميرزا محسن كوچه باغي، ص ۱۲ .
۱۴. انقلل از معجم رجال الحديث؛ ص ۲۷۸ .
۱۵. بحار الانوار، ج ۴۲ ص (۵۰) ســنــد روايــت .
۱۶. رجال نجاشي؛ ابوالعباس احمد بن علي النجاشي، ص ۲۷۴ .

در هر صورت این چاپ بعد از مدتی نایاب گشت. در حوالی سالهای ۱۳۸۱ قمری میرزا محسن کوچه باغی نسخه ای از بصائر الدرجات را تصحیح و زیرنویسی کرد و سپس به صورت زیبا طبع و در اختیار علاقمندان قرار داد. این کتاب در سال ۱۴۰۴ قمری تجدید چاپ و توسط کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی منتشر شد و اخیرا انتشارات اعلمی تهران به چاپ مجدد آن همت گماشته و در حوالی سال ۱۳۷۱ شمسی به انتشار آن اقدام کرده است. ۶ نسخه خطی نفیس از این کتاب در خزانه کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی (ره) موجود است که قدیمی ترین آن مربوط به سال ۵۹۱ قمری است و شخصی به نام «ابی نصر علی بن محمد» به خط «نسخ معرب» نگاشته است. مایه تأسف اینکه این کتاب تا کنون به فارسی ترجمه نشده است.

۳۴. ردالمقال، ص ۱۲ و ۱۶.
۳۵. معجم رجال الحديث؛ ج ۱۵ ص ۲۷۸.
۳۶. بحار الانوار، ج ۱ ص ۷.
۳۷. وسائل الشریعه، ج ۳۰ ص ۱۵۵.
۳۸. همان، ج ۳۰ ص ۱۶۴.
۳۹. بحار الانوار، ج ۷۱ باب ۷۸ ص ۲۹۳.
۴۰. همان، ج ۸۷ باب ۶ ص ۱۵۲.
۴۱. همان، ج ۵۹ باب ۶ ص ۳۸.
۴۲. همان؛ ج ۸۵ باب ۳۷ ص ۳۳۱.
۴۳. همان، ج ۷۱ باب ۸۴ ص ۳۴۲.
۴۴. رجال نجاشی، ص ۲۷۴.
۴۵. همان، ص ۲۷۴.

ابن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق)

یک قرن پارسایی و دانش

محمد حسن امانی

ابن بابویه قمی صدوق اول

ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، فقیه روشن ضمیر و محدث فرزانه قم در نیمه دوم قرن سوم و اوائل قرن چهارم هجری قمری یعنی در زمان غیبت صغری امام زمان ارواحنا فداه زندگانی گرانمایه داشت. گرچه لقب «ابن بابویه» بیشتر به فرزندش ابوجعفر محمد (شیخ صدوق متوفی ۳۸۱ق) گفته می شود ولی پدر و نیز فرزند دیگرش ابوعبدالله حسین بدین لقب شهرت داشته اند و در کتابهای تراجم و نوشته های علم رجال، پدر و دو فرزندش به «ابن بابویه» معروف اند .

بابویه، نام جد بزرگ او یک نام کهن ایرانی است که در روزگار پس از ظهور اسلام نیز افرادی به این نام موسوم بوده اند. برخی این کلمه را منسوب به « بابؤ » یعنی بابا، پدر، پیر و مرشد می دانند و در زبان عربی هم به ضم با و فتح واو و سکون یاء تلفظ می شود. بنابراین « ابن بابویه » به معنای پسر بابا می شود و هم اکنون نیز در میان خانواده های ایرانی تعبیر « فرزند بابا » یا « پسر بابا » به فرزند مورد احترام و علاقه پدر بسیار

علي بن حسين به « صدوق اول » نیز معروف است که هر جا « صدوقين » یا « ابنا بابويه » گفته شود او و فرزندش ابو جعفر محمد در نظر است و تصور اینکه شيخ صدوق و برادرش مراد باشد اشتباه است^(۲).

ابن بابويه قمي اين رادمرد بزرگ علم و دين در قم حرم اهل بيت عصمت و طهارت (ع) چشم به جهان گشود و به حيات پر بار علمي و معنوي خویش ادامه داد .
گر چه تاريخ ولادتش معلوم نيست ولي با توجه به نامه اي که از امام حسن عسکري (ع) دريافت کرد و در آن نوشته از او تجليل شده است، حاكي از منزلت علمي و فقهی اين محدث بزرگ شيعي در عصر امامت امام يازدهم (ع) دارد. بنا بر اين در سال شهادت امام عسکري (ع) يعني سال ۲۶۰ ق، حداقل بيست بهار از عمر خود را سپري کرده است و سالروز تولد وي ممکن است از سال ۲۳۵ ق، به بعد باشد .

منشور حيات طيبه

فقيه بزرگوار ابن بابويه قمي، در جوار بارگاه ملکوتي فاطمه معصومه (س) از فقها و محدثان به نام قم که از قلّه هاي فرازمند فرهنگ

صفحه ۲۷

تشيع به شمار مي آمدند و در فقه، حديث و ديگر علوم و معارف اهل بيت عصمت و طهارت (ع) سرآمد روزگار بودند بهره برد و به سرعت در حديث و فقه و ديگر علوم اسلامي و نیز در تقوا و پارسايي و فضائل اخلاقي از چهره هاي بي نظير تاريخ اسلام گشت. نامه اي که يازدهمين پيشوای انسانها (ع) براي وي نگاشت جایگاه رفيع ابن بابويه قمي را در بين ديگر دانشمندان و فقهاي قم و نیز موقعيت خاص و احترامی که در نزد ائمه معصومين (ع) داشت آشکار مي سازد .

امام عسکری (ع) پس از حمد و ثنای ربوبی و صلوات و سلام بر پیامبر (ص) و عترت طاهرینش خطبای بسیار بزرگوار نوشت:

«یا شیخی و معتمدی و فقیهی ابا الحسن علی بن الحسین القمی و فقیه الله لمرضاته و جعل من صلبك اولادا صالحین برحمته»

ای فقیه بزرگوار و مورد اعتماد ابوالحسن علی بن حسین قمی! خداوند تو را بر انجام افعال پسندیده حق توفیق دهد و از نسلت به رحمت و کرمش فرزندان شایسته ای به وجود آورد.

امام (ع) در ادامه این پیام که به حق منشور عبادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی برای یک زندگانی شرافتمندانه انسانی است، در روزگار پر از مخاطره و گردابهای جهالت و هوسها چنین وصیت و وصیت می کند:

تو را وصیت می کنم به تقوای الهی، بپاداشتن نماز و پرداخت زکات زیرا نماز کسانی که زکات نمی دهند پذیرفته نمی شود، و تو را وصیت می کنم به گذشت از گناه دیگران، فرو بردن خشم، صله رحم، همدردی با برادران و کوشش در انجام نیازمندیهای آنان در هنگامه

صفحه ۲۸

کارها، هم پیمانی با قرآن، خوش خلقی و امر به معروف و نهی از منکر چرا که خداوند متعال می فرماید:

«لا خیر فی کثیر من نجوئهم الا من امر بصدقه او اصلاح بین الناس»^(۳).

در بسیاری از گفتگوهای درگوشی آنان خیری نیست جز آن کس که به صدقه یا معروفی امر کند و یا میان مردم اصلاح نماید.

و دوری از تمام پلیدیها و زشتیها.

و بر تو باد به نماز شب خواندن! زیرا پیامبر اکرم (ص) به امام علي (ع) چنین سفارش کرد و فرمود: _____

اي علي! بر تو باد به نماز شب خواندن - و اين جمله را سه بار تکرار نمود - و هرکس نماز شب را سبک بشمارد از ما نیست. پس توصیه مرا بکار بند و شیعیانم را بر انجام آن فرمان ده تا عمل کنند. و بر تو باد به صبر و انتظار فرج زیرا پیامبر اسلام (ص) فرمود: برترین اعمال امت من انتظار فرج است. امت من و شیعیان ما همواره اندوهگین خواهند بود تا فرزندم که پیامبر (ص) بشارت ظهور او را داده است قیام کند؛ او زمین را پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده است سرشار از عدالت و برابری خواهد بود.

اي شخصیت بزرگ من! (ابن بابویه قمی) پس صبر کن و شیعیانم را به صبر دستور ده، زیرا زمین از آن خداوند است به هرکس از بندگان که بخواهد واگذار می کند و فرجام نیک از متقین خواهد بود.

صفحه ۲۹

«والسلام عليك و علي جميع شيعتنا و رحمة الله و برکاته»^(۴).

باري نامه رهبري ديني و معنوي و پيشواي به حق در روي زمين که بدست ابن بابويه قمی رسید، آن را بوسید و بر چشمانش گذارد و فرامین و سفارشات مولایش آب حیات و سرچشمه جوشانی در روزگار طلایی اش شد.

از نگاه سروقامتان

در فضل و بزرگواری و مراتب دانش و تقوای ابن بابویه قمی، همین بس که امام معصوم (ع) با تعبیر زیبا و افتخارآمیز تصریح به وثاقت و پاک سرشتی این ستاره شیعی بنماید و یادکردی ارزشمند از این محدث داشته باشد. این ستایشها از جانب امام که خشنودی و رضایت قلبی ایشان را از عالمان دین آشکار می سازد، در سایه اخلاص و معنویت فقیهان و

راویان در راه خدا بدست آمده و مشعل دار هدایت انسانها بر راه مستقیم و استواری که ائمه اطهار(ع) ترسیم کردند می باشد.

صفحات زرین زندگانی این مرد الهی، نگاه تحسین برانگیز تذکره نویسان را نیز به خود مجذوب ساخته، با جملات برخاسته از اندیشه و فکر و بدون اغراق او را ستودند.

صفحه ۳۰

نجاشی می نویسد: ابوالحسن علی بن حسین بن موسی (رضوان خدا بر او باد) در روزگار خویش بزرگ، پیشوا و پیشرو، فقیه و مورد اعتماد قمی ها بود، آنگاه هیجده اثر از آثار این محدث را می شمارد^(۵).

شیخ طوسی می نویسد: ابوالحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (رضوان خدا بر او باد) فقیه بزرگوار و شخصیت مورد اعتمادی بود. آنگاه بیست کتاب از آثارش را نام برد و طرق روایی خویش را از کتابهای این محدث یادآور می شود^(۶).

علامه حلی و علامه مامقانی دو رجالی سرشناس نیز با عباراتی نظیر نجاشی و شیخ به ستایش این محدث و فقیه برآمده اند^(۷).

محقق خوانساری می نویسد: ابوالحسن علی بن حسین، استاد و پدر شیخ صدوق، صاحب همان رساله معروفی است که شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه از آن حدیث نقل کرده است. وی از فقهایی بزرگ شیعی و پویندگان ثابت و استوار راه نبوت و خاندان عصمت و طهارت(ع) بود و مشعل دار هدایت انسانها بر همان راه؛ غیرت دینی داشت و در برابر تهاجمات نا اهلان، مرزبان مرزهای اعتقادی شیعه بود. از استادان بزرگوار شیعی و از ارکان و اساطین شریعت بشمار می رفت. دارای کرامات و مقامات بلند اخلاقی و در خویشتن داری و حفظ نفس بسیار کوشا بود. در نهایت بزرگ منشی این

عسکری (ع) بدست مبارکش رسید^(۸).

شیخ عباس قمی محدث بزرگ از او چنین یاد کرده است: ابوالحسن علی بن حسین، از استوانه های بزرگ محدثین، دانشمند و فقیه بلندمرتبه که در روزگار خویش بزرگ قمی ها، فقیه دین شناس و مورد اعتمادشان بوده است. فضل و بزرگواری از او می درخشد و نامه شریف امام عسکری (ع) شاهد صادقی است بر قله های فرازمند کرامت و عظمت او که در نوشته اش خطاب کرده است: یا شیخی و معتمدی و فقیهی یا ابا الحسن^(۹)!

سید حسن صدر در شمار دانشمندان و مفسرانی که در تفسیر قرآن از آنان اثری به یادگار مانده است می نویسد: از زمره دانشورانی که در تفسیر قرآن از آنان اثری به یادگار مانده علی بن بابویه پدر شیخ صدوق است. وی بزرگ شیعیان در قم و از شخصیت هایی بود که مولای ما امام حسن عسکری (ع) با او مکاتبه داشت. زندگانی اش مشحون از کرامات و حکایات ارزنده و یکی از آثارش کتاب «التفسیر» است^(۱۰).

و ثاقت ابن بابویه قمی تا بدانجا رسید که مورد اطمینان تمامی فقهای شیعه قرار گرفت که از یک سو برخی از فقهای شیعی با توجه به سخن معصوم در حق این شخصیت قلمشان توانای نوشتن نداشت و از سوی دیگر، دانشمندان اهل سنت چون ابن ندیم را واداشت که قلم به ستایش از او بردارد و بنویسد: علی، ابن بابویه قمی، از فقهای

شیعه و شخصیت مورد اطمینانی است^(۱۱).

منزلت دینی و اجتماعی

ابن بابویه قمی، در بین مردم قم از موقعیت خاصی برخوردار بود و تعبیر دو رجالی معروف شیعی نجاشی و علامه حلی از او به «شیخ القمیین فی عصره»، «متقدمهم» و

«فقیههم^(۱۲)» آشکار می‌سازد که او منصب مرجعیت و پیشوایی شیعیان قم و اطراف آن را در روزگار خویش داشته است. به سبب همین مقام و منزلت دین و اجتماعی ارزشمند و بس خطیر این فقیه است که امام عسکری (ع) از سامرا برای شخص ایشان پیام می‌فرستد و به او وصایایی دارد که در ابتدا خود عمل کند و آنگاه شیعیان و پیروان راستین اش را برانجام آنها فرمان دهد.

او علاوه بر این مسئولیت بزرگ دینی که پاسخگویی مسائل شرعی مؤمنان بود و پرچم هدایت و ارشاد شیعیان را بر دوش داشت؛ به کار تجارت نیز مشغول بود. از آغاز تحصیل که در شهر قم فقه می‌آموخت دارای مغازه‌ای بود و در آنجا به تجارت اشتغال داشت. صاحب ثروت و مال بود و از این راه زندگی روز مره اش را می‌گذراند. آن طور که فرزندش ابوعبدالله حسین نقل کرده است، این شغل را تا اواخر عمر پربارش و نیز در زمان تصدی مرجعیت داشته است^(۱۳).

صفحه ۳۳

گرچه از چگونگی شغل شریف اش اطلاعی در دست نیست ولی این کار را برای اینکه در بیت المال تصرف نکند انتخاب کرد تا با امکانات بیشتر و دست بازتری به نیازمندیهای شیعیان و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) اهتمام ورزد.

منزلت علمی

ابن بابویه قمی را در زمره پرکارترین محدثان در فرهنگ تشیع شمرده اند و فقه‌های بزرگ برای نظریات اجتهادی و فقهی او ارزش زیادی قائلند. او در فقه، حدیث و دیگر علوم اسلامی آثار بسیاری از خویش به یادگار گذارد که ابن ندیم چنین اعتراف می‌کند: من به خط ابو جعفر محمد بن علی (شیخ صدوق) پسر ابن بابویه قمی، بر پشت کتابی خواندم که نوشته

شاگردان و راویان

- جمعی از محدثان و استادان اندیشمند از ابن بابویه قمی حدیث نقل کرده اند که از جمله آنها عبارتند از:
- ۱- فرزندش ابو جعفر محمد (شیخ صدوق، متوفی ۳۸۱ق) که بیشترین روایت را در کتابهایش از پدرش دارد.
- ۲- فرزند دیگرش ابو عبدالله حسین (متوفی ۳۸۱ به بعد).
- ۳- ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی (متوفی ۳۶۸ق) که در کامل الزیارات این محدث بزرگوار احادیث زیادی را از این استادش نقل کرده است^(۱۸).
- ۴- احمد بن داوود بن علی قمی.
- ۵- فرزند خواهرش ابو عبدالله حسین بن حسن بن محمد.
- ۶- هارون بن موسی تلکبری^(۱۹).
- ۷- محمد بن حسن بن بندار قمی^(۲۰).
- ۸- ابوالحسن عباس بن عمر بن عباس کلوزاتی که خود می گوید: زمانی که علی بن حسین (ابن بابویه قمی) وارد بغداد شد به من اجازه تمام کتابهایش را داد^(۲۱).

صفحه ۳۶

استادان حدیث

ابن بابویه قمی، در محضر بسیاری از بزرگان و استادان فقه و حدیث شاگردی نمود و از دریای دانش و تقوای آنها عطش درونی اش را سیراب کرد و به مقام نقل حدیث از آنان نایل گشت. وی بیشترین حدیث را از این محدثان و راویان شیعی نقل کرده که عبارتند از: ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری قمی (متوفی ۳۰۱ق)؛ ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری؛ علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (۳۰۷) احمد بن ادريس قمی؛ محمد بن

یحیی العطار؛ محمد بن حسن صفّار قمی (متوفی ۲۹۰ق) محمد بن ابی القاسم ما جیلویه؛ علی بن موسی بن جعفر کمندانی؛ حسین بن احمد مالکی؛ عبدالله بن حسن مؤدب؛ حسین بن محمد بن عامر؛ علی بن محمد بن قتیبه؛ علی بن حسن بن علی کوفی؛ علی بن حسین سعد آبادی^(۲۲).

در برابر اندیشه باطل

محدثان فقیه و آگاهان به احکام شرع و حلال و حرام، مرزبانی از مرزهای اعتقادی شیعی و اسلام ناب را بر عهده دارند. سلامت دین و باورهای اعتقادی راستین از تهاجمات ناهلان و عنادورزان مغرض در سایه تلاش و زحمت‌های طاقت فرسای شخصیت‌ها و فقهایی تیزبین و

صفحه ۳۷

آگاه همچون ابن بابویه قمی پدر شیخ صدوق، ماندگار مانده است. او با تدبیر، بصیرت و موقعیت‌شناسی تحسین برانگیزی که داشت در هنگامه خطر با قاطعیت و صلابت در برابر اندیشه‌های باطل می‌ایستاد و مدعیان دروغین را طرد می‌کرد.

حسین بن منصور حلاج، ادعای وکالت از جانب صاحب الزمان (عج) را داشت؛ از یک سو به سراغ افراد ضعیف‌الایمان می‌رفت و با نیرنگ‌ها و معرکه‌گیری‌های خود آنان را می‌فریفت و به پیروی از خویش دعوت می‌کرد و گاهی نیز به سراغ شخصیت‌های علمی که در میان مردم مشهور بودند و موقعیت خاصی داشتند می‌رفت! از این روی در بغداد نزد ابو سهل بن اسماعیل نوبختی که از متکلمان بزرگ شیعی بود و در دانش و ادب شهرت فراوان داشت رفت به تصور اینکه شاید نیرنگ‌های شیطانی اش در او مؤثر واقع شود ولی سرش به سنگ خورد و با رسوایی بغداد را به قصد قم ترک کرد.

در قم اطلاع پیدا کرد که خاندان ابن بابویه قمی و بویژه ابوالحسن علی بن حسین، بنیانگذار و شخصیت بزرگ علمی این خاندان، بیشترین موقعیت را در میان فقها و شیعیان قم دارند، لذا دام شیطانی اش را به سمت ابن بابویه قمی گستراند! جریان را از زبان ابو عبدالله حسین، فرزند ابن بابویه قمی، پی می گیریم او می گوید:

حسین بن منصور حلاج به قم آمد و نامه ای به پدرم نوشت و در آن ادعا کرد: من فرستاده امام زمان (عج) و وکیل او هستم از من پیروی کنید! نامه رسان نوشته او را به دست پدرم داد و به محض

صفحه ۳۸

اینکه از مضمون نامه آگاه شد آن را پاره کرد و به نامه رسان گفت: چه می پنداری درباره انسانهای نادان؟ قاصد مطالبی بر زبان جاری کرد و به پاره کردن نامه اعتراض کرد که حاضران بر سخنان او خندیدند و به مسخره گرفتند. سپس پدرم برخاست و با جمعی از یاران و دست اندرکارانش به مکان تجارت خود رفت؛ وقتی از در وارد شد کسانی که در آنجا نشسته بودند به احترام پدرم برخاستند، جز مرد ناشناسی که از جای خود بلند نشد و شیوه ادب را رعایت نکرد، البته پدرم نیز او را نمی شناخت. پدرم نشست و دفتر حساب و قلم و دواتش را چنانکه معمول بازرگانان است درآورد و از یکی از افراد پرسید این مرد ناشناس کیست؟ آن شخص پاسخ پدرم را داد ولی آن مرد ناشناس وقتی متوجه شد درباره او جستجو می شود برخاست و نزدیک آمد و به حالت اعتراض گفت: با اینکه حاضرم چرا از دیگری درباره من می پرسی؟! پدرم گفت: ای مرد! احترام تو را نگه داشتم و تو را بزرگ شمردم که از خودت نپرسیدم. آن مرد گفت: نامه مرا پاره می کنی! من خودم دیدم که شما نامه مرا پاره کردی! پدرم گفت: تو همان شخص یعنی حسین بن منصور حلاج هستی! پدرم ناراحت شد و بلافاصله به شاگردش

دستور داد: دشمن خدا و رسولش را از اینجا بیرون کن! و خطاب به حسین بن منصور حلاج گفت: اَتَدْعِي المعجزات؟ عليك لعنة الله! ادعای معجزه ای داری؟ لعنت خدا بر تو باد! همانطور که فرمان داده بود از پشت گردن حسین بن منصور حلاج گرفتند و او را از آنجا بیرون انداختند که پس از این جریان دیگر ما او

صفحه ۳۹

را در قم ندیدیم^(۲۳).

مقام زیارت و دیدار یار

ابن بابویه قمی، از زمان ولادتش تا پایان دوره نیابت ابو جعفر محمد بن عثمان عمري، دومین سفیر امام زمان (عج)، در شهر قم ماند و به جایی مسافرت نکرد. در آغاز عصر نیابت ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی یعنی سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ ق، به منظور زیارت امامان معصوم (ع) و دیدار سومین نایب خاص صاحب الزمان (عج) وارد عراق شد. او پس از زیارت چهار امام معصوم (ع) و بهره روحی و معنوی از آستان مقدس آنان به بغداد رفت و به دیدار ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (سومین نایب خاص امام زمان «عج») شتافت. احترام کرد و بین دو چشمانش را بوسید و در محضرش نشست و با مطرح کردن چندین سؤال، از مقام دانش و تقوا و انقباض قدسیه اش بهره ها برد. نجاشی می نویسد: (علی بن حسین) به عراق مسافرت کرد و به محضر ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (رضوان خدا بر او باد) رسید. از مسائلی پرسید و پس از این دیدار به وسیله نامه با او در ارتباط بود^(۲۴).

علامه حلی نیز نظیر گفته نجاشی را نقل می کند^(۲۵).

صفحه ۴۰

از سخنان این دو رجالی سرشناس شیعی استفاده می شود که این سفر اولین مسافرت این محدث به عراق و بغداد بوده است زیرا اگر در عصر نیابت دومین نایب امام (ع) مسافرت داشت قطعاً چنین دیداری را با او انجام می داد و چنین چیزی نقل نشده است و نیز نامه هایی که ابن بابویه قمی از قم به جناب حسین بن روح نوشت پس از این ملاقات حضوری بوده است (۲۶).

مقام توسل

بیش از ۶۰ بهار از عمر پربار ابن بابویه قمی گذشت ولی هنوز از همسرش که دختر عمویش بود دارای فرزند نشد. گر چه به واسطه بشارتی که امام یازدهم (ع) در حدود پنجاه سال پیش به او داد و در حقش چنین دعایی داشت که: خداوند به لطف و کرمش از نسلت فرزندان شایسته ای بوجود آورد! آرامشی داشت و در انتظار تحقق این بشارت بود ولی آن ارتباط ویژه با اولیاء خدا را قطع نکرد و اندیشه اینکه تنها امام زمان (عج) وسیله فیض است و این خواسته به توسط اوست که به اجابت خواهد رسید. لذا نامه ای به جناب حسین بن روح نوبختی نوشت و از نایب خاص امام (ع) استدعا کرد که از صاحب الزمان (عج) تقاضا نماید دعا بفرماید خداوند فرزندان فقیه و آگاه به احکام شرع به او عنایت کند.

صفحه ۴۱

پس از مدتی در جواب نامه او چنین آمد: «اِنَّكَ لَا تَرْزُقُ مِنْ هَذِهِ وَ سَتَمَلِكُ جَارِيَةً دِلْمِيَّةً وَ تَرْزُقُ مِنْهَا وَلَدَيْنَ فَقِيهَيْنِ» (۲۷).

از همسر فعلی خود فرزندی نخواهی داشت ولی به زودی کنیزی دلمی را مالک می شوی و دو پسر فقیه و دین شناس او نصیب تو خواهد شد.

فرزندان

دعای حجت خدا در روی زمین در حق ابن بابویه قمی به اجابت رسید و خداوند متعال به او از کنیز دیلمی که به همسری برگزید سه پسر عنایت کرد .

۱- ابو جعفر محمد معروف به شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ق)؛ از اندیشمندان و فقهایی بزرگ شیعی و دارای تألیفات و آثار بسیار ارزشمند که از گنجینه های غنی فرهنگ تشیع و اسلام است .

۲- حسین بن علی؛ فرزند دوم ابن بابویه قمی که شیوه پارسایی و عبادت را گرفت و با مردم کم ارتباط داشت و از فقه بهره ای نداشت (۲۸).

۳- ابو عبدالله حسین بن علی؛ فرزند سوم او که از فقهایی بزرگ امامیه و از محدثان مورد اعتمادی که روایت بسیاری از روایان شیعی و نیز از پدر و برادرش شیخ صدوق نقل کرده است .

شیخ طوسی، سید مرتضی علم الهدی، ابو جعفر محمد بن علی

صفحه ۴۲

اسود، ابو هاشم محمد بن حمزه که با شش واسطه به امام موسی کاظم (ع) نسب می رسانند از زمره شاگردان او هستند و دو کتاب « التوحید و نفی التّشبیّه » و « الرد علی الواقفّه » به خامه قلم او نگاشته شده است (۲۹).

شیخ صدوق و ابو عبدالله حسین، همان دو فقیهی اند که به دعای صاحب الزمان (عج) نصیب ابن بابویه قمی شدند. دو فقیه ماهر و خوش حافظه و مطالبی را در ذهن با استعداد خود داشتند که هیچ کس از اهل قم آن را حفظ نبود تا جایی که دانشمندان از حافظه قوی این دو فرزند در نقل روایات و احادیث تعجب می کردند و می گفتند: این مقام و جایگاه رفیع به دعای امام زمان (ع) نصیب شما شده است و این کرامت و سرچشمه جوشان معنوی بر اهل قم پیوسته سرازیر است .

علي بن حسين، پدر شيخ صدوق، مؤسس و سلسله جنبان خاندان ابن بابويه قمي است که از نسل پاك او مردان دانشور و پارسايي تا اواخر قرن ششم هجري قمری، يکي پس از ديگري قامت برافراشتند. البته معرفي چهره هاي علمي و عملي اين خاندان بزرگ مقاله مستقلي را مي طلبد که در جاي خود ضروري است^(۳۰).

صفحه ۴۳

وفاي به نذر زيارت خانه خدا

چشم ابن بابويه قمي در سنين حدود هفتاد سالگي به ولادت فرزنداناش روشن گرديد و دعاي دو امام معصوم امام حسن عسکري و امام زمان (ع) در حقش و نيز نذري که در پيشگاه خداوند متعال کرده بود به اجابت رسيد. او منتظر زمان مناسبی بود که شکر اين همه لطف و خير کثير از جانب پروردگار را انجام دهد و در آستان ربوبي بر خود عهد بسته بود که حق سپاس و شکر در خانه خدا انجام پذيرد. از اين رو مقدسات سفر معنوي و روحاني بيت الله الحرام را فراهم کرد.

علي بن حسين، گر چه مقام بزرگ مرجعيت شيعيان را در قم داشت و در فقه، حديث، تفسير و ديگر معارف و تهذيب نفس و اخلاق سرآمد بود ولي با تيز بيني و بصيرت به خوبي واقف بود که در روزگاري دارد نفس مي کشد که عصر عييت صغراي امام زمان (ع) است و نايبان خاص آن حضرت در اوج دانشها و فضيلتهاي اخلاقي و انساني حضور دارند و احدي با مقام بلند آنان قابل قياس نيست چرا که اين چهار ستاره واسطه فيض و سرچشمه سرچشمه آب حيات از ناحيه صاحب الزمان (عج) (به جهان آفرينش اند و اعمال و رفتار ديگران با اجازه و رضايت آنها که خشنودي و اذن مقام ولايت است مشروعيت

صفحه ۴۴

دارد. لذا پیش از آهنگ زیارت خانه خدا از حرم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) از صاحبان حرم، اذن دخول به حرم امن الهی را تقاضا نمود است.

فرزندش ابو عبدالله حسین می فرماید: جمعی از محدثان شیعی قم که در بغداد ساکن بودند برایم نقل کردند در سالی که فرقه قرامطه به زائران خانه خدا حمله کردند، یعنی همان سالی که شهابهای آسمانی فرو ریختند، پدرم - رضوان خدا بر او باد - به محضر ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی قدس سره نامه نوشت و از او اجازه خواست که به مکه مکرمه مشرف شود.

در پاسخ آمد: امسال به زیارت خانه خدا حرکت نکن!

نامه دیگری نوشت و عرض کرد: نذر واجبی داشتم که همین امسال به مکه روم آیا چنین اجازه می دهید از زیارت صرف نظر کنم و تشریف ببرم؟

در پاسخ آمد: چنانچه از رفتن به زیارت خانه خدا ناگزیر هستی، پس لازم است هنگام حرکت همراه آخرین کاروان باشی!

همانطور که آن حضرت دستور داده بود پدرم در آن سال با آخرین کاروان حرکت کرد و به سلامتی برگشت ولی زائرانی که با کاروانهای پیش از آن حرکت کرده بودند جانشان را در حمله قرامطه از دست دادند^(۳۱).

دو حادثه کشتار زائران خانه خدا توسط قرامطه و سقوط شهابهای

صفحه ۴۵

آسمانی که به «تاترنجوم» معروف است سرآغاز واقع شد و ابن اثیر، مسعودی و مذهبی سه مورخ شهر وقوع این دو حادثه را در سال ۳۲۳ق، می دانند^(۳۲).

بنابراین مسافرت ابن بابویه قمی به زیارت خانه خدا در سال ۳۲۳ق بود که در همین سال برای بار دوم به بغداد وارد شد و مطابق نقل شیخ طوسی، هارون بن موسی تلعبکری از او

حدیث نقل کرد و فرمود: در سالی که ستارگان فرو ریخت از وی (ابن بابویه قمی) احادیثی را شنیدم که در همان سال وارد بغداد شد و تمام کتابها و احادیثی را که روایت می کرد به من اجازه داد .

آرامگاه ابدی

صدوق اول، ابن بابویه قمی، در دانش و کرامتها و صداقت و راستیها مورد احترام و اطمینان نایبان خاص صاحب الزمان (عج) بود. ابوالحسن علی بن محمد سمري - چهارمین نایب امام زمان (عج) - پیوسته از فقها و راویانی که به دیدارش می رفتند از سلامتی او می پرسید و آنها از تندرستی و زندگی پربارش خبر می دادند و از اینکه می شنیدند صدوق اول مرد راستیها حیات دارد و همچنان نور افشانی می کنند، خوشحالی در سیمای مبارکش آشکار می گشت .

در سال ۳۲۹ق، پیش از آنکه علی بن محمد سمري از زندگانی دنیا

صفحه ۴۶

رخت بر بندد و عصر غیبت صغری به پایان رسد، جمعی از استادان بزرگ و ستارگان آسمان حدیث در محضرش بودند که ناگاه فرمود: رحم الله علی بن الحسین بن بابویه القمّی! خدای تبارک و تعالی علی بن حسین بن بابویه قمی را بیا مرزد! به نقلی چنین فرمود: آجرکم الله فی علی بن الحسین فقد قبض فی هذه الساعة. خداوند به شما مصیبت علی بن حسین (ابن بابویه قمی) اجر عنایت فرماید، او در این ساعت از دنیا رفت .

حاضران با شگفتی تاریخ آن روز را یادداشت کردند که پس از ۱۷ یا ۱۸ روز، از قم خبر آمد که علی بن حسین، صدوق اول در همان ساعت و روزی که علی بن محمد سمري آن جملات را فرمود چشم از این جهان فرو بست .

فقها و شیعیان قم پیکر مطهرش را تشییع کردند و در جوار بارگاه ملکوتی فاطمه معصومه (س) به خاک سپردند، هم اکنون آرامگاه این ستاره آسمان معرفت در مکانی که در ابتدای خیابان چهار مردان قم واقع است، زیارتگاهی است و دانشمندان و شیعیان به زیارتش می روند و از روح ملکوتی و فضای سرشار از معنویت گنبد و بارگاهش بهره می برند .

رحمت خدا بر روانش باد!

پی نوشت ها :

۱. اعیان الشیعه، سید محسن امین، دارالتعارف بیروت، ج ۲ ص ۲۶۱ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۳ ص ۶۱ دائرةالمعارف تشیع بنیاد اسلامی طاهر، ج ۱ ص ۳۰۵ .
۲. اعیان الشیعه، ج ۲ ص ۲۶۱ .
۳. نسـاء: ۱۱۴ .
۴. قاموس الرجال، ج ۷ ص ۴۳۹ مجالس المؤمنین، ج ۱ ص ۴۳۵ روضات الجنات، ج ۴ ص ۲۷۴ لؤلؤة البحرين، ص ۳۸۴ زندگانی امام حسن عسکری (ع) باقر شریف قرشی، جامعه مدرسنین، ص ۸۴ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴ ص ۴۲۵ .
۵. رجـال النجاشی، ج ۲ ص ۸۹ .
۶. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۹۳ رجال طوسی، جامعه مدرسنین، ص ۴۳۲ رقم ۶۱۹۱ .
۷. خلاصة الاقوال في معرفة الرجال، علامه حلی، نشر فقاها، ص ۱۷۸ تنقیح المقال، علامه مامقـانی، ج ۲ ص ۲۸۳ .
۸. روضات الجنات، محمدباقر موسوی خوانساری، ج ۴ ص ۲۷۳ .
۹. الکنی و الالقاب، شیخ عباس قمی، ج ۱ ص ۲۲۲ فوائد الرضویة، ص ۲۸۰ .
۱۰. تأسیس الشیعه، سید حسن صدر، ص ۳۳۱ .
۱۱. الفهرست، محمد بن اسحاق ندیم، ترجمه مرضا تجدد، ص ۳۶۳ .

۱۲. رجال النجاشي، ج ۲ ص ۸۹ خلاصة الاقوال في معرفة الرجال، ص ۱۷۸ .
۱۳. کتاب الغيبة، شيخ طوسي، ص ۴۰۳ نامه دانشوران، ج ۱ ص ۲ .
۱۴. الفهرست، ص ۳۶۳ .
۱۵. الذريعة الي تصانيف الشيعة، آقا بزرگ تهراني، ج ۱۳ ص ۴۶ رقم ۵۷ .
۱۶. اروضات الجنات، ج ۴ ص ۲۷۴ .
۱۷. رجال النجاشي، ج ۲ ص ۸۹ و ۹۰ الفهرست، شيخ طوسي، ص ۹۳ معالم العلماء، محمد بن علي بن شهر آشوب، چاپ نجف، ص ۶۵ .
۱۸. مقدمه كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، نشر الفقاهه، ص ۱۱ و اساتيد آن در صفحات متعدد
۱۹. رجال طوسي، ص ۴۳۲ طبقات اعلام الشيعة، آقاي بزرگ تهراني، اسماعيليان، ج ۱ ص ۱۸۵ بحار الانوار، ج ۵ ص ۷۹ .
۲۰. اختيار معرفة الرجال، ص ۲۲۲ رقم ۳۹۷ .
۲۱. رجال نجاشي، ص ۹۰ .
۲۲. رك: اسانيد كامل الزيارات در صفحات متعدد؛ اسانيد كمال الدين و تمام النعمه شيخ صدوق؛ صفحات متعدد؛ اسانيد التوحيد، معاني الاخبار، من لا يحضره الفقيه در صفحات متعدد آنها؛ شرح مشيخيه من لا يحضره الفقيه، ج ۴ صفحات ۱۰۷ ۲۷ ۸۱ ۳۱ ۱۱۰ ۴۰ و ۱۳۶ در بحار نام ۳۲ نفر از استادان او ذكر شده است، ج ۵ ص ۷۶ به بعد .
۲۳. كتاب الغيبة، ص ۴۰۳ نامه دانشوران؛ ج ۱ ص ۳ .
۲۴. رجال النجاشي، ج ۲ ص ۸۹ .
۲۵. رك، خلاصة الاقوال، ص ۱۷۸ .
۲۶. رابط میان ابن بابويه قمي و حسين بن روح نوبختي كه نامه ها را به دست سومين سفير مي رساند، محدث بزرگ شيعي ابوجعفر محمد بن علي اسود بوده است (كمال الدين و تمام

- النعمة، ص ۵۰۲ کتاب الغيبة، ص ۳۲۰ .
۲۷. کتاب الغيبة، ص ۳۰۸، ك، كمال الدين و تمام النعمة، ص ۵۰۲ كتاب الغيبة، ص ۳۲۰ رجسالة النجاشي، ج ۲ ص ۸۹ .
۲۸. بحار الانوار، ج ۵ ص ۸۰ ريحانة الادب، ج ۷ ص ۴۰۰ .
۲۹. همان؛ همان؛ اعيان الشيعة، ج ۶ ص ۱۱۶ خلاصة الاقوال، ص ۱۱۵ .
۳۰. علامه بحراني رساله اي درباره اين خاندان دارد كه در دسترس نيست ولي جهت آگاهي مراجعه كنيد به بحار الانوار، ج ۵ ص ۷۹ به بعد و مقدمه كتاب آيين دوستي و برادري در مكتب اسلام كه ترجمه كتاب مصادقة الاخوان است البته در « مصادقة الاخوان » به اشتباه به شيخ صدوق نسبت داده شده و اين همان كتاب « الاخوان » از ابن بابويه قمي پدر شيخ صدوق است سند روايات در اين كتاب ذكر نشده كه اين با شيوه اي كه پدر شيخ صدوق در . نقل احاديث داشته سازگاري دارند نه با شيوه شيخ صدوق و نيز در چند پدر شيخ صدوق است سند روايات در اين كتاب ذكر نشده كه اين با شيوه اي كه پدر شيخ صدوق در نقل احاديث داشته سازگاري دارد نه با شيوه شيخ صدوق و نيز در چند حديث كه راوي ذكر شده، محمد بن يحيي العطار، علي بن ابراهيم بن هاشم و سعد بن عبدالله اشعري قمي است كه اين سه محدث بزرگوار از استادان حديث ابوالحسن علي بن حسين اند نه شيخ صدوق و صدوق از اينان به واسطه پدرش حديث نقل کرده و نه بدون واسطه (رك، الذريعة الي تصانيف الشيعة، ج ۱ ص ۳۸۲ رقم ۱۹۷۹) .
۳۱. كتاب الغيبة، ص ۳۲۲ .
۳۲. ك، الكامل في التاريخ، ج ۷ ص ۱۷۶ و ۱۷۷ مروج الذهب، ابوالحسن علي بن حسين مسعودي، ترجمه ابوالقاسم پاينده، انتشارات علمي و فرهنگي، ج ۲ ص ۵۱۲ تاريخ الاسلام، محمد بن احمد بن عثمان ذهبي، ج ۲۴ ص ۳۳ .

دانشوری پر تلاش

یکی از چهره‌هایی که در آسمان اندیشه شهر مقدس قم طلوع نمود و در معرفی و نشر فرهنگ اسلامی و صیانت از دژ استوار قرآن و عترت از خود اهمیّی ارزشمند بروز داد، فاضل فرزانه «قاضي سعيد قمی» می‌باشد. وی در عصر صفویه که شیعیان از اقتدار نسبتاً خوبی برخوردار بودند جرعه‌هایی از جوبیار با طراوت حکمت را به کام تشنگان معنویت ریخت و سرچشمه‌های فضیلت را به سوی جامعه سرازیر ساخت و از این رهگذر در حد توان به انسانها حیات معنوی اعطا کرد.

حکیم قاضي سعيد قمی از تبار متالّه شیعه است. آنهایی که به جمع آوری مجموعه روایات منقول از ائمه (ع) و ضبط آنها در کتابها و تعیین قواعدی که اعتبار سلسله نقل روایات را تضمین کند، اهتمام ورزیده اند.

اگر بخواهیم این تلاش علمی را به چهار دوره تقسیم کنیم، دوره

اول به عصر امامان شیعه و اصحاب و پیروان آنان مربوط می‌شود و دوره دوم از زمان غیبت کبری تا زمان خواجه نصیرالدین طوسی به طول می‌انجامد و دوره سوم از زمان این دانشمند تا پدید آمدن مکتب اصفهان توسط میرداماد و شاگردانش می‌باشد. در دوران چهارم ملاصدرا و شاگردانش وی پدیدار گشتند. متفکرانی که قاضي سعيد و اساتیدش در تکوین آن

دخالت عمده ای داشته اند. این متفکران بر اساس منابع قرآنی و روایی و تعقل فلسفی، معنای باطن را از طریق تعمق در وحی نبوی در گنجینه ضمیر و معرفت و جدایی شیعه ادراک کرده و عرضه نمودند،^(۱) دانشمندان شیعه در این دوره اساس فلسفه و حکمت را از کلمات معجزه آسا و مضامین بسیار عالی نهج البلاغه اتخاذ کردند و از کلام نخستین امام شیعیان حکمت الهی را استنتاج نمودند.

«منوچهر صدوقی سها» - که از پژوهشگران اندیشه های فلسفی است - سیر تاریخی حکمت اسلامی را به هشت دوره تقسیم نموده، دوران هشتم را روزگار اساتید واسطه میان صدرالمآلهین و آخوند ملاعلی نوری می داند،^(۲) سید جلال الدین آشتیانی در وصف خردمندان این عصر از شاگردان ملاصدرا سخن گفته که یکی از آنان استاد قاضی سعید قمی بوده است. در طبقه بعد از این حکیمان از

صفحه ۵۱

«قاضی سعید قمی» نام می برد^(۳).

استاد شهید مرتضی مطهری برای روشن شدن سیر فلسفه در جهان اسلام از نظر زمانی، رابطه شاگرد و استادی حکیمان مسلمان را در طبقاتی قرار داده، ذیل معرفی فیلسوفان در طبقه بیست و چهارم نخست از قاضی سعید قمی نام می برد و اجمالاً "نامبرده را استناد کتب تراجم معرفی می کند"^(۴).

نام و نسب خانواده

در آثاری که توسط این دانشمندان به رشته نگارش در آمده عموماً نامی از پدرش دیده نمی شود و تنها در مجلد اول کتاب گرانسنگ «شرح توحید صدوق» خود را «محمد» فرزند «محمد مفید» دانسته و در مجلد دوم مصنف، خویش را محمد فرزند مفید معرفی کرده است. از برخی کتب تراجم بر می آید که مفید لقب پدرش بوده و نام والد وی محمد باقر

است، صاحب کتاب « طرائق الحقایق » نام پدر قاضی سعید را محمد نوشته ^(۵) و نصرآبادی و به تبع وی صاحب سفینه خوشگو، پدر وی را محمد باقر معرفی کرده اند ^(۶). محمد باقر در زهد و وارستگی مشهور بود و در شهر مقدس قم به شغل طبابت اشتغال داشت و با نهایت دلسوزی و رعایت موازین علمی

صفحه ۵۲

و شرعی از این طریق روزگار می گذرانید.

قاضی سعید قمی در چنین بوستان معطری در ذیعهده سال ۱۰۴۹ ه. ق دیده به جهان گشود ^(۷) و خانواده خویش را سرشار از شادی و شغف نمود، البته هانری کربن تاریخ تولد وی را به سال ۱۰۴۳ ه. ق در شهر قم درج نموده است ^(۸).

این عالم شیعی در برخی نوشته ها خود را محمد معروف به « سعید » معرفی کرده است ^(۹) و شرح حال نویسان از وی تحت عناوین « قاضی سعید قمی » ، « میرزا محمد سعید » ، ملا سعید و « حکیم کوچک » نام برده اند ^(۱۰).

برادر بزرگتر وی میرزا محمد حسین نام دارد که از شاگردان ملا رجب علی تبریزی است و نزد شاه عباس دوم صفوی (۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ ه. ق) در ردیف طبیبان حاذق بود .

می گویند محمد حسین ریاست طبای آن روزگار را عهده دار بود و نزد حاکمان صفوی از اهمیت و اعتبار ویژه ای برخوردار بوده است، وی بعد از مرگ شاه عباس از سرپرستی طبیبان معزول گشت و موظف گردید در قم زندگی کند؛ بعد از آن بار دیگر به اصفهان

صفحه ۵۳

فراخوانده شد و پس از گذشت چند سال اعتباری کسب کرد و به سمت طبیب دربار شاه سلیمان صفوی منصوب گردید و بدان سمت باقی بود تا آن که رخ در نقاب خاک کشید و در اصفهان رحلت نمود^(۱۱).

حکیم محمد حسین بن محمد مفید قمی همچون اساتیدش به حکمت و عرفان گرایش داشت و در این راستا به پژوهشهایی دست زد. دیگر تلاشهای این فرزانه اندیشمند تفسیری است بر قرآن کریم به زبان فارسی که نزدیک به چهل هزار سطر می باشد^(۱۲). مدرس تبریزی نامبرده را از اکابر علمای امامیه معرفی کرده است^(۱۳).

قاضی سعید قمی را نباید با ملا محمد سعید کاشانی متخلص به سرمد^(۱۴) و نیز محمد سعید مازندرانی و همچنین با محمد سعید بن قاسم بن محمد طباطبایی^(۱۵) یکی گرفت. دوران شکوفایی

قاضی سعید قمی پس از فراگیری علوم مقدماتی و طب نزد پدر و برادر بزرگترش به حکمت و عرفان روی آورد و به حوزه درسی ملا محسن فیض کاشانی وارد گردید^(۱۶). فیض کاشانی در تکوین اندیشه های این دانشور تأثیر فراوانی داشت، وی از مشاهیر عرفان و

صفحه ۵۴

حکمت الهی و حدیث است و در فلسفه شاگرد ملاصدرا و در فقه شاگرد سید ماجد بحرینی بوده است، صاحب کتاب روضات الجنات از وی به شدت دفاع کرده، تمامی اتهاماتی را که به نامبرده نسبت داده اند، رد کرده، بخشی از اظهاراتش را در مذمت صوفیان نقل نموده است. ملا محسن فیض از رجال برجسته در علوم اسلامی است و تمام عمر خود را در راه علم و معرفت صرف کرده، تألیفات متعددی دارد که به هشتاد جلد بالغ می گردد و بعضی از آنها در چند جلد تدوین شده است^(۱۷).

فیض کاشانی در سرودن شعر توانایی داشت و در سروده های خود، به « فیض » تخلص می کرد، عده ای وی را صوفی می نامیدند اما او در کتابی تحت عنوان « الکلمات الطریفه فی ذکر منشأ اختلاف الامة المرحومه » این نسبت را نفی و انکار نمود^(۱۸). مخفی نماند در مدتی که فیض کاشانی در شهر مقدس قم به سر می برد، قاضی سعید از محضرت بهره مند گشته، نزد وی اندیشه های عرفانی خود را غنا بخشیده و شکوفایی او در قلمرو شعر و سروده های عرفانی ماحصل ارتباط وی با فیض کاشانی بوده است.

قاضی سعید به عربی و فارسی شعر می گفت و تخلص وی « تنها » می باشد و دیوان شعر پارسی او معروف است.

میرزا صائب (متوفی به سال ۱۰۸۱ ه.ق) تقریظی به صورت يك

صفحه ۵۵

رباعی بر دیوان وی نوشته که بیت آخرش این است:

این نسخه هزار درد را درمانست هر نسخه مناسبت به دردی دارد

از دیوانش اطلاعی در دست نیست، اما از اشعارش چند بیت در آتشکده آذر، نُه بیت در تذکره نصرآبادی، بیست و هفت بیت در سفینه خوشگویی هندی و متجاوز از سیصد بیت در تذکره محمد نصیر نصرت مسطور است^(۱۹).

در شعری، از صوفیان مردم فریب انتقاد کرده و می گوید:

که گر بر آب روند از هواست همچو حباب مخور فریب کرامات این تهی مغزان

در مذمت افراد مغرور گفته است:

خم شود هر کس که از پستی به بالا می مرد رفعت جوی را ناراست بودن لازم

رود است

و در شعری افراد پاک سرشت را چنین ستوده است:

هیچ حاجت نیست خاک کربلا را زر پاك طينت را کمالی نیست دانشور
شدن شدن

این چنین آذین کنند آزادمردان خانه را شیشه نه چرخ را بر طاق نیشان چیده
ام

در گرایش های عرفانی می گوید:
دست گلچین تو را چون دسته گل بو کنند عندلیبان چون طواف گلشن آن کو کنند

صفحه ۵۶

از تماشای جهان چشمی که بر می نرگسی پنداشتم می چینم از گلزار
داشتم^(۲۰) غیب
مؤلفانی چون میرزا عبدالله افندی^(۲۱)، محدث قمی^(۲۲)، خوانساری^(۲۳) و شهید
مطهری^(۲۴) اظهار داشته اند: قاضی سعید قمی حکمت و عرفان را نزد ملا عبدالرزاق لاهیجی
آموخته است.

چنین ادعایی بعید می نماید زیرا اگر تولد قاضی سعید در سال ۱۰۴۹ ه. ق اتفاق افتاده
باشد همانها که وی را شاگرد ملا عبدالرزاق لاهیجی دانسته اند، بخصوص صاحب طرائق
الحقایق و خوانساری مؤلف روضات الجنات و حاج شیخ عباس قمی در هدیه الاحباب،
زمان رحلت لاهیجی را در شهر قم به سال ۱۰۵۱ ه. ق نوشته اند، پس در این صورت قاضی
سعید هنگام فوت نامبرده طفلی دو ساله بوده است و بدین لحاظ امکان ندارد که درس فیاض
را در این سن درک کرده، از او مستفید شده باشد. قاضی سعید را رسم بود که همچون دیگر
دانشوران به رسم تشکر نامی از اساتید خویش در تألیفات خود بیاورد. اما از مطاوی تصانیف
قاضی سعید قرینه صحت این مطلب بدست نیامد، چنانکه به نام دیگر اساتیدش اشاراتی
آشکار دارد و ما نمونه هایی را خواهیم آورد.

در مکتب اصفهان

قاضی سعید قمی برای استفاده از اندیشه های عرفانی حکیمان اصفهان، شهر مقدس قم را به قصد آن دیار ترک نمود. در این زمان اصفهان یکی از مهمترین کانونهای فرهنگی و علوم اسلامی محسوب می شد. اقتدار تشیع و روی کار آمدن دولت شیعی صفوی زمینه را برای شکوفایی تفکرات علمای شیعه فراهم ساخت و نوشته ها و آثاری پدید آمد که در آنها اندیشه های حکیمان از بوستان خاندان عصمت بهره می گرفت و از میوه های باغ احادیث و روایات سود می جست .

در زمانی که این جوان تشنه دانش به مکتب حکیمان اصفهان پا نهاد، رجبعلی تبریزی حوزه درسی تشکیل داده مشغول تربیت شاگرد وی همین قاضی سعید قمی بود ^(۲۵) که از افکار استاد خویش ملهم گردید و نامبرده برخی آثار خود را به این استاد تقدیم کرده و یک یا دو اثرش را ترجمه نموده است .

رجبعلی تبریزی، معاصر شاه عباس دوم بود که وی طی ملاقاتی با این دانشمند چندین بار او را نواخت، او به افکار قدما و متأخران احاطه داشت و از آثارش این معنا هویدا است .
وی پس از تحصیل در علوم دینی، در شهر بغداد مدتی گوشه عزلت برگزیده و به تزکیه نفس سرکش پرداخت، وی در میدان فضیلت، گوی دانش را به زور بازوی معرفت و چوگان همت از اقران و

امثال ربود و شهره آفاق گردید و سپس به اصفهان انتقال یافت و به مقتضای خواهش طبع بلند همت خویش، اکثر اوقات بعد از عبادت حضرت باری تعالی و ذکر و دعا و تهجد به

افاده نکات حکمت پرداخته، گروهی از شیفتگان معرفت را از معقولات خویش بهره مند می نمود^(۲۶).

ملا رجبعلي در منطق، علوم طبیعی و الهیات تبحر داشت و در این زمینه ها صاحب نظر بود و البته به برخی اندیشه های ملاصدرا انتقاد می نمود.

محمد رفیع پیرزاده که سال تولد و وفاتش به دست نیامده همراه با قاضی سعید قمی از نزدیکان این استاد بوده است که به توصیه ملا رجبعلي اثری مفصل با عنوان « معارف الالهیه » نگاشت که در آن تعلیمات استاد خود را بیان کرده و بسط می دهد^(۲۷).

میرزا عبدالله افندی اصفهانی که تقریباً با وی و شاگردش قاضی سعید معاصر بوده می گوید: رجبعلي تبریزی انسانی زاده، فاضلی حکیم و عارفی ماهر بوده و نزدیک به روزگار ما در گذشته است. (فوت رجبعلي در سال ۱۰۸۰ ه. ق اتفاق افتاده است) از آثار ملا رجبعلي رساله ای به زبان فارسی تحت عنوان « اشتراك لفظي وجود میان ذات و صفت باری »^(۲۸) و رساله « اثبات واجب » وی که با مقدمه ای در شرح

صفحه ۵۹

حال و ذکر آثار او به اهتمام عبدالله نورانی چاپ شده است^(۲۹).

قضاوت و طبابت

ملا رجبعلي تبریزی در تکوین شخصیت علمی و فکری شاگرد خود قاضی سعید قمی دخالت عمده ای داشت و پس از رحلت استاد، قاضی سعید اندیشه های وی را پی گرفت و مانند مربی و معلم خود، نزد شاه عباس دوم اعتباری کسب کرد و در حدود سال ۱۰۶۸ ه. ق که تکیه فیض را در شهر اصفهان بنا می نمودند، بنا بر مأموریتی که از سوی شاه عباس دوم به وی واگذار شد؛ از جوهی که به طریق حلال تهیه شده بود املاک و مزارعی حاصلخیز و مرغوب خریداری کرده بر تکیه مزبور وقف نمود^(۳۰).

بنا به قول مؤرخان حکیم قاضی سعید از سوي شاه به قضاوت در قم منصوب گردید و از آن تاریخ به قاضی سعید عروف شد و در برخی آثار خویش به لقب قاضی اشاره دارد و این سمت تسلط وی را بر منابع فقهی و شرعی نشان می دهد زیرا در عصری که علمای زیادی در شهر قم بودند ریاست امور شرعی و قضایی به وی محول گردید و این مسأله از توان علمی و نفوذ اجتماعی قاضی سعید حکایت می کند. منابع دیگر خاطر نشان نموده اند که وی تا آخر عمر به طبابت هم اشتغال داشته و به درمان بیماران در زمان شاه سلیمان صفوی

صفحه ۶۰

مبادرت ورزیده است .

روشن است که او منصب قضاوت را تنها بدین خاطر پذیرفت که حقوق تضییع شده را بازستاند و در اجرای عدالت و گسترش امنیت اجتماعی بکوشد، بلکه او لازم دید که برای تحصیل قدرتی دینی ضامن اجرای احکام حق و عدل باشد تا از این رهگذر بتواند وظیفه دینی و شرعی خود را انجام دهد .

همانطور که در سخنرانی معروف حضرت امام حسین (ع) آمده است: «مجاری الامور و الاحکام علی ایدی العلماء بالله،^(۳۱) علمای ربانی کارگزاران و حکمرانان جامعه هستند .»

قاضی سعید ریاست امور شرعی و قضاوت را پذیرفت تا با این مقام به محرومان مدد برساند و آنان را از ناداری و استضعاف نجات داده و حقشان را از چنگ تکاثر طلبان و مرفهین بی درد بیرون آورد و نقش کاذب سرمایه داران و زورگویان را بی اثر نموده، مردم را به رهنمودهای قرآن و عترت علاقه مند نماید .

روش قاضی سعید در اجرای احکام شرعی و تلاشهای علمی وی در قلمرو حکمت و عرفان بر برخی تنگ نظران و کوتاه فکران، ناپسند آمد و این نامدار عرصه اندیشه محسود

اقران قرار گرفت و هنگام روی کار آمدن شاه سلیمان صفوی (سال ۱۰۷۷ه.ق) حاسدان نزد وی و درباریان، زبان به مذمت گشوده و مفسدین سعایت آن عالم سعید را

صفحه ۶۱

پیشه خود نمودند و نظر حاکمان وقت را نسبت به او مکدر ساختند و با امواج بدبینی و توفان تهمت زمینه های تعطیل فعالیت های او را فراهم کردند. سرانجام قاضی سعید از خدمت در شغل قضاوت و تصدی امور شرعی اخراج و از شهر قم تبعید و در قلعه الموت محبوس گردید؛ اما چون صداقت، صفای نفس و درستی وی بر آنان معلوم شد مورد عفو قرار گرفت و قبل از سال ۱۰۸۴ه.ق. به شهر مقدس قم رفت و تا سال ۱۰۸۸ه.ق به پژوهشهای علمی در زمینه قرآن، حدیث و علوم دینی مشغول بود تا اینکه در سال ۱۰۸۹ به اصفهان آمد و تا سال ۱۱۰۲ در این شهر به تحقیق در حکمت و عرفان مبادرت نمود.

مورخان می گویند: قاضی سعید تا سن سی سالگی مشغول بحث و بررسی در احادیث و روایت نبود و ظاهراً در این سن پس از رؤیای صادقه ای، در صدد برآمد که در اخبار اهل بیت تفحص کند و او در کتاب « الاربعینیات » به این خواب راستین و روی آوردن به پژوهشهای کلامی - اعتقادی، اشاره نموده است.

از برخی نوشته های وی چنین بر می آید که در هنگام تألیف آنها در مشقت بوده و در دوران تبعید روزگار را به سختی سپری می کرده است و از شر اعدا به رشته الهی تمسک می جست و از خداوند رهایی خود را می خواهد.

صفحه ۶۲

از دیگران

سید محمد مشکوة - استاد فقید دانشگاه تهران - که کتاب « کلید بهشت » قاضی سعید را پس از تصحیح و مقدمه نویسی به چاپ رسانیده است درباره این دانشمند جهان تشیع می گوید:_____

... «تصانیف وی با سلیقه و ذوق و روح تصوف در قالب فلسفی مدون گردیده و شاید به همین جهت همه وقت نسخ آنها کمیاب و عزیزالوجود بوده و کمتر از حدود قم و اصفهان تجاوز می کرده است، غالباً مورخین از غالب تصانیف وی بی اطلاع مانده اند و حتی سید اعجاز حسین کنتوری در کتاب خود - کشف الحجب و الاستار^(۳۷) - که جامعترین فهرست تصانیف شیعه است به هیچ اسم و رسمی از قاضی سعید و تصانیف او نامی به میان نیاورده و گویا از وی اطلاعی نداشته است^(۳۸) ...»

هانری کربن - پروفیسور اهل فرانسه - که در بین مذاهب مختلف به عقاید شیعه، علاقه کامل پیدا نموده و این تمایل وی از تتبع و بررسی در مبانی تشیع حاصل شده^(۳۹)، می گوید:

صفحه ۶۴

... «این اندیشمند و حکیم معنوی (قاضی سعید) دارای چنان اهمیتی است که باید فصلی ویژه به وی اختصاص داد... قاضی سعید از برجسته ترین نمایندگان عرفان شیعی امامی است^(۴۰) ...»

و نیز محمد شریف رازی درباره اش می نویسد: «عصر شاه صفی صفوی ریاست روحانیت و علمیت شهرستان قم با وی بوده و در بین مردم قضاوت و داوری می نموده و در شرعیات نهایت تسلط را داشته است^(۴۱)»

تراوش اندیشه

در نسخه ای خطی از کتاب « کلید بهشت » که کاتب، آن را در تاریخ ذیحجه سال ۱۰۸۵ ه.ق در زمان حیات مؤلف به پایان برده، از قاضی سعید به عنوان جالینوس زمان یاد

کرده است. این عبارت محکم ترین و قدیمی ترین مأخذي است که از طبابت ورشته تخصصی قاضی سعید در طب سخن گفته و عباراتی با این صراحت جز بر قاضی سعید در آن عصر منطبق نمی گردد.

اما علاوه بر طبابت، وی در توضیح، تفسیر و تبیین احادیث و روایات و استخراج حکمت و عرفان از منابع روایی نیز تبحر داشت و در آثارش چنین تسلط و مهارتی کاملاً مشهود است.

قبل از دوران شیخ صدوق، شیعه نه تنها از لحاظ سیاسی مظلوم بود بلکه از لحاظ عقاید نیز برای مردم ناشناخته بود. علمای دربار

صفحه ۶۵

خلفای عباسی، بسیاری از اندیشه های موهوم را به شیعیان نسبت می دادند که در واقع از تفکرات شیعی نبود. به دلیل همین اتهامات شیخ صدوق با تألیف کتاب «اعتقادات» و «التوحید» حقیقت تشیع را آشکار کرد و عقیده شیعه را درباره خداوند سبحان و صفات جمال و جلال او بر اساس روایات اهل بیت (ع) بیان نمود و قاضی سعید نیز به بسط و شرح این احادیث پرداخت.

این دانشمند شیعه بر طبق آیات قرآن و روایات گوناگون که لفظ عرش الهی در آنها بکار رفته است، مصادیق مختلف را ذکر کرده و بر این باور است که نفس انسان بر اثر تابش نور حق بیدار شده، رفته رفته نور معنوی بر قوای حیوانی غلبه می کند و بر اثر آن حالت اطمینانی به نفس دست می دهد و به دلیل اعراض از آثار قوای حیوانی، مطمئن می گردد، استعدادش به کمالات لایق کامل می شود و چنین صفایی موجب ظهور انوار الهی و تجلی کمالات ربانی شده، حق در قلب، منزل می نماید. به همین گفته شده است: «قلب المؤمن عرش الله الاعظم.»

همه حرکات و ظهورات منبعث از تجلی حق به اسماء جلال و جمال در قلب کامل،
حقیقت کلیه انسان است لذا امام به حق را، قلب عالم امکان و موجب آرامش جهان دانسته
اند . »

گر دل نبود ز گِل چه حاصل عرش است محیط و مرکز دل
گرد دل ماست نه بر این خاک گر دیدن عرش و جمله افلاک
خاک است بهانه، اصل آن است عرش از پی دل بر روان است
کمالات رحمانی و ظهور حق در دل مؤمن به اعتبار آن که برزخ، بین

صفحه ۶۶

غیب و شهادت است از ظهور حق در عرش عالم آفاق، تنوع افزونتری دارد .
قاضی سعید از ساختار کعبه، اساس امامت دوازده امام را استخراج می کند؛ کعبه سنگی
به رمز حیات انسانی و قبله حجی تبدیل می شود که با مراحل حیات تطابق دارد. حدیث
مربوط به دوازده حجاب نورانی با توصیف رمزی، مراتب نور محمدی در عالم و سپس نزول
آن از عالمی به عالم دیگر از مجرای هفتاد هزار حجاب تا جهان ناسوت، اما شناسایی را با
نظریه مربوط به تکوین عالم و حکمت تاریخ را با فراتاریخ پیوند می دهد^(۴۲).
حضرت امام رضا (ع) پس از مناظره با رؤسای ادیان و سران فرقه ها در اثبات خداوند و
مقام نبوت پیامبران رو به حاضران نمود و فرمود هر کدام پرسشی دارید مطرح کنید؛ همه به
دلیل ارائه براهین محکم و مستدل از سوی امام سکوت اختیار نمودند. در این میان عمران
صابی که از بزرگترین متکلمان زمان خود بود از چگونگی اثبات خداوند سؤال کرد. دامنه
گفتگو میان فروغ هشتم امامت و عمران در این باره به باریکترین و پیچیده ترین مسایل مربوط
کشید و امام با روشی ساده و جالب و با استدلال به حقایق روش علمی که در عیون اخبار
الرضا و احتجاج طبرسی درج شده به او پاسخ داد .

این احتجاج از مشکلات کلمات ائمه(ع) است که بر آن شرحی نوشته اند و عارف محقق قاضی سعید قمی به تشریح و تبیین آن

صفحه ۶۷

پرداخته است و از این شرح احاطه وی بر منابع روایی و حکمت و عرفان هویداست^(۴۳). قاضی سعید محبت به ساحت قدس اهل بیت را از طریق معرفت به دست آورد و در این راه به پژوهشهای گسترده ای دست زد. او عقیده داشت امامان قلب مؤمنان را بر می افروزند و آنان که از این نور محرومند، قلب تیره ای دارند. ائمه(ع) (حکمت لدنی دارند و مهبط وحی، موضع رسالت، معدن عرفان و شجره نبوتند و اسم اعظم خداوند نزد این وجودهای مطهر است و منظور از حدیث شریف «من عرف نفسه فقد عرف ربه» این است که مؤمن باید وجه الله را بشناسد و این وجه الهی امام می باشد. تفسیر مزبور را قاضی سعید از سخن منسوب به حضرت علی(ع) که به نام خطبةالبیان مشهور است استخراج نموده است، زیرا در این کلام حضرت می فرماید: من آیت قادر مطلق هستم، عرفان اسرارم، محرم انوار جلال خداوندم و صاحب سر رسول خدایم و به نحوی پر صلابت هفتاد مورد را به همین نحو فوق العاده بیان می فرماید. قاضی سعید قمی بنا به شرحی که بر این خطبه نوشته، آن را مستفیض دانسته است. برخی مؤلفان، انتساب این کلام را به حضرت علی(ع) ضعیف شمرده اند ولی شیخ حافظ رجب بُرسی^(۴۴)

دانشمند معروف شیعه در قرن هشتم این بیان را در کتاب مشارق الانوار ذکر نموده است.

صفحه ۶۸

از نوشته های شرح حال نگاران چنین بر می آید که قاضی سعید قمی در دست یافتن به استنباط دقایق و نکات پیچیده حکمت اسلامی مورد حمایت غیبی بوده، از لطف الهی و

تفضلاتي ائمه(ع) برخوردار گشته است. وي چنين فضيلتي را از طريق اخلاص، عبادت و مقيد بودن به شب زنده داري كسب کرده است^(۴۵).

قاضي سعيد ضمن تحقيق در آثار روايي و حكمت شيعي از مطالعه در آثار علماي ديگر غافل نبود و به تفكرات فلاسفه يوناني نيز توجه داشت؛ كتابي است به نام «اثولوجيا» كه توسط افلاطون نوشته شده و عالمان اسلامي از آن به عنوان «الربوبيه» و «الهيآت» سخن گفته اند كه ده مبحث را در بر مي گيرد و قاضي سعيد بر چهار فصل آن تعليقاتي نگاشته است. علت توجه وي به اين اثر غير از علاقه دروني رواج و ارزشي است كه كتاب مزبور در حوزه عقلي استادانش داشت. زيرا آنان بارها «اثولوجيا» را مطالعه کرده، در معاني آن اندیشه نموده و به تشریح مطالب آن پرداخته اند^(۴۶).

قاضي سعيد از اندیشه هاي ميرابوالقاسم فندرسكي - دانشمند عصر صفوي (متوفي ۱۰۵۰ه.ق) در تألیفات خویش استفاده کرده و خود بدین نکته اشاره دارد. كتاب اسرار الصنایع او الهام گرفته از رساله صناعیه ميرفندرسكي^(۴۷) مي باشد. وي در آثار خود غالباً به آنچه از ديگر دانشوران نقل کرده به دیده نقد نگاه کرده و با استقلال اندیشه

صفحه ۶۹

و وسعت آگاهي و توان علمي به بررسي آراء و افكار ديگران پرداخته است .

مبوه هاي معرفت

قاضي سعيد قمي به لطف خداوند و بر اثر اهتمامي كه از خویش بروز داد توانست آثاري ارزشمند را به رشته تحریر در آورد كه به آنها اشاره مي گردد:
- ۱ شرح توحيد صدوق كه قاضي سعيد در كتاب شرح اربعين - چهار مورد - و در شرح حديث الغمامه - دو مورد - و در اسرار عبادات - دو مورد - و در كتاب اربعينيات بدان اشاره کرده و خواننده را به اين كتاب ارجاع داده است. اين كتاب مفصل ترين تصنيف قاضي سعيد

و در چند مجلد است و در سال ۱۰۷۹ ه. ق تألیف آن آغاز گشته و تا چندین سال بعد تحریر آن به درازا کشیده است^(۴۸).

۲- شرح الاربعین، قاضی سعید در این اثر برخی احادیث مشکل را تدوین کرده و به شرح آنان پرداخته است. وی در رساله شرح حدیث الغمامة به عنوان این کتاب اشاره دارد و مدرس تبریزی از آن به عنوان «الاربعون حدیثا» نام برده و می افزاید مؤلف، آن را در سن سی سالگی نوشته است و شرح چهل حدیث در معارف می باشد که مشحون از تحقیقات علمی است. شیخ آقا بزرگ تهرانی سه نسخه از

صفحه ۷۰

آن را ملاحظه کرده است^(۴۹). ناگفته نماند که اثر مزبور در ده هزار سطر تدوین شده، با مقدمه سید نصرالله تقوی در سال ۱۳۵۵ ه. ق در تهران به چاپ رسیده است. چون در این کتاب قاضی سعید در شش مورد از کتاب «وافی» نقل کلام نموده؛ مؤلف آن را که استادش بوده و فیض کاشانی نام داشت با جمله «ادام الله فیضه» دعا کرده و در زمان تصنیف آن، فیض کاشانی در قید حیات بوده است^(۵۰).

۳- الاربعینات للكشف انوار القدسیات»، این اثر از مصنفات ممتاز قاضی سعید است. وی می خواست چهل رساله از خلاصه مطالعات خویش در اسرار حکمت را به رشته نگارش در آورد که تنها به تدوین ده رساله توفیق یافته که در این مجموعه قرار گرفته و تحت عنوان «اوین زین تنظیر شمیم شده اند: الف: «رساله روح الصلوة» که در آن درباره اسرار اوضاع و حقیقت اذکار و تفسیر آنچه در نماز خوانده می شود بحث کرده است. او این اثر را به استاد خود فیض کاشانی اهدا نموده است^(۵۱).

ب: « الكشف عن القراءات السبع » تصنيف آن در قم دو شب گذشته از جمادي الثاني
سال ۱۰۸۹.ق شروع شده و دو شب به آخر همان ماه

صفحه ۷۱

خاتمه یافته است، وي در اثر مذکور موضوع اختلاف در خواندن قرآن را با بحث هاي
فلسفي و اشراقي حل کرده است .

ج: « الفوائد الرضويه » که تفسيري است با دید فلسفي در خصوص حديث رأس
الجالوت يعني احتجاج حضرت امام رضا (ع) با رهبران يهودي. در مقدمه گفته است :
حکمت آن مي باشد که در قرآن، سنت و علمي که از مدينة العلم حضرت علي (ع) برخاسته،
مندرج باشد و در خبرهاي امامان حقايق بسياري براي عابدان و عالمان نهفته است ^(۵۲). البته
اين رساله غير از شرح حديث دوازدهم اربعين اوست که مفصل مي باشد. گر چه در آن هم
به نام رأس الجالوت اشاره شده است (تاريخ تدوين ۱۰۸۴.ق)

د: « مرقاة الاسرار » ، اين رساله را قاضي سعيد در سن سي و پنج سالگي و در دهم ذي
القعدة سال ۱۰۸۴.ق در شهر قم نوشته است ^(۵۳). در اين وجيزه، مؤلف به موضوع ربط
حادث به قديم و حدوث زماني عالم و بحث ماهيت و وجود پرداخته و به موضوع اصالت
وجود انتقاد کرده است ^(۵۴).

ه: « النفحات الالهيه و الخواطر الالهاميه » ، وي اين رساله را در اصفهان و در
سال ۱۰۸۴.ق نوشته و در آغاز خداوند را به خاطر آنکه به وي عقل و علم عطا نموده شکر
کرده است .

و: « المقصد الاسني » ، در تحقيق ماهيت و وجود و حرکت که اين کتاب

صفحه ۷۲

را قاضي سعيد در سال ۱۰۸۸ در قم تحرير نموده و آن را با حمد پروردگار جهانيان آغاز کرده و با درود بر رسول اکرم (ص) و آل او به پايان برده است .

ز: « الانوار القدسيه » در تحقيق هيولي، نفس و فوائد ديگر که به سال ۱۰۵۸ در قم نوشته است، وي مي گوید: انوار قدسي شامل سه نور است که هيولي، صورت و نفس از عناصر آن مي باشد و در مقدمه از منتقدین به مباحث عرفاني و فلسفي مذمت کرده و تهمت زدن آنان بر اهل دانش را محکوم نموده است^(۵۵).

ح: « الحديقه الوردية في السوانح المراجيه »، در رساله مذکور نگارنده موضوع معراج را مورد تأويل فلسفي و عرفاني قرار داده است .

ط: « البرهان القاطع »، که ترجمه رساله فارسي برهان قاطع و نور ساطع استادش حکيم الهي رجبعلي تبريزي است .

ي: « الطلايع و البوارق » يا « البوارق الملكوتيه » رساله اي مفصل در يك مقدمه و شش طليعه و هر طليعه چندین بارقه دارد و در آن، مباحث حکمي و فلسفي و دیدگاههاي عرفاني مطرح شده است^(۵۶).

به تصريح مؤلف، مقدمه اين نوشتار در سال ۱۰۹۵ هـ.ق آغاز شده و به سال ۱۱۰۲ به مجموعه اربعينيات منتقل شده است^(۵۷).

يادآوري مي شود هر يك از اين رساله ها عموماً داراي مقدمه و

صفحه ۷۳

خاتمه است و غالباً دو تاريخ دارد، زمان به پايان رسيدن تصنيف و ديگري تاريخ الحاق به کل مجموعه اربعينيات؛ اين کتاب آخرين و مفيدترين آثار قاضي سعيد است .

۴- حاشیه بر اثولوجیا» یا حکمت ارسطو؛ اثر به معنای ماوراء الطبیعه و لوژی به معنای دانش می باشد. قاضی سعید بر چهار بخش این اثر حاشیه نوشته است^(۵۸). وی در سال ۱۰۷۷ ه.ق از تحریر این رساله فارغ شده است.

۵- کلید بهشت» که رساله ای است در اشتراك لفظی اسماء الله؛ این نوشتار که به زبان فارسی می باشد به تصحیح سید محمد مشکوة در تهران چاپ شده است^(۵۹).

۶- اسرار الصنایع در صناعات خمسہ منطق، برهان، جدل، شعر، مغالطه و خطابه^(۶۰).

۷- شرح حدیث بساط که قاضی سعید در سال ۱۰۹۹ در اصفهان از آن فارغ گردیده است^(۶۱).

۸- شرح حدیث غمام که به سال ۱۰۹۹ در اصفهان نوشته است^(۶۲).

۹- قیقة الصلوة یا مقاله توحید در بیان این که حقیقت و روح

صفحه ۷۴

نماز عبارت است از توحید ذات، توحید اسماء و صفات و توحید افعالی، این رساله در ۱۵۰ سطر نوشته شده است^(۶۳).

۱۰- اسرار عبادات، که ده هزار سطر است و استاد سید محمد مشکوة نسخه ای از آن را به خط مرحوم شیخ محمد علی (از طلاب سابق مدرسه سپه سالار) در اختیار داشته است.

۱۱- حاشیه بر شرح الاشارات خواجه نصیرالدین طوسی، که صاحب ریاض العلماء از آن نام برده است.

به سوي دار سرور

سرانجام این عارف شیفته اهل بیت عصمت و طهارت (ع) پس از جهدي وافر و به یادگار نهادن آثار علمی فراوان و تربیت شاگردانی دانشور، به سال ۱۱۰۳ ه.ق دار فانی را وداع

گفت ^(۶۴) و به سرای باقی شتافت، پیکر مطهرش در شهر مقدس قم نزدیک مقبره شیخ ابوالحسن علی بن بابویه، در کنار خیابان ارم مدفون گردید ^(۶۵).

از قاضی سعید فرزند فاضل متکلمی باقی ماند که راه پدر را در طریق کاوشهای علمی ادامه داد، نامش مولی صدرالدین می باشد که در حرم حضرت معصومه (س) اصول کافی درس می داد، بعدها همچون

صفحه ۷۵

والدش به منصب قضاوت در آذربایجان منصوب گردید ^(۶۶).

کاظم بن آقا صادق که از شاعران و نجای قم بوده و ابیاتی از او در آتشکده آذر مسطور است از شاگردان قاضی سعید می باشد. مهدی نامی شرح توحید صدوق را بر استادش (قاضی سعید) قرائت کرده است ^(۶۷). محمد کریم از دیگر شاگردان وی است که قاضی سعید به او اجازه داده در اول کتاب اربعون حدیث نام استاد خود را تحت عنوان محمد المدعو به سعید شریف ذکر کند ^(۶۸). قاضی سعید فرزند خواهری به نام نورالدین داشت که چون پیراهن وی در حکمت بود و حافظ اسرار او در نهان و آشکار به شمار می رفت ^(۶۹).
پی نوشت ها :

۱. در این مورد بنگرید به تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه اسدالله مبشری،

ص ۵۴ - ۵۵

۲. تاریخ حکماء و عرفاء متأخرین صدرالمتألهین، منوچهر صدوقی سها، ص ۲۶.
۳. نـک: شرح مشاعر لنگرودی، مقدمه، ص ۲۶ - ۲۵.
۴. خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد شهید آیه الله مرتضی مطهری، ص ۵۹۱.
۵. طرائق الحق، ج ۳ ص ۷۲.

۶. تذکره نصیرآبادی، ص ۱۶۷.
۷. الذریعه، الي تصانیف الشیعه، ج ۴ ص ۴۷۹ و نیز روضات الجنات، ج ۴ ص ۱۰ - ۹.
۸. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه جواد طباطبایی، ص ۴۸۸.
۹. گنجینه دانشمندان، محمدشریف رازی، ج ۱ ص ۱۱۹.
۱۰. فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، آذر تفضلی، مهین فضائلی جوان، ص ۵۱۱.
۱۱. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ج ۲ ص ۳۱۸.
۱۲. الکنی و الالقاب، ج ۳ ص ۵۳ فوائد الرضویه، ص ۶۲۷.
۱۳. ریحانة الادب، مدرس تبریزی، ج ۴ ص ۴۱۳.
۱۴. درباره وی بنگرید به کتاب قصص الخاقانی، ولی قلی بن داود قلی شاملو، ج ۲ ص ۱۷۸.
۱۵. بنگرید به فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۵۱۱ و نیز تذکره پیمانه، ص ۹۱ تا ۹۳.
۱۶. کلید بهشت، میرزا محمد سعید قمی، مقدمه سید محمد مشکوة، ص ۸.
۱۷. فلاسفه شیعه، عبدالله نعمه، ترجمه سید جعفر غضبان، ص ۴۹۹ - ۴۹۸.
۱۸. ریحانة الادب، ج ۴ ص ۳۶۹ تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون، ج ۴ ص ۲۸۲.
۱۹. کلید بهشت، مقدمه صحیح، ص ۱۱.
۲۰. تذکره نصیرآبادی، ص ۱۶۸.
۲۱. ریاض العلماء، ج ۲ ص ۳۱۹ و در مورد دیگر سروده هایش بنگرید به کتاب در محفل روحانیان، محمد علی مجاهدی، ص ۱۵۳.
۲۲. روضات الجنات، ج ۴ ص ۱۰.
۲۳. نك: الکنی و الالقاب، ج ۳ ص ۵۲ فوائد الرضویه، ص ۶۲۷.
۲۴. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۹۱.
۲۵. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ص ۴۸۷.

۲۶. قصص الخاقاني، ولي قلي بن داود قلي شاملو، ج ۲ ص ۴۸ - ۴۷ .
۲۷. تاريخ فلسفه اسلامي، كـربن، ص ۴۸۷ .
۲۸. رياض العلماء، ج ۲ ص ۳۱۷ .
۲۹. نامه آستان قدس، شماره ۶ سال ۱۳۳۴ .
۳۰. نـك: روضة الصفاي ناصري، ج ۸ ص ۱۰۰ .
۳۱. تحف العقول، ص ۱۷۱ .
۳۲. رياض العلماء، ج ۲ ص ۳۱۹ - ۳۱۸ .
۳۳. تذكره نصـرآبادي، ص ۱۶۸ .
۳۴. هدية الاحباب، ص ۲۳۶ الكني واللقاب، ج ۳ ص ۵۲ فوائد الهنويه، ص ۲۶۲۷ .
۳۵. مصباح الهدايه، امام خميني (ره) ترجمه سيد احمد فهري، ص ۱۹۸ ۱۵۳ ۷۶ ۴۵ ۴۳ .
- ۳۸ - ۴۰ .
۳۶. اسرار الصلوة، امام خميني (ره) ترجمه سيد احمد فهري، ج ۱ ص ۱۶۵ ۱۴۷ ۱۴۶ ۱۴۵ .
- ۲۴۰ ج ۲ ص ۲۷ .
۱۳۷. اين كتاب در كلكته چاپ شده است .
۳۸. كليد بهشت، مقدمه مصـحح، ص ۱۲ .
۳۹. درباره وي بنگريد به شرح مقدمه قيصري، سيد جلال الدين آشتياني، ص ۸۴ و ۸۵ و نيز مجموعه مقالات انجمن واره بررسي مسائل ايران شناسي، به كوشش علي موسوي گرمارودي، مقاله نگاهي به ايران شناسي و شيعة شناسي هانري كـربن و نيز مقاله ملاحظاتـي درباره نقـيادي هـانري كـربن از ايرـان شناسـي .
۴۰. تاريخ فلسفه اسلامي، ص ۴۸۸ - ۴۸۷ .
۴۱. گنجينه دانشمندان، محمدشريف رازي - ج ۱ ص ۱۱۹ .
۴۲. تاريخ فلسفه اسلامي، ص ۴۸۹ .

۴۳. این شرح نفیس به همت مرحوم آقامیرزا عیسی خان علی آبادی به مقدمه ای از مرحوم میرزا علی بامداد به خط آقا میرزا محمدعلی عبرت نائینی به چاپ سنگی رسیده است .
۴۴. آرامگاه وی در دوازده کیلومتری شمال شهر زواره می باشد .
۴۵. فوائده الرضویه، ص ۶۲۷ .
۴۶. تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، ج ۵ ص ۳۳۹ .
۴۷. الذریعه، ج ۱ ص ۴۱۷ .
۴۸. استاد سید محمد مشکوة در نسخه خطی دو مجلد از این اثر را نزد سید فاضل حاج سید نصرالله تقوی دیده است که شرح ۲۶ باب از توحید صدوق را شامل می شود .
۴۹. الذریعه، ج ۱ ص ۱۷۴ ضمناً نجفقلی حبیبی دامن همت بر کمر ارادت زده تا مجموعه آثار این عارف بزرگ را با چاپی منقح و تصحیح شده در اختیار علاقمندان بگذارد که جلد اول شرح توحید صدوق با این مشخصات و به اهتمام وی چاپ شده است (آینه پژوهش، سال دوم، شماره مسلسل ۸ ص ۴۱) .
۵۰. کلید بهشت، مقدمه مصحح، ص ۱۸ - ۱۷ .
۵۱. این رساله در حاشیه شرح هدایة ملاصدرا چاپ شده است (ریحانة الادب، ج ۴ ص ۱۲۴) .
۵۲. تاریخ ادبیات ایران، ج ۵ ص ۳۴۰ .
۵۳. کلید بهشت، مقدمه مصحح، ص ۲۷ .
۵۴. تاریخ ادبیات ایران، همان مجلد، ص ۳۴۰ .
۵۵. همان مأخذ .
۵۶. این رساله در فهرست کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۳ ص ۲۱۲۵ - ۲۱۲۴ معرفی شده است .
۵۷. کلید بهشت، مقدمه سید محمد مشکوة، ص ۲۹ .

۵۸. الذریعہ _____، ج ۶ ص ۱۲ .
۵۹. نخستین بار در سال ۱۳۱۵ هـ و برای بار دوم در سال ۱۳۶۲ توسط انتشارات الزهراء به طبع رسیده است .
۶۰. الذریعہ _____، ج ۲ ص ۵۱ .
۶۱. الذریعہ _____، ج ۲ ص ۵۱ .
۶۲. نسخه ای از آن به صورت مخطوط به شماره ۱۸۴۹ در کتابخانه شهید مطهری نگهداری می شود .
۶۳. کلید بهشت، مقدمه مصحح الذریعہ، ج ۴ ص ۴۷۹ .
۶۴. بنا به نقل شرح حال نگاران تا سال ۱۱۰۲ هـ در اصفهان در قید حیات بوده و شیخ آقا بزرگ تهرانی در جایی (الذریعہ، ج ۶ ص) ۱۲ فوت وی را در سال ۱۱۰۳ هـ نوشته ولی در جای دیگر اظهار داشته وفات قاضی سعید بعد از سال ۱۱۰۳ هـ بوده است (ج ۴ ص) ۴۷۹ .
۶۵. گنجینه دانشمندان، ج ۱ ص ۱۱۹ .
۶۶. الکنی و الالقاب، ج ۳ ص ۵۳ روضات الجنات، ج ۴ ص ۱۱ افواید الرضویه، ص ۶۲۸ .
۶۷. کلید بهشت، مقدمه صَحیح .
۶۸. الذریعہ _____، ج ۱ ص ۴۱۷ .
۶۹. روضات الجنات، ج ۴ ص ۹ .

سید علی رضا سید کباری

تبار علم

تبار آیه الله رفیعی قزوینی از خاندانهای علمی شیعه در قزوین است. آنان از سادات حسینی به شمار می آیند و از ذریه سید میرزا محمد زمان طالقانی قزوینی، از اکابر علمای عصر خویش و از شاگردان ملا خلیلا قزوینی اند^(۱).

سید میرزا رفیع (متوفی ۱۲۷۲ ه.ق) از فرزندان سید محمد باقر، از مجتهدان و حکمای الهی عصر خویش بود که نامش عنوان این خاندان جلیل گشت. بدین ترتیب این سلسله به «آل رفیعی» شهرت یافتند.

نسب آیه الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی با یک واسطه به سید میرزا رفیع می رسد و سیادت و علم را از این تبار پاک به ارث برده است.

«سید میرزا رفیع - سید ابراهیم - سید ابوالحسن رفیعی قزوینی».

نسب مادریش نیز به واسطه آیه الله حاج سید علی مجتهد قزوینی به «آیه الله سید ابراهیم» می رسد^(۲).

تولد ابوالحسن

واژه خجسته ابوالحسن، کنیه پنج تن از امامان شیعه (ع) است که به ترتیب عبارتند از:

۱- امام علی (ع) ۲- امام سجاد ۳- (ع) امام کاظم ۴- (ع) امام رضا ۵- امام هادی (ع)^(۳)

لذا وقتی خانواده ای نام « ابوالحسن » را بر فرزند خویش می نهد، به یادکرد پنج تن از ائمه (ع) این نام را انتخاب می کند. آل رفیعی نیز که از سادات پاک سرشت قزوین هستند، پس از تولد « سید ابوالحسن » در سال ۱۳۱۰ ه. ق برابر ۱۲۶۸ ه. ش با انتخاب این نام، یاد پیشوایان علم و تقوا را پاس می دارند .

صفحه ۸۱

تربیت فرزند

پدر سید ابوالحسن که از خاندان علم و از پارسایان عصر خویش است، تربیت آغازین فرزند را خود بر عهده می گیرد و با نام خدا « گوهر معرفت » را به وی می آموزد و جان ابوالحسن را با خالق هستی بخش آشنا می سازد .

آقا سید ابراهیم تصمیم می گیرد تا فرزند را پیش از آموزش الفبای نگارشی و علم آموزی از طریق کتاب و کتابخوانی، با پدیده های جهان خلقت آشنا سازد و او را به پدیدآورنده بزرگ آنها رهنمون باشد^(۴) .

حوزه قزوین

حوزه علمیه قزوین که سابقه تاریخی آن به قرن سوم هجری می رسد از باشکوه ترین حوزه های جهان تشیع که با تربیت فرزندان نامدار چون ؛ احمد بن ابراهیم قزوینی و حسین بن ابراهیم قزوینی^(۵) بر تارک جهان علم می رخشد و در طول تاریخ صدها

صفحه ۸۲

دانشمند را در خود جای داده و به تربیت دانش پژوهان و دانشجویان پرداخته است .

سید ابوالحسن با راهنمایی پدر به تحصیل دانشهای رایج می پردازد. دانش پژوه آل رفیعی درصدد است تا با فراگیری آنها جامع علوم عقلی و نقلی شود. از این رو در مکتب درسی فقیهان، اصولیان، ریاضیدانان، حکیمان و عارفان حاضر می آید .

وی پس از تحصیل کتب ادبی و بلاغی در مدرسه صالحیه قزوین سطوح علمی و کتب فقهی و اصولی را نزد فرزندان قزوین، حاج ملا علی طارمی و آیه الله ملا علی اکبر تاکستانی آغاز نمود ^(۶). لیکن تشنه معارف الهی بر آن است تا علوم عقلی را نیز بیاموزد .

حوزه علمیه تهران

حوزه علمیه تهران یکی از پربارترین حوزه های فلسفی جهان اسلام است و سابقه درخشانی دارد. سید ابوالحسن قزوینی در سال ۱۳۳۳ هجری قمری به مجلس درس آیه الله حاج شیخ عبدالنبی نوری راه می یابد و علوم عقلی و عرفانی را از او فرا می گیرد. البته وجود فرزندان دیگری چون؛ حاج میرزا مسیح طالقانی، آیه الله سید محمد تنکابنی و آیه الله شیخ محمد رضا نوری را هم مغتنم شمرده و دانش فقهی و اصولی خویش را تکمیل می کند .

دانشجوی حکمت و عرفان و ریاضیات در حوزه تهران حکیمان

صفحه ۸۳

دیگری را می یابد و با حضور در مکتب حکیم متاله میرزا حسن کرمانشاهی، حاج فاضل تهرانی شمیرانی، میرزا محمود رضوان قمی، حکیم محمد هیدجی زنجانی، حاج شیخ محمد رضا مسجدشاهی اصفهانی و آقای میرزا هاشم اشکوری در فلسفه و عرفان بهره های فراوان می برد و علوم ریاضی را از میرزا ابراهیم زنجانی و شیخ علی رشتی می آموزد ^(۷).

آية الله سيد ابوالحسن رفيعي قزويني در طي آموزش علوم عقلي در حوزه علميه تهران، در مدرسه صدر ساکن و پس از فراغت از تحصيل به قزوین باز مي گردد و مدّت يك سال در زادگاه خود توقف مي کند .

معظم له پس از بازگشت به حوزه تهران در مدرسه عبدالله خان به تدریس کتب فقهی و اصولی چون شرح لمعه و قوانین می پردازد و از تدریس کتب فلسفی غفلت نمی ورزد و شرح منظومه حکیم سبزواری و اشارات شیخ الرئيس ابو علي سینا را تدریس می کند. حوزه درسی وی چنان شهرت می یابد که شاگردان مدارس دیگر نیز در درس آية الله رفيعي حاضر می شوند^(۸).

صفحه ۸۴

هجرت به قم

در سال ۱۳۴۰ هجری قمری، حضرت آية الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم آمد و حوزه قم را رونق دوباره بخشید. آية الله رفيعي با هجرت به قم قصد دارد تا هم دانش فقهی و اصولی خویش را در مکتب آية الله حائری به کمال رساند و هم علوم عقلي را در حوزه علمیه قم رواج دهد. لذا به دارالعلم قم هجرت می کند و به تدریس کفایة الاصول، رسائل، مکاسب شیخ انصاری، اسفار اربعه و شرح منظومه می پردازد و در محضر فقیه و اصولی فرهیخته آية الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آية الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی حاضر می گردد .

آن جناب مورد عنایت مؤسس حوزه علمیه قم قرار می گیرد و به امر ایشان در ماه رمضان ۱۳۴۴ هجری قمری در مسجد بالاسر بر کرسی تدریس می نشیند و همزمان با تدریس، به تحریر تعلیقاتی بر شرح منظومه و رسائل همت می گمارد .

آية الله سيد ابوالحسن رفيعي قزويني در سال ۱۳۴۸ هجري قمري با اجازه صريح مراجع تقليد به مقام اجتهاد نايل مي آيد. علاوه بر آية الله العظمي حائري يزدي در قم، آية الله العظمي آقا سيد ابوالحسن اصفهاني از نجف اشرف و آية الله شيخ محمدرضا مسجدشاهي اصفهاني هم به ايشان اجازه اجتهاد و نقل روايت مي دهند^(۹).

صفحه ۸۵

زيارت خانه خدا

علامه رفيعي قزويني پس از اخذ درجه اجتهاد در سال ۱۳۴۸ هجري قمري، در همان سال به زيارت خانه خدا مي شتابد تا شکرگزار نعمت حق باشد. او، تاريخ سفر حج را بر پشت جلد کتاب منظومه سبزواري (ره) چنين يادداشت کرده است: «يوم حرکت عصر از قزوین به عزم زیارت مکه معظمه زادهای الله شرفا یکشنبه بیست و یکم شهر شوال هزار و سیصد و چهل و هشت ۱۳۴۸ هجري، دوم برج حمل ۱۳۰۹ شمسي. مراجعت از مکه معظمه و ورود به قزوین، عصر يوم سه شنبه دهم شهر صفر من شهر ۱۳۴۹ تقریبا چهار ماه طول مسافرت بوده است»^(۱۰)... ايشان پس از مراجعت از قم و زيارت خانه خدا در قزوین اقامت مي گزيند.

صفحه ۸۶

مجتهد قزوین

آية الله رفيعي با اخذ درجه اجتهاد به حوزه علميه قزوین بازگشته و با تدریس متون فقهی و حکمی و سطوح عالی فقه و اصول به عنوان مجتهد قزوین، مرجع خاص و عام در عقد و حلّ امور و علوم و معارف الهی شناخته مي شود و در مسجد سلطاني قزوین به اقامه نماز جماعت پرداخت و بر فعالیت اجتماعي مردم نظارت مي کند.

در ایام اقامت سی و دو ساله اش در قزوین، گروهی از طلاب علوم عقلی و پژوهندگان حکمت به قزوین مهاجرت کرده و از مکتب فلسفی وی بهره می‌برند، تا اینکه در سال ۱۳۸۰ قمری حکیم مثاله به قم رفته و با برپایی حوزه درسی در علوم فقه، اصول و فلسفه به رونق حوزه قم می‌افزایند؛ لیکن این اقامت بیشتر از دو ماه به طول نمی‌انجامد و در مراجعت به قزوین با اصرار مشتاقان معارف، در حوزه تهران به تدریس می‌پردازد.

شاگردان حکیم

آیه‌الله رفیعی قزوینی، ترجمان حکمت و علوم الهی است و چون نسیم سحرگاهان اهل معرفت را به وادی عرفان هدایت می‌کند و با معارف حق الهی و لطایف قرآنی آشنا می‌سازد، او چون دریایی پر جنب و جوش در حرکت از شهری به شهری و تدریس در حوزه‌های گوناگون است از این شاگردان مکتب آیه‌الله رفیعی در حوزه‌های قزوین، قم و تهران پراکنده اند، از آن جمله:

صفحه ۸۷

امام خمینی (ره) حسن زاده آملی، محی‌الدین انواری، سید رضی شیرازی، شاهچراغی، مصطفی‌امام جمعه‌ای، حکیم ذهبی شیرازی، مهدوی کنی، میرزا عبدالحسین ابن‌الدین، سید مهدی کشفی، شیخ شعبان لنگرودی، سید جلال‌الدین آشتیانی، سید محمد یزدی، سید مصطفی خوانساری، شیخ محمد ابن‌الشیخ قمی، سید مرتضی مبرقع‌ی، علاء‌الدین کرمانشاهی، سید احمد قمی، حاج میرزا محمد تقی‌تهرانی، میرزا حسین نوری، سید محمد رضایی، محمدرضا ربانی تربتی، شیخ محمد حسین اویسی، میرزا ابوالقاسم خرمشاهی، مهدی باقری کنی، دکتر غلامحسین دینانی، امامی کاشانی، شیخ محمد تقی شریعتمداری، نجم‌الدین

اعتمادزاده، نظام الدین قمشه ای، دکتر سید حسین نصر، سید محمد مهدی تقوی، شیخ هادی سلمانی، غلامرضا رضائزاد، سید محسن رفیعی (فرزند آیه الله رفیعی)، ذوالمجد طباطبایی، حاج احمد سیاح، سید ابوتراب ابوترابی قزوینی.

سجایای اخلاقی و اسلوب تدریس

شاگردان حکیم الهی حضرت آیه الله رفیعی قزوینی که سالها با وی معاشرت داشتند، او را در عین کمال و فضیلت به فروتنی و بزرگداشت اهل علم یاد می کنند.

آیه الله حسن زاده آملی که با رشادات آیه الله شعرانی، در درس آیه الله رفیعی حاضر می شد، فرماید: _____

... «در جلسه درس آن جناب شرکت کردم، دو درس می فرمود یکی معقول که کتاب اسفار بود و دیگری درس خارج فقه. چون شروع به تقریر درس فرمود،

صفحه ۸۸

گویی دریای متلاطم و بحر زخاری به حرف آمد. در اثنای تقریر چه کلیدها و مفاتیح علمی که امهات معارف اصیل انسانی و قرآنی اند از بیانات و ارشادات او استفاده می کردیم، و همچنین از دقت و باریک بینی و نازک بینی ایشان در مسائل فقهی.

در این اندیشه افتادم که این بزرگمرد چرا قبلاً در قزوین بسر می برده « - نهنگ آن به که با دریا ستیزد» - باید در آنجا چه شاگردانی داشته باشد و چه کسانی را تربیت کرده باشد که از این شخصیت جهانی بهره ها برده اند.

جلسه درس آن روز به پایان رسید و به مدرسه مروی برگشتیم و درسها را نوشتیم و یادداشت کردیم. روز بعد که به محضر استاد علامه شعرانی رسیدیم، پرسیدند: به درس آقای قزوینی شرکت کردید؟ عرض کردم در کنار دریای دیگری نشسته ام. فرمودند: آن محضر را معتنم بدار.

هفته اي به سر نيامد كه بعد از درس به من (آية الله رفيعي) اشاره فرمود: شما باشيد، آقاياں همدرس رفتند و بنده برخاستم به نزديكش آمدم و خم شدم و زانويش را بوسيدم و گفتم آقا جان امري داريد؟

فرمود: خواستم از شما حال بپرسم و از درسها و اساتيد شما با خبر باشم... هفته دوم آمد و يك دو روزي بگذشت و باز بعد از درس به من اشاره كرد كه شما باشيد، من نشستم و رفقا رفتند. فرمود: شما اظهار داشتيد كه شرح قيصري بر فصوص الحكم را محضر آقاي فاضل توني درس خوانده ايد، گفتم آري، فرمود: مصباح الانس را درس خوانده ايد؟ گفتم: خير. فرمود: حاضر هستيد كه مصباح الانس را با هم - مشروط به اينكه دو به دو من و شما باشيم، مباحثه كنيم؟ دو زانويش را بوسيدم و اشك شوق در چشم حلقه زد و عرض كردم:

لطفها مي كني اي خاك درت، تاج سرم من كه باشم كه بر آن خاطر عاطر گذرم

صفحه ۸۹

خود آن جناب مصباح الانس را در محضر آقاميرزا هاشم اشكوري كه محشي مصباح الانس است تلمذ كرده بود... ببينيد آية الله رفيعي (رفع الله درجاته) از تعليم و تعلّم و مقام معلم چه خبرها دارد كه با طلبه اي از آمل براي تحصيل علم به تهران آمده و هيچ آشنائي و خويشاوندي با او ندارد، اينگونه رفتار مي كند، اين اوليائي الهي چه ديده اند و چه چشيده اند؟^(۱۱)»

آية الله حسن زاده آملّي در ادامه سخن مي فرمايد: «حضرت آية الله رفيعي كسي بوده است كه پيش از ما مرحوم امام خميني (ره) در محضر انورش زانو زده است و معارف اندوخته است. يك روز در درس مصباح الانس به مناسبي سخن از آن جناب به ميّان آورد و فرمود: آقاي خميني خيلي باهوش بود.»

باري حضرت آية الله رفيعي نابغه اي جامع معقول و منقول بود و حقيقت امر در وصف و تعريفش چنان است كه عارف رومي گفته است:

پس سخن کوتاه بايد والسلام^(۱۲) در نيابد حال پخته هيچ خام

آقاي غلامحسين رضاانژاد مـي نويسـد:
«در اين اواخر كه علي الاصول استاد بي همتاي حكمت اسلامي، به تدريس فقه و اصول اشتغال داشت، در حوزه درس وي در مسجد جامع تهران، يكي از پربركت ترين و بارآورترين حوزه هاي علمي در شمار مي آمد .

صفحه ۹۰

اين بي بضاعت، چون ابتهاج ايشان را در تدريس فقه و پاسخ به پرسشهاي فقهـي مي دانستم با چند سؤال فقهـي، يكي از مباحث حكمي را مي آميختم تا از پاسخ دادن بدان سؤال فلسفي طفر نروند، و هرگاه ايراد به نظرم مي رسيد و آن را بيان مي كردم، با جمله « چقدر فطن!» مرا در پرسش و تعلم تشويق و تفقد مي كرد .

از بر عكس ظواهرش از بهجت علمي خاصي برخوردار بود و قدر علوم الهي را خيلي خوب مي دانست و از تعليم آن به نااهل برحسب وصيت بوعلـي سينا و تكرار خواجه طوسي، خودداري مي كرد و آن را به هر كسي تعليم نمي داد .

به خاطر دارم، آنگاه كه در بيماري سكتـه مغزي كه او را تقريباً زمين گير كرده بود، احوال ايشان را پرسيدم، با دو كلمه « في الجملة بد نيستم» پاسخ گفت و من قصيده اي كه در تجليل و بزرگداشت او سروده بودم، برايش قرائت كردم، و قتي بدین ابیات رسیدم:

بخشيد روح، قالب تقوا را سلمان روزگارا، پرهيزت

كامروز نيست، غير تو فتوا را بنشين يكي به مسند و فتوا ده

به بنده فرمودند: « چرا هست، دیگران هم هستند» و سپس اضافه نمود: « من شصت و پنج سال عمر خود را در فقه و اصول و حکمت و کلام و عرفان گذراندم، و امروز که به خود نگاه می‌کنم، می‌بینم که نه مرا فقیه و اصولی می‌توان گفت و نه حکیم و عارف» و یاللعجب از این همه فروتنی و خضوع^(۱۳). »

این فروتنی موجب شد تا حکیم قزوینی در شبهای جمعه خطاب به عامه مردم و بازاریان سخن به موعظه گشاید و لطایف عرفانی و براهین عقلی را به زبانی ساده بیان دارد و آیات قرآنی و احادیث

صفحه ۹۱

معصومین را به مردم القاء نماید و رابطه قرآن و برهان و عرفان را در سلوک علمی خویش بنمایاند .

حکیم متأله

استاد علامه حضرت آیه الله رفیعی از افراد نادری است که علوم عقلی و نقلی اعم از فقه و اصول و فلسفه و حکمت را به خوبی فرا گرفته، مدارج عالی کمال را می‌پیماید. لذا وقتی کتاب نفیس حضرت آیه الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری چاپ می‌شود، آن فقیه بزرگ و حکیم متأله بر « دُرَر الاصول» وی مقدمه ای وزین در و در خور می‌نگارد. لیکن او بیش از هر علمی با حکمت متعالیه مأنوس بود و به راستی وی را باید ترجمان حکمت متعالیه خواند. ایشان در مورد کتاب « اسفار اربعه» صدرالمتألهین می‌فرمود: «این کتاب اسفار (حکمت متعالی) به لحاظ حجمش، لفظش، متنش، یک جانش، قضائش، حکمت متعالیه است و به لحاظ تفسیرش، شرحش، بسطش، اسفار است، چنانکه لفظ اسفار هم مؤید این گفتار است^(۱۴). »

علامه رفیعی بر این باور بود که عرفان و قرآن و حدیث و حکمت از یکدیگر جدایی ندارند و اگر کتب حکمی و عرفانی به دست انسان زبان فهم بیفتد، آن را تفسیر انفسی قرآن مجید می بیند^(۱۵). لذا وقتی شاگردان فرزانه مکتب فلسفی و عرفانی خویش را می بیند که به سبب علاقه به علوم ریاضی به استخراج تقویم همت گمارده، می فرماید:

صفحه ۹۲

«از این که رشته های ریاضی را تحصیل کرده اید بسیار کار خوبی کرده اید، و لکن شما در علوم دیگر هم زحمت کشیده اید و این عمل شما سبب می شود که در عرف عام به سمت يك منجم شناخته شوید و همه کمالات دیگر شما نادیده گرفته شوند^(۱۶).»

او همانند بنیانگذار این مکتب فلسفی صدرالمتهلین شیرازی سیر علمی را با سلوك عملی هماهنگ ساخته بود. چنانکه بر پشت جلد دوم اسفار طبع قدیم خود، تحت عنوان فائده علویة، اشاره می کند که در مبحث، لذت کتاب اسفار، و تعریف آن که آیا «لذت عین ادراک ملایم است یا امر دیگر بر آن مترتب است؟» اشکال کردم و نفس خویش را مضطرب یافتم آنگاه به سویی امام و مولایم سید الحکما الراسخین، امیرالاولیاء الموحدین امیرالمؤمنین (ع) توجه تام کردم که با افاضه ربانی به درستی کلام صدرالمتهلین یقین پیدا کردم^(۱۷).

آیه الله رفیعی به موجز نویسی شهره است. با این حال ایجاز به اتقان بحث لطمه ای وارد نمی سازد. وی در مسائل کلامی، فلسفی و اثبات عقاید شیعه و معارف اهل بیت (ع) آثاری را از خود به ارث نهاده که مورد توجه اهل معرفت است.

این رسائل و حواشی عبارتند از:

- ۱ شرح دعای سحر ۲ - رساله معراج ۳ - رساله اسفار اربعه ۴ - رساله در بیان قوه مولده ۵
- رجعت ۶ - تخلیه و تجلیه و تحلیه ۷ - حرکت جوهریه ۸ - اتحاد عاقل و معقول (فارسی) ۹ - اتحاد عاقل

و معقول (عربی) ۱۰ - رساله در وحدت وجود ۱۱ - رساله در حقیقت عقل ۱۲ - رساله در شب قدر ۱۳ - سخن در معاد ۱۴ - مقاله در وجود ۱۵ - تفسیری در دو آیه از سوره یونس ۱۶ - مقاله در تشریح اجزاء حملیه و اجزاء حدیه ۱۷ - مقاله در قضایای ضروریّه ازلیه ۱۸ - رساله در حدوث دهري ۱۹ - مقاله در اراده و مشیت ۲۰ - مقاله در مسح رأس و وضوء ۲۱ - مقاله در شرح زندگی ملاصدرا ۲۲ - بحث شریف معاد ۲۳ - حاشیه بر شرح منظومه حکیم سبزواری ۲۴ - حواشی بر اسرار الحکم سبزواری ۲۵ - حواشی بر شرح الاسماء الحسنی، سبزواری ۲۶ - حواشی بر کتاب اسفار الاربعة صدر المتألهین شیرازی ۲۷ - حواشی بر مشاعر ۲۸ - حواشی بر عرشیه ملاصدرا ۲۹ - حواشی بر تعلیقات ملاصدرا بر کتاب شفای بوعلی سینا ۳۰ - حواشی بر شرح اصول کافی ملاصدرا ۳۱ - حواشی بر مفاتیح الغیب ملاصدرا ۳۲ - حواشی بر کتاب شفای ابن سینا ۳۳ - حواشی بر کتاب شرح الاشارات و التنبیها ۳۴ - حواشی بر شوارق الالهام فیاض لاهیجی ۳۵ - حواشی بر گوهر مراد عبدالرزاق لاهیجی ۳۶ - حواشی بر قبسات میرداماد ۳۷ - حواشی بر شرح حکمة الاشراق قطب الدین شیرازی ۳۸ - حواشی بر مقدمه فصوص الحکم قیصری ۳۹ - تعلیقات بر الشواهد الربوبیة صدر المتألهین ۴۰ - تعلیقات بر اسرارالآیات صدر المتألهین ۴۱ - حواشی بر شرح مطالع در منطق ۴۲ - حواشی بر شرح تجرید قوشچی در کلام ۴۳ - تعلیقات بر مصباح الانس ابن فناری در عرفان ۴۴ - کتابی در حول عقاید امامیه در ردّ «جَبّانی» از نویسندگان کویت ۴۵ - تقریرات درسی

معظم له در فقه استدلالی نیز تألیفاتی داشته اند که عبارتند از:
 ۱- کتاب صلوة ۲- کتاب خمس ۳- کتاب حج ۴- کتاب میراث ۵- کتاب نکاح ۶- کتاب طلاق ۷- کتاب مکاسب و بیع و تجارت ۸- در قاعده لا ضرر ۹- توضیح المسائل ۱۰ - هدایة الانام ۱۱- حواشی بر عروة الوثقی ۱۲- رساله مناسک حج ۱۳- اسرار حج - ۱۴ حواشی بر کفایة الاصول ۱۵- تعلیقات بر رسائل شیخ انصاری ۱۶- حاشیه بر وسیلة النجاة آقا سید ابوالحسن اصفهانی^(۱۸).

وفات

علامه سید ابوالحسن رفیعی قزوینی پس از سالها مجاهدت، نیمه شب سه شنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۵۳ شمسی، برابر اول محرم ۱۳۹۵ قمری در سن ۸۵ سالگی در تهران به لقاء الله شتافت و در مسجد بالاسر آستان قدس فاطمی، کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد^(۱۹).

عبارت زیر بر روی سنگی تحریر و حک شده و بر دیوار روبروی قبر آن حکیم نصب گردیده است:

صفحه ۹۵

«قد لبّی ربّه الجلیل، سیّد العلماء المجتهدین، جامع المعقول و المنقول استاد الفقهاء و المحققین و الحكماء المتألّهین، مرجع العوام و الخواص، علامه الزمان، آیه الله العظمی الحاج سیّد ابوالحسن الحسینی، المشتهر بالرفیعی القزوینی - اعلي الله مقامه الشریف - في عاصمة تهران، عرّة محرم الحرام في سنة ۱۳۹۶^(۲۰) من الهجرة النبویة صلي الله عليه وآله و سلم .»

آخرین سفارش

آن جناب پس از ارتحال با چهره ای نورانی و مسرور از لذات معنوی به خواب برخی از شاگردانش آمده و اهتمام به قرآن کریم و نماز اول وقت را سفارش کرده است .

پی نوشت ها :

-
۱. درباره علمای این خاندان، ر ک به: دایرة المعارف تشیع؛ ج ۱ ص ۱۷۳ مینودر؛ ص ۳۲۵ - ۳۲۴ تقریرات « آية الله رفيعه ربي » .
 ۲. آية الله سيد ابراهيم معروف به «صاحب ضوابط الاصول» و «دلائل الاحكام» است و فرزند او «آية الله سيد علي مجتهد قزويني» که پدر مادر آية الله رفيعي و صاحب حاشيه بر «قوانين اصول» است شاگرد مبرز شيخ انصاري قدس سره است آرامگاه اين دو جد مادري در صحن بزرگ حضرت ابا عبدالله الحسين (ع) در كربلا واقع است «رسائل فلسفي»، ص ۵ .
 ۳. در كتب رجال شيعه و زندگينامه هاي ائمه (ع) هرگاه ابوالحسن مطلق يا با صفت «اول» بيايد مقصود امام موسي كاظم (ع) و با صفات «ثاني» مقصود امام رضا (ع) و با صفت «ثالث» مـراد امام هـادي (ع) اسـت .
 ۴. آية الله حسن زاده آملی فرماید: وقتي پيرمردي هم سن و سال استاد بزرگوار جناب آية الله حاج ميرزا ابوالحسن رفيعي قزويني (رفع الله درجاته) حکايت مي کرد که ما در اوان خردسالي در قزوین همين آقا سيد ابوالحسن رفيعي را صدا مي زدیم که بيا بازي، ايشان تا ميدان با ما همراهي مي کرد، ولي با ما بازي نمي کرد، در گوشه اي مي ايستاد، يا به نبش ديواري تکیه مي داد و دلنشين پيرمرد به ياد حضرت يحيي پيامبر (ع) افتادم که خدای سبحان در آيه سيزدهم سوره مريم قرآن فرموده است: «يا يحيي خذ الكتاب بقوة و آتيناك الحكم صبياً» حکم، امر حکيم محکم و متين و رصين است که بر اساس استوار حق و حقيقت قرار گرفته است و ريشه دوانده و پايدار است «يس و القرآن الحكيم» «آسمان معرفت؛ ص ۳۸۳ .
 ۵. طبقات اعلام الشيعة، ج ۲ ص ۱۳ و ۵۷ .

۶. آئینه دانشوران، ص ۱۸۳ و رسائل فلسفی، ص ۶ .
۷. استاد سید جلال الدین آشتیانی در خصوص اساتید آیه الله رفیعی گوید: ایشان «سفر نفس اسفار» و «الهیات شفا» را نزد آقا میرزا حسن کرمانشاهی آموخته بود و «منظومه» را نزد حاج فاضل تهرانی و «مقدمه قیصری» و قسمتی از «فص آدمی» را نزد آقا میرزا محمود قمی فراگرفته به ————— بود .
- احاطه او بر آثار ملاصدرا ظاهر و بارز بود کتاب اسفار و حواشی ملاصدرا و مفاتیح الغیب و حواشی ملاصدرا بر حکمت الاشراق را در حافظه داشت و خداوند گویا او را برای تدریس اسفار خلق کرده بود کیهان فرهنگی؛ سال دوم، شهریور ۱۳۶۴ ش ۶ ص ۱۷ .
۸. رسائل فلسفی؛ ص ۶ و ۷ .
۹. رسائل فلسفی؛ ص ۷ .
۱۰. هم ————— ان، ص ۱۳ .
۱۱. آسمان معرفت؛ ص ۲۸۹ - ۲۸۷ .
۱۲. هم ————— ان، ص ۲۹۱ .
۱۳. رسائل فلسفی؛ ص ۱۴ و ۱۵ .
۱۴. آسمان معرفت؛ ص ۶۱ .
۱۵. هم ————— ان؛ ص ۵۶ .
۱۶. هم ————— ان؛ ص ۳۹۸ .
۱۷. رسائل فلسفی؛ ص ۱۹ .
۱۸. در آسمان معرفت؛ ص ۲۸۴ - ۲۸۲ و رسائل فلسفی، ص ۲۵ و ۲۶ .
۱۹. معظم له چهارده فرزند دارند؛ اولاد ذکور آنها عبارتند از: ۱ - شهاب الدین ۲ - ضیاء الدین ۳ - محسن ۴ - حسن ۵ - کاظم ۶ - رضا ۷ - عبدالله ۸ - مهدی ۹ - مصطفی ۱۰ - صادق جناب آقای محسن رفیعی قزوینی روحانی و مدرس سطوح عالی فقهی است

«رساله فیلسوف» ص ۶۳ .

۲۰ سال وفات که روی سنگ قبر حک شده اشتباه است .

استاد و فیلسوف بزرگ، مرحوم آیه الله ابو محمد، میرزا علی اکبر مدرس، متخلص به «تجلی» و معروف به «حکیم الهی»، فرزند حاج میرزا ابوالحسن تاجر اردکانی است که پدرش از اردکان به یزد مهاجرت نمود و او در حدود سال ۱۲۶۴ه ق^(۱) در شهر یزد متولد گردید.

تحصیلات مقدماتی، چون فارسی، صرف و نحو عربی و فقه را نزد استادان یزد فرا گرفت، سپس راهی شهر اصفهان شد در آن زمان اصفهان دارالعلم بود، و مدرس یزدی مدت چهل سال در آن شهر به تحصیل و تدریس پرداخت و در علوم مختلف چون فقه و اصول، فلسفه و عرفان، کلام و ریاضیات سرآمد عصر خویش گردید.

یکی از شاگردانش از وی چنین نقل کرده است: «مدت چهل سال در اصفهان به تحصیل اشتغال داشتم که جز مدرسه و راه حمام، جای دیگر را در اصفهان بلد نبودم».

این مطلب می رساند، علاقه ایشان به تحصیل علم چنان بوده است که حتی اجازه گردش و دیدن شهر اصفهان را در مدت چهل سال به خود نمی داد^(۲). پس از خاتمه دوران تحصیل در اصفهان، به تهران عزیمت نمود و در مدرسه شیخ عبدالحسین اقامت گزید.

نظر به اینکه خواهرش ساکن قم بود و با وساطت وی از قم همسر اختیار نموده بود، در سال ۱۳۲۷هـ ق به قم مهاجرت نمود و قبل از ورود حضرت آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی به قم، در مدرسه خان «آیه الله بروجردي» حوزه درس وسیعی را تشکیل داد.

رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی قدس سره در این باره چنین فرمودند:_____

«ما که آمدیم قم، مرحوم آقا میرزا علی اکبر حکیم - خدا رحمتش کند - در قم بودند، وقتی که حوزه علمیه قم تأسیس شد علما می رفتند آنجا در محضر آقای میرزا علی اکبر حکیم درس می خواندند. مرحوم آقای خوانساری، مرحوم آقای اشراقی و مرحوم آیه الله العظمی حاج سید احمد خوانساری می رفتند پیش آقای میرزا علی اکبر درس می خواندند^(۳).»

آیه الله حاج میرزا خلیل کمره ای یکی از شاگردان وی - درباره

صفحه ۱۰۱

تدریس استادش در قم می گوید:_____

«درس استاد فیلسوف بزرگ آقای میرزا علی اکبر مدرس یزدی در مدرسه خان واقع در میدان آستانه بود و طلاب دور ایشان را گرفته بودند و حتی میرزا هدایت گلپایگانی که مرد موقری بود به آنجا می آمد ...

شنیدم بعضی دیگر مانند آیه الله حاج میرزا سید علی یشربی و آیه الله کبیر قمی هم بطور خصوصی در درس استاد شرکت می کردند^(۴).»

استادان

آن حکیم الهی در ایام تحصیل در اصفهان و تهران از محضر استادان بزرگوار که بسیاری از آنها به حق از اعظم و حکما و اساطین عرفا بودند، کسب فیض نموده و قلب تشنه معارفش را، لبریز از آب حیات حکمت و معرفت نمود، اسامی برخی از آن فرزندان از این

۶- رساله اي در وحدت وجود .

۷- موضوع العلم^(۷) .

حكيم قمشه اي در سال ۱۳۰۶ در كنج حجره مدرسه، در تنهائي و

صفحه ۱۰۳

خلوت و سكوتي عارفانه از دنيا رفت و در جوار ابن بابويه (شيخ صدوق) نزديك قبر
حاج آخوند محلاتي در شهر ري دفن شد. او آنچنان مرد كه زيست و آن چنان زيست كه خود
در بيتي از يك غزل سروده و آرزو کرده بود:

يا اگر هست، به حسن تو بني آدم نيست
همه آفاق بگشتم چو تو در عالم
نيست

حسن هر جا كه زند خيمه كم از خاتم
شايد از زير نكين، ملك سليمان
نيست آري

كه تو را دست در آن زلف خم اندر خم
فكري اي شيخ به روز سيه خود
نيست ميكن

گوشه اي خواهم و ويرانه به عالم كم نيست
كاخ زرین به شهان خوش كه من
ديوانه

۲- جهانگیر خان قشقایی .

وي در بزرگي عشق تحصيل پيدا کرده و دنبال علم را گرفت تا آنجا كه استاد مسلم فلسفه
در اصفهان گردید. آن مرحوم علاوه بر مقام علمي و فلسفي، در متانت و وقار و انضباط
اخلاقي و تقوا نمونه بود. تا آخر عمر در همان لباس عادي اولي خود باقي بود و فوق العاده
مورد ارادت شاگردان و آشنایان بوده است^(۸) .

«جهانگیرخان در اثر شخصیت بارز علمی و تسلیم مقام قدس و تقوا و نزاهت اخلاقی و حسن تدبیر حکیمانه که همه در وجود او مجتمع

صفحه ۱۰۴

بود تحصیل فلسفه را که ما بین علما و طلاب قدیم سخت موهون و با کفر و الحاد مقرون بود از آن بدنامی به کلی نجات داد ...

وی معمولاً یکی دو ساعت از آفتاب برآمده در مسجد جارچی، سه درس پشت سر هم می گفت که درس اولش شرح لمعه « تألیف شهید ثانی در فقه » و بعد از آن شرح منظومه حکمت و سپس درس اخلاق بود و بدین ترتیب فلسفه را در حشو جوزقند و لوزینه فقه و اخلاق به خورد طلاب می داد^(۹) . »

وی در سال ۱۲۳۴ ه ق در دهقان اصفهان متولد شد و در سال ۱۳۲۸ ه ق در اصفهان در گذشت و قبرش در تخته فولاد اصفهان معروف است^(۱۰) .

۳- آیه الله آقا علی زنوزی^(۱۱)

معروف به آقا علی حکیم و آقا علی مدرس. وی فرزند ملا عبدالله و از اساتید کم نظیر قرن اخیر است .

او در سال ۱۲۳۴ ه ق در اصفهان متولد شد و از محضر پدر بزرگوارش علوم منقول و معقول را فرا گرفت، و برای تکمیل دروس فقه و حکمت به عتبات عالیات و قزوین مسافرت نمود و از محضر اساتید بزرگوار و چون آیه الله میرزا حسن نوری، فرزند ملا علی نوری در

صفحه ۱۰۵

وفات آن حکیم فرزانه در شب جمعه ۶ ذی القعدة، ۱۳۱۴ در تهران اتفاق افتاد و با احترام زیاد در جوار شیخ صدوق محمد بن بابویه قمی مدفون گردید^(۱۴).

تألیف _____ات:

- ۱- حواشی بر «مشاعر» (تألیف صدر المتألهین در علم عرفان)
- ۲- رساله در ربط حادث به قدیم
- ۳- حواشی بر «شرح الهدایة» (تألیف صدر المتألهین که شرحی بر کتاب الهدایة حکیم اثیرالدین مفضل ابهری از فضایی قرن هفتم هجری می باشد.)
- ۴- رساله در حرکت جوهریه.
- ۵- حواشی بر مبدأ و معاد (تألیف صدر المتألهین.)
- ۶- حواشی بر شفا (کتاب فلسفی است در علم منطق، الهیات

صفحه ۱۰۷

طبیعیات، تألیف ابن سینا)

- ۷- حواشی بر اسفار (از مهمترین کتب فلسفی شیعه، تألیف صدر المتألهین که در آن شرح چهار سفر روحانی آمده است.)
- ۸- حواشی بر شرح ملخص چغمینی «المخلص»، تألیف محمود بن محمد بن عمر، از اکابر علمای قرن نهم هجری، در علم هیئت است و شرح معروف آن از فاضل رومی است که از کتب درسی معمول بوده است و چعمین نام یکی از قریه های خوارزم است.)
- ۹- رساله در ترکیب و احکام آن
- ۱۰- تصحیح مشنوی شریف

۱۱- تعلیقات بر مقدمه قیصری^(۱۵) تألیف داود بن محمود بن محمد قیصری، رومی الاصل^(۱۶) نزیل مصر، عالم محقق از اکابر عرفای اواسط قرن هشتم هجری می باشد که در تمهید مقدمات تصوّف است .

شاگردان

آیه الله میرزا علی اکبر مدرّس شاگردان زیادی تربیت نمود که بسیار از آنان استادان بزرگ درس حکمت در حوزه های علمیه بودند. نام بعضی از آنها بدین قرار است:

۱- آیه الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی .

۲- آیه الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی .

صفحه ۱۰۸

۳- بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیه الله حاج آقا روح الله موسوی خمینی (ره .)

۴- آیه الله حسن فرید گلپایگانی .

۵- آیه الله میر سید علی برقی .

۶- آیه الله آقا سید علی اکبر برقی .

۷- آقا سید کاظم عصّار تهرانی که ریاضیات قدیم را نزد وی فرا گرفته است .

۸- آیه الله حاج آقا حسین قمی طباطبایی .

۹- آیه الله آقا میرزا احمد آشتیانی .

۱۰- آیه الله شهاب الدین مرعشی نجفی (ره .)

۱۱- آیه الله آقا میرزا محمد علی شاه آبادی .

۱۲- حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی، فرزند محمود واعظ، و جمعی دیگر از بزرگانی که نام بعضی از آنها در صفحات قبل آمده است، در محضر این حکیم الهی کسب فیض نمودند^(۱۷) .

تألیفات

تألیفات آیه الله مدرّس یزدی، بیشتر در زمینه فلسفه است .

۱- رسائل حکمیّه» در سال ۱۳۶۵ه ق توسط وزارت ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

صفحه ۱۰۹

۲- رساله عمادیه یا حکمت عمادیه .

وی بنا به خواہش شاهرزادہ بدیع الملک میرزا ملقب به عمادالدوله حکمران یزد، رساله ای به فارسی مشتمل بر مسائل مهمّ حکمت الهی نوشت که به رساله عمادیه ^(۱۸) یا حکمت عمادیّه موسوم است .

نکته قابل ذکر اینکه، رساله مذکور شرحی ملخص از حکمت اشراق است که با بیان ساده نگارش یافته، این موضوع نمایانگر این است که مرحوم حکیم یزدی در حکمت اشراق نیز تبخّر داشته است .

دکتر موسوی بهبهانی این کتاب را از تقریرات دروس آن حکیم شمرده که توسط بدیع الملک به رشته تحریر در آمده است ^(۱۹) .

۳- حاشیه بر اسفار صدر المتألهین (ره .)

۴- حاشیه بر فصوص الحکم محی الدین بن عربی .

۵- حاشیه بر قوانین مرحوم میرزای قمی .

بعضی از شاگردان وی نیز تقریرات درس استاد خود را به رشته تحریر در آورده به چاپ رسانده اند که معروفترین آنها عبارت است از:

۱- شرح « الدرة الفاخرة، تألیف ملا عبدالرحمان جامی »

دکتر علی موسوی بهبهانی، استاد دانشگاه تهران در مقدمه آن چنین نگاشته است:

«شرح و ترجمه کتاب الدرة الفاخرة به قلم عمادالملک است ولی به واقع وی بیانات استاد

خود یعنی فیلسوف متأخر حوزه علمیه قم، مرحوم آقای میرزا علی اکبر یزدی معروف به «حکیم» را تحریر کرده است... قدر مسلم آن است که

صفحه ۱۱۰

وی از بزرگترین اساتید فلسفه اسلامی در قرن اخیر در حوزه علمیه قم بوده است. «
از مطالعه شرح الدرّة الفاخرة جامعیت استاد در شعب علوم عقلی یعنی کلام و فلسفه و
تصوّف روشن و آشکار می شود.
بدیع الملک میرزا، مقرر و نویسنده در مقدمه آن چنین آورده است:
... «این بنده محتاج به فضل ربّه الکریم را موجب اجری، و در عالم یادگار باشد تا در سنه
۱۳۰۷ هجری موفق شد که رساله موسومه به درّة الفاخرة را که تألیف مولانا المحقق المدقّق

صفحه ۱۱۱

العارف الکامل، ملاعبدالرحمان جامی - علیه الرحمة - می باشد و جامع اصول مطالب
و عمد مقاصد در این علم است، در خدمت جناب عمدة الحکماء الالهیین و قدوة الفضلاء
المتألهیین الوحید الموحّد و الفرید المتفرّد المدرّس فی المعقول و المنقول و الفروع و
الاصول، آقای میرزا علی اکبر یزدی - دامت افاداته - استفاده نمود و شرح بر آن رساله مقرر
داشتند، و به ملاحظه صحتّ استاد رسانیده و در خاتمه کتاب افاده مختصری در مسأله وجود
از عبدالرحمان جامی قدس سره به نظر رسید و شرحی بر آن نوشته اضافه نمودند (۲۰) ...»

۲- عماد الحکمة در شرح «المشاعر»، تألیف مرحوم صدر المتألهیین . «

این کتاب نیز از تقریر دروس آن حکیم الهی است که توسط بدیع الملک به رشته تحریر
در آمده است. وی در مقدمه آن نوشته است: «این بنده کتاب المشاعر را در خدمت استاد
جناب مستطاب عمدة الحکماء و المتألهیین و زبدة العلماء المشرعین، المحقق الکامل و

العارف الواصل آقا ميرزا علي اكبر يزدي المدرّس - دامت افاضاته - استفاده نمودم و
بيانات معظم له را جمع و به رشته تحرير در آوردم و به نظر استاد رسانده و آن را كتابي نمود
موسوم به عماد الحكمة . »

از اين شرح نيز احاطه علمي و تبحر استاد در مشرب فلسفي ملاصدرا به خوبي استفاده
مي شود .

كتاب مشاعر با مقدمه به همراه ترجمه عمادالدوله كه تقرير درس مرحوم آقا ميرزا علي
اكبر مدرّس يزدي است به سعي و اهتمام مستشرق ايران دوست، استاد دانشگاه سربن فرانسه،
پرفسور هانري كربين، توسط انجمن ايران و فرانسه به زبان فرانسه به طبع رسيده است^(۲۱).

وي داراي خطي بسيار زيبا و ذوق شعر نيز بوده است. نمونه اي از اشعار وي چنين است:

در گلستان اندرآ، چون بلبلان با صد اي دل افسرده تاكي در قفس ماني
خروش خموش

مي توان در پرده گفتن رازها با اهل هوش
گر چه سرّ عشق نتوان فاش كردن در
جهان

كز فروزان آتش او سنگ مي آيد به جوش
پخته گردانيد اين دلهاي خام از تاب
عشق

هاتف غيبي كه مي گويد گوارايت بنوش جام مي لبريز كن از مي كه ناگه بشنوي

صفحه ۱۱۲

ليك بشتاب اندر اين ره تا تواني و بكوش
كي به كويش وصل يابي گر نباشد لطف
دوست

وز درون پرده بيني پرده دار پوش پس به چشم يار بيني اين زمان اغيار را

کو رحیم است و کریم است و غفور و
عیب پوش
گر غریق بحر غیبی ای دریغا غم مخور

تا ابد مدهوش مانی و نمی آیی به هوش گرمی وحدت « تجلی » نوشی از دست
(۲۲)
حبیب

وفات

فیلسوف بزرگ حکیم عالیقدر سرانجام پس از ۸۰ سال عمر با برکت و تربیت شاگردانی
ارزشمند در اواخر سال ۱۳۴۴ ه ق دار فانی را وداع گفت و در مزار شیخان قم در جوار زکریا
بن آدم، مدفون گردید .

این عبارت روی سنگ قبر ایشان ثبت است:
« هذا مرقد شریف العالم النبیل الفاضل الجلیل و الفضیل جامع المعقول و المنقول حاوی
الاصول و الفروع وحید العصر فرید الدهر العالم الربانی و البحر الصمدانی الحکیم الالهی
استاد الكل في الكل اعلم العلماء العالمین و افضل الفقهاء و المجتهدين آية الله العظمی
آقای میرزا علی اکبر مدرّس الیزدی طاب ثراه و جعل الجنة مکانه و مثواه و حشره مع تولّاه
بحق محمد و آله، به

صفحه ۱۱۳

تاریخ ۱۳۴۴ من الهجرة النبوية »

فرزند ارشد وی آقای محمود حکیمی یزدی در زمان وفات پدر طفل بود، سپس با کسب
معلومات و دانش و آشنایی با زبانهای انگلیسی و فرانسه، و علاقه به علوم اسلامی، درصدد
جمع آوری آثار پدر بزرگوارش بر آمد و سرانجام در تاریخ ۱۳۷۶ ه ش وفات کرد و در مزار
شیخان قم مدفون گردید (۲۳).

پی نوشت ها :

۱. آنگونه که خواهد آمد، سال وفات وی را ۱۳۴۴ ه‍.ق و سن شریف او را ۸۰ سال ذکر نموده اند، پس سال تولد وی حدود سال ۱۲۶۴ ه‍.ق خواهد بود ر‍: رسائل حکمیه میرزا علی اکبر مدرس یزدی، ص ۱۸ .
۲. رسائل حکمیه، ص ۱۱ توضیح آنکه وی گر چه در ایام طولانی تحصیل برای تمرکز بیشتر در به آموزی علوم حتی اجازه گردش در اصفهان به خود نمی دهد، لکن پس از آن برای اتمام رسالتش به تهران و قم مسافرت می نماید و بر کرسی تدریس نشسته، شاگردان زیادی تربیت می کند .
۳. تفسیر امام خمینی (ره) از سوره حمد و قسمتی از سوره علق، ۱ - ۵ حزب جمهوری اسلامی، ص ۹۷ .
۴. رسائل حکمیه، ص ۱۴ و ۱۶ ماهنامه سیمای اردکان، ش ۲۹ ص ۳ .
۵. خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مطهری، چ ۱۳۷۲ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۵۴۳ - ۵۴۲ .
۶. ریحانة الادب، محمد علی مدرس تبریزی، ج ۴ ص ۴۹۷ تاریخ حکما و عرفا متأخر بر صدر المتألهین، منوچهر صدوقی، سُها، ص ۴۵ .
۷. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۴۳ .
۸. همان، ص ۵۴۶ .
۹. تاریخ حکما و عرفا متأخر بر صدر المتألهین، ص ۸۵ به نقل از استاد جلال الدین سنا، در مقدمه دیوان طبر، ص ۷۰ .
۱۰. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۴۶ .
۱۱. زنوزی، منتسب به زنوز، از روستاهای حومه تبریز است در ۱۸ کیلومتری شمال مزند می باشد .

۱۲. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۴۲ - ۵۴۱ و تاریخ حکما و عرفا، ص ۱۵۶ - ۱۵۵ .
۱۳. همان و ریحانة الادب، محمد علي مدرّس، ج ۲ ص ۳۹۲ .
۱۴. به کتاب میرزا ابوالحسن جلوه، حکیم فروتن، غلامرضا گلی زواره از مجموعه دیدار با
ابـــــــــــــــرار رجـــــــــــــوع کنیــــــــــــــد .
۱۵. ارک، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۴۴ و تاریخ حکما و عرفا متأخر بر
صــــــــــــدر المتألهین ص ۱۷۲ - ۱۵۹ و ریحانة الادب، ج ۱ ص ۴۲۰ - ۴۱۹ .
۱۶. ارک: ریحانة الادب، ج ۱ ص ۴۴۹ ج ۴ ص ۵۰۱ .
۱۷. ارک: آینه دانشوران، ص ۲۱۱ - ۲۰۹ و ص ۷۱۸ رسائل حکمیّه، ص ۲۳ مجله نور علم،
ص ۷۵ تا ۱۰۲ .
۱۸. آینه دانشـــــــــــــــــه دوران، ص ۷۱۸ .
۱۹. رســــــــــــــــائل حکمیــــــــــــــــّه، ص ۲۲ .
۲۰. رســــــــــــــــائل حکمیــــــــــــــــّه، ص ۲۰ .
۲۱. ارک: رســــــــــــــــائل حکمیــــــــــــــــّه، مقدّمــــــــــــــــّه .
۲۲. تذکره شعراي یزد، از آغاز تا عصر حاضر، عباس فتوحی یزدي، ج ۲ ص ۳۸۹ .
۲۳. ارک: مقدمه رسائل حکمیّه .

مرحوم آیه الله حاج سید محمد محقق داماد به سال ۱۳۲۵ ه. ق.^(۱) در خانواده ای روحانی - که به تقوا اشتها داشتند - در احمد آباد اردکان به دنیا آمد .

آن مرحوم مانند جدّ خود پیامبر اکرم (ص) قبل از ولادت پدر را از دست داد و در شش سالگی مادرش از دنیا رفت .

پدر بزرگوارش روحانی مخلص به نام سید جعفر موسوی از علاقمندان واقعی خاندان پیامبر (ص) بود. او قبل از تولد فرزند به شوق زیارت عتبات عالیات با پای پیاده از وطن خود خارج شد و در همین سفر روح پاکش به ملکوت اعلی پیوست^(۲) .

حاج سید محمد پس از تحصیل علوم مقدماتی در اردکان راهی

شهر یزد شد و از محضر استادان بزرگ آن زمان در یزد کسب فیض نمود .

استادان وی در یزد

- ۱- حجة الاسلام حاج سید یحیی واعظ یزدی (متوفای ۱۳۶۲ ه. ق)

وی از وعظ بزرگ در احمد آباد اردکان متولد گردید و در شهر یزد به تحصیل و تدریس پرداخت سپس به اصفهان رفت و از علمای اعلام، آقای سید مهدی درچه ای، شیخ اسدالله قمشه ای، میرزا جهانگیر خان قشقایی و آقا میرزا احمد مدرّس بهره مند گردید^(۳) .

- ۲- سید حسین باغ گندمی .

وي از شاگردان برجسته آیت الله العظمي حاج سيد محمد كاظم طباطبائي يزدي بود كه سالها در عتبات از محضر علما كسب فيض نمود و سپس به وطن خود يزد بازگشته به امر تدريس مشغول گرديد^(۴).

- ۳ سيد احمد مدرس

وي از مدرسين ماهر و معروف يزد بوده و حجة الاسلام ريحان يزدي نيز از شاگردان او محسوب مي شود^(۵).

- ۴ آية الله حاج شيخ غلامرضا فقيه يزدي (۱۳۷۸ - ۱۴۰۵ ه.ق)

صفحه ۱۱۹

وي فرزند حاج ابراهيم يزدي (كوچه پيكي) است كه در سال ۱۳۰۹ ه.ق وارد حوزه علميه مشهد گرديد و بعد از تحصيل علوم ادبي و اندكي فقه و اصول و كلام همراه آقا سيد حسن قوچاني معروف به آقا نجفي با پاي پياده و رنج فراوان از مشهد به يزد و سپس به اصفهان رفت^(۶).

وي پس از پنج سال اقامت در اصفهان و تحمل زحمت و تنگدستي زياد در سال ۱۳۱۹ ه.ق عازم نجف شد و از محضر علماي بزرگوار چو حاج ميرزا حسين فرزند حاج ميرزا خليل، و آيت الله اسيد محمد كاظم يزدي، و آخوند ملا محمد كاظم خراساني و آشيخ هادي محقق تهрани و آشيخ محمدباقر شيرازي اصطهباناتي بهره مند شد، و به وطن خود يزد مراجعت و در آنجا مقيم گرديد.

او، علاوه بر تدريس در حوزه علميه، اهتمام زياد، به امر تبليغ و ارشاد مردم داشت و چون سخنانش از دل بر مي خواست ناچار بر دل مي نشست.

نفوذ كلام و نيکويي اخلاقش زبانش خاص و عام بود. بسياري از اهالي يزد معتقدند كه وي اهل كرامت بود.

آية الله حاج شيخ غلامرضا از آية الله حائري مؤسس حوزه علميه قم و حاج ميرزا سيد علي مدرس لب خندقي اجازه اجتهاد داشت. با اينكه در آن زمان گاهي بيش از صد هزار تومان در سال از سهم

صفحه ۱۲۰

مبارك امام (ع) به دستش مي رسيد هيچ از آنها استفاده نمي كرد و از راه هداياي ناچيزي كه مردم در پي تبليغ و ارشاد به او مي دادند، به زندگي ساده خويش ادامه مي داد .
وي در روز جمعه ذيحجه (۱۱ تير) ۱۳۳۸ در سن هشتاد و سه سالگي رحلت نمود و در مقبره اي كنار مزار امامزاده جعفر يزد به خاك سپرده شد^(۷).

مهاجرت به قم

مرحوم آقاي داماد در سال ۱۳۴۱ ه. ق در سن ۱۶ سالگي درست يك سال پس از تاسي حوزه علميه قم به دست مبارك آية الله حائري يزدي، با راهنمايي استاد به قم مهاجرت نمود^(۸).
عنايت خاصي كه مرحوم حاج شيخ غلامرضا، موقع بدرقه شاگردش مبذول داشت به اندازه اي جالب بود كه نظيرش كمتر ديده شده است. آنگونه كه استاد معظم حاج آقا موسي شبيري زنجاني دامه افاضاته نقل مي فرمود: مرحوم آقاي داماد وقتي كيفيت آمدن استادش به گاراژ براي بدرقه و كندن لباس و جوراب و پوشاندن آنها بر وي را متذكر مي شد اشك در چشمانش حلقه مي زد^(۹).

صفحه ۱۲۱

استادان وي در قم

- ۳ شهید حاج شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی
- ۴ امام موسی صدر
- ۵ شهید دکتر محمد مفتاح همدانی
- ۶ شهید حاج شیخ علی قدوسی
- ۷ شهید حاج آقا مصطفی خمینی فرزند رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران
- ۸ حاج شیخ مرتضی حائری یزدی
- ۹ حاج شیخ احمد پایانی
- و ...

و تعداد کثیری از استادان بزرگوار حوزه علمیه که هم اکنون بر کرسی تدریس اندوخته های علمی و عملی خویش را در اختیار

صفحه ۱۲۳

- شاگردان قرار می دهند و چون استاد خویش آیه الله محقق داماد به تعلیم و تربیت شاگردان مشغولند بعضی از آنها عبارتند از:
- ۱ عبدالله جوادی آملی .
 - ۲ حاج آقا موسی زنجانی .
 - ۳ میرزا علی احمد میانجی .
 - ۴ رسید حسن طاهری .
 - ۵ حاج شیخ ناصر مکارم شیرازی .
 - ۶ حاج شیخ حسین مظاهری اصفهانی .
 - ۷ حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی .
 - ۸ حاج سید علی محقق (فرزند آن مرحوم) .

- ۹ حاج شیخ حسین نوری همدانی .

- ۱۰ محمد مؤمن قمی .

- ۱۱ سید جلال طاهری اصفهانی^(۱۱) .

ویژگیهای اخلاقی

این فقیه فرزانه، به تدریس فقه و اصول و پرورش فضلاء، علاقه فراوانی داشت و از برجسته ترین استادان حوزه محسوب می شد .

روزهای آخر عمر از عارضه سکته قلبی رنج می برد از ماه مبارک رمضان به بعد در منزل بستری گردید وقتی همه طبقات مخصوصاً شاگردانش به دیدار وی می رفتند، گاهی اوقات که ساعت درشان فرا

صفحه ۱۲۴

می رسید و خود را از شرکت در جلسه درس محروم می دید. اشک می ریخت و این جملات پُر ارزش را می فرمود:
«من از مرگ نمی ترسم ولی از این می ترسم که وجود عاطل و باطلی باشم و نتوانم انجام وظیفه شرعی کنم»^(۱۲) . »

حضرت آیه الله مؤسس در حق ایشان می فرمود:
«آقای داماد از خوش فکرترین شاگردان من است . »

او بسیار خوش مجلس، شوخ و شیرین سخن بود، به مقامات ظاهری دنیا اهمیت نمی داد. بسیار متواضع، بی اعتنا به جاه و جلال ظاهری و با زهد و پارسایی زندگی را سپری کرد^(۱۳) .

گاهی که به مناسبت خاص در مسند ارشاد و وعظ قرار می گرفت سخنانش در دلهای شنوندگان اثر بسیار عمیقی داشت و به هنگام دعا و مناجات و مراسم سوگواری هر بیننده ای تحت تأثیر حالت روحانی و چشم اشکباری وی قرار می گرفت^(۱۴)

وفات

این عارف عظیم الشان در چهارشنبه ۲ ذی حجه ۱۳۸۸ بر اثر سکته قلبی پس از ۷۵ روز بیماری دار فانی را وداع و به معبود خویش پیوست. اهالی قم بعد از ظهر همان روز پیکر پاک ایشان را با اندوه فراوان و چشمان گریان تشییع نموده در مقبره ای از مقابر شرقی

صفحه ۱۲۵

صحن مطهر حضرت معصومه (ره) مقابل ایوان آینه به خاک سپردند. سپس به پاس تجلیل از مقام علمی و زهد و تقوای ایشان از طرف مراجع عالیقدر و اساتید حوزه و شاگردان آن مرحوم و مردم متدین شهرها مراسم فاتحه برگزار گردید^(۱۵).

فرزندان

از وی فرزندان لایق و شایسته ای باقی مانده است که از میان آنها حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج سید علی محقق، از اساتید محترم حوزه علمیه قم و عضو جامعه مدرسین و از ائمه جماعت مسجد بازار قم می باشند که به جای مرحوم پدر بزرگوارشان اقامه جماعت می نمایند و حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج سید مصطفی محقق که از فضلا و مدرسین حوزه بوده مدت طولانی ریاست سازمان بازرسی کل کشور جمهوری اسلامی ایران را بر عهده داشتند و در موضوعات مختلفی صاحب تألیف می باشند^(۱۶).

آثار *

آثار علمی چندی از آیه الله محقق داماد باقی مانده است که از جمله حواشی بر عروة الوثقی است که به قلم خود آن مرحوم نگارش

یافته است .

بعضی از شاگردان آن مرحوم نیز دروس استاد را تقریر و به رشته تحریر در آورده اند که برخی از آنها به زیور طبع آراسته گردیده است .

از میان آن شاگردان که تقریر بحث های استاد را نگاشته اند، چند نفر را نام می بریم:
- ۱ استاد حاج شیخ عبدالله جوادی آملی که مباحث حج، صلوٰه، صوم، اعتکاف، خمس، و قسمت عمده زکات را تقریر و به رشته تحریر در آورده اند، دوره « کتاب الحج » در سه جلد طبع و نشر گردیده و کتاب صلوٰه نیز زیر چاپ است .

- ۲ استاد ناصر مکارم شیرازی، دوره اصول ایشان را نوشتند .

- ۳ حاج سید جلال الدین طاهری اصفهانی، مبحث طهارت و دوره اصول را تقریر نمودند .

- ۴ حاج شیخ محمد مؤمن، بحث صلوٰه را نوشته اند ^(۱۷) .

در این اواخر برای زنده نگهداشتن یاد آن فقیه سعید، کمیسیون نامگذاری اماکن اردکان، خیابانی را در انتهای خیابان آیةالله خامنه ای اردکان به نام آیةالله داماد نامگذاری نموده است ^(۱۸) .

مرقد منور

مقبره ای که مرحوم آیةالله داماد در آن به خاک سپرده شده، اتاقی در حدود ۱۲ متر مربع می باشد، که مرقد آن بزرگوار در وسط آن و روی قبر، سنگ برجسته ای در حدود ۷۰ * ۱۱۰ سانتی متر قرار دارد که بر روی آن چنین حجاری شده است:

لقد لبي ربّ الكريم

مزار عالم رباني فقيه اهل البيت مرحوم آية الله حاج سيد محمدتقي داماد يزدي قدس سره كه مقارن با تأسيس حوزه علميه قم به اين شهر مهاجرت و از محضر آية الله حائري (قده) استفاده كامل نموده و سپس به ابتكار و تحقيق مخصوص به خويش به تدريس خارج اشتغال، تا به فاصله اندكي فضلاء عظام به محضرش آشنا و تحقيقات علمي و فتاوي عميق آن فقيه عاليقدر زبازد مراكز مهم اجتهاد و استنباط شد و با تدريس مداوم فقه و اصول و اهتمام به تعليم و تربيت فضلاء حوزه مقدسه رسالت علمي و ديني خويش را انجام داد و سرانجام روز چهارشنبه دوم ذي حجه سنه ۱۳۸۸ ختر فروزان آسمان تحقيق در سن شصت و پنج سالگي دعوت حق را لبك گفته حشره الله مع اجداده و تغمده بغفرانه . »

علماي مدفون در اين مرقد

در اين مرقد منور عالمان بزرگوار ديگري نيز مدفونند كه باعث عظمت و نورانيت بيشتر اين مكان مي باشند، مختصري از زندگي آنان چنين است:
- آية الله حاج آقا سيد مرتضي علم الهدى جزايري كه از عالمان

صفحه ۱۲۸

بزرگ مقيم اهواز بود و بعد از رحلتش او را به قم آوردند و در اين مكان به خاك سپردند .
روي سنگ مرقدهش چنين نوشته است:

بسمه تعالي

كل من عليها فان و يبقي وجه ربك ذي الجلال و الاكرام مرقد منور و آرامگاه عليين مكان عالم رباني و فقيه صمداني جامع المعقول و المنقول حاوي الاصول و الفروع قطب المجتهدين و فخر العلماء العالمين ابي المفاخر و المكارم و آية التقي و علم الهدى مرحوم آية الله العظمي آقاي حاج آقا سيد مرتضي علم الهدى جزايري ابن العلامة الفهامة الحاج سيد

محمدرضا قدسي جزايري شوشتری قدس سرهما رحلت نابهنگام آن مرحوم روز یکشنبه

هیجدهم ماه ربیع الاول سال ۱۳۹۳ قمری مطابق دوم اردیبهشت ۱۳۵۲

- آية الله حاج میرزا علي آقا غروي علياري (۱۴۱۷ - ۱۳۱۹ ه.ق) وي پس از تکميل

دروس سطح در زادگاهش شهر تبریز، در سال ۱۳۴۱ ه.ق عازم شهر مقدس نجف شد و از محضر اساتید بزرگ خوشه ها برگرفت .

بعضی از آنها عبارتند از:

- آية الله آقاي ضياء الدين عراقي (۱۳۶۱ - ۱۲۷۸)

- آية الله آقا شيخ محمد حسين نائيني غروي (۱۳۵۵ - ۱۲۸۲)

صفحه ۱۲۹

- آية الله آقا سيد ابوالحسن اصفهاني (۱۳۶۵ - ۱۲۸۴)

- آية الله آقا سيد محمد حجت کوهکمری (۱۳۷۳ - ۱۳۱۰)^(۱۹)

و ...

وي پس از رسیدن به جایگاه رفیع اجتهاد و کسب اجازات علمی و فقهی از بزرگان و علمای دین به دیار خویش بازگشت و علاوه بر رسیدگی امور مختلف مردم؛ به توسعه امور فرهنگی اهتمام ورزید و با تشکیل حوزه درس و بحث به تربیت شاگردان علوم اسلامی پرداخت .

ایشان در فقه، اصول، کلام، تفسیر قرآن و دعا دارای تألیفات ارزشمندی است .

آية الله میرزا علي آقا غروي بعد از يك قرن زندگی با برکت در اواخر اسفند ۱۳۷۵ ه.ش در

حاشیه زدن بر کتاب غاية القصوي در ترجمه عروة الوثقي مرحوم سيد محمد کاظم يزدي با

بروز سکنه مغزی، بستری گردید و در عصر روز دوشنبه دوم اردیبهشت ۱۳۷۶ ه.ش رحلت

نمود، پیکر پاک آن عالم وارسته در همین مکان در جوار محقق داماد دفن گردید^(۲۰) .

۳- آية الله حاج شيخ احمد پاياني (۱۳۷۵ - ۱۳۰۶ ه. ش)

وي مقدمات علوم ديني را در مدرسه علميه ملا ابراهيم شهرستان اردبيل فرا گرفت و در اوایل سال ۱۳۶۶ ه. ق براي ادامه تحصيل عازم حوزه علميه قم گرديد و در کنار تحصيل به تدريس پرداخت و از

صفحه ۱۳۰

محضر عالمان بزرگواري چون آية الله سيد محمد باقر سلطاني طباطبائي (قده) (مدفون در مرقد امام خميني (ره)) ، آية الله نجفي مرعشي (ره) ، و آية الله حاج سيد محمد حجت كوه كمرى، و آية الله حاج آقا حسين بروجردى، و آية الله سيد محمد محقق داماد بهره مند گرديد . آية الله پاياني در تدريس مكاسب مرحوم شيخ انصاري و كفايه مرحوم آخوند خراساني ماهر بود و سالياني متمادي به اين امر پرداخت .

وي بر مكاسب آن مرحوم شرح و حواشي دقيقتي دارد كه دو جلد آن از اول مكاسب محرمه تا آخر بيع ما يقبل التملك و ما لا يقبل به چاپ رسیده است .

بر كفايه مرحوم آخوند نيز شرحي نوشته اند كه هنوز مخطوط و ناتمام است. از وي تقريرات بحث بيع مرحوم آية الله حجت و اصول آية الله بروجردى نيز به صورت مخطوط به يادگار مانده است. رساله اي در احكام الاراضي و بيع الفضولي نيز به رشته تحرير در آورد. كه در مجموعه مقالات كنجره مقدس اردبيلي و شيخ انصاري (ره) به چاپ رسیده است^(۲۱).

پي نوشت ها :

۱. در گنجينه دانشمندان، تأليف شيخ محمد رازي، ج ۱۴۲ تاريخ تولد را ۱۳۲۱ هـ ق ذكر کرده است اما در زيرنويس ص ۹۷ مجلد نور علم (ش مسلسل) ۱۷ آمده است : بنابر اظهارات يکي از نويسندگان آن مرحوم تاريخ تولد ايشان روشن نبوده و خود آن مرحوم با

- مقایسه به معاصرین خود بین سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۵ را حدس می زند .
۲. مجله نور علم، نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ش مسلسل ۱۷ شهریور ۱۳۶۵ ص ۹۷ .
۳. آینه دانشوران، سید علیرضا ریحان یزدی، با مقدمه و تعلیقات ناصر باقری بیدهندی، ص ۳۷۸ - ۳۷۹ گنجینه دانشمندان، ج ۷ ص ۴۶۲ .
۴. آینه دانشوران، ص ۲۲۴ و ۲۲۵ .
۵. همان، ص ۷۳۴ .
۶. سیاحت شرق، تألیف آقاجانجفی، ص ۸۱ تا ۱۵۵ .
۷. النجوم المسرد فی الصرح الممرد، زیراکس از نسخه خطی، تألیف سید جواد مدرسی یزدی ص ۱۲۵ .
۸. ماهنامه سیمای اردکان، ش ۲۷ ص ۳ و مجله درسهایی از مکتب اسلام سال دهم شماره x ص ۲۲۵ تا ۲۲۶ .
۹. مجله نور علم، ش ۱۷ ص ۹۷ تا ۹۸ .
۱۰. همان، ص ۹۸ و ماهنامه سیمای اردکان، ص ۳ و مجله درسهایی از مکتب اسلام سال دهم شماره ۴ ص ۲۲۶ .
۱۱. همان .
۱۲. همان .
۱۳. همان .
۱۴. همان .
۱۵. همان .
۱۶. مجله نور علم، ش ۱۷ ص ۱۰۲ .
۱۷. همان .

۱۸. ماهنامه سه سیمای اردکان، ش ۲۷ ص ۳ .
۱۹. بقیة السلف، با مقدمه هادی هاشمیان، چاپ اول، ۱۳۷۶ .
۲۰. همان و مجله آینه پژوهش، ش ۴۳ ص ۱۱۰ - ۱۱ .
۲۱. گفتگو با حجة الاسلام محمد رضا پایانی فرزند آن مرحوم و یادداشتی که از زندگینامه پدر بزرگوارش در اختیار من گذاشت و مجله آینه پژوهش، ش ۴۳ ص ۱۱۱ . ۱۱۳ -

حکیم میرزا مهدی الهی قمشه ای

حکیم قرآنی

غلامرضا گلی زواره

مشعل نورانی

فرزانگان شیعه با توضیح و تبیین حقایق و انتشار مکارم به رشد جامعه و بالندگی و پویایی انسانها کمک شایان توجهی کرده و به رغم محرومیتها و مشقات فراوان عمر با برکت خود را در راه احیای فضایل صرف نموده اند. آنان مصداق این فرمایش حضرت امام صادق(ع) اند که:_____

«رحم الله قوما كانوا سراجا و منارا، كانوا دعاة الينا باعمالهم و مجهود طاقتهم^(۱) .»

یعنی خداوند رحمت خویش را شامل حال افرادی نماید که چون چراغ فروزان و مشعل منور راه دیگران را روشن ساخته اند و با کردار خویش مردمان را به طریق ما فرا خواندند و با تمامی توان حق را معرفی کردند .

«حکیم میرزا مهدی الهی قمشه ای» از تبار چنین فرزاندگانی است

که از قله توحید و کوهستان یکتاپرستی جویبارهای با صفا و چشمه های پرطرواتی را به سوی دشت انسانیت جاری ساخت تا درستی و راستی و فضیلت در سرزمین تشنه معرفت به شکوفایی و باروری رسد .

این عارف ربانی و مفسر و مترجم قرآن که آیت حق و اسوه وارستگی و اخلاص شناخته می شود در آثار منظوم و منثورش الهام از معارف قرآنی و احادیث خاندان عصمت(ع)

مشاهده می‌شود و نگاشته‌های نیکویش با پندها و مواعظ و حکم اخلاقی آمیخته و تشنگان اندیشه‌های ناب را به سوی مناقب اهل بیت (ع) و سیره سرشار از معنویت ایشان توجه می‌دهد و فرهنگ پرفروغ آن ستارگان آسمانی را با جانها و روان‌ها به صورتی جذاب در می‌آمیزد و خردها و فطرتها را با حکمت‌های عالی تشیع آشنایی می‌دهد.

نیاکان، خاندان و خانواده

اجداد حکیم میرزا مهدی الهی قمشه‌ای از سادات بحرین و از بزرگان علم و معرفت و حافظان قرآن به شمار می‌رفته‌اند ^(۲). گفته می‌شود که در دوران حکومت نادرشاه که سادات را تحت شکنجه و فشارهای شدید قرار می‌دادند نیاکان حکیم مخفیانه از بحرین به شهرستان قمشه از توابع استان اصفهان مهاجرت می‌کنند و سیادت خود را به دلیل اختناق حاکم مخفی می‌نمایند. عموزادگان آن حکیم

صفحه ۱۳۵

به سیادت صحیح معروفند اما ایشان احتیاط می‌کردند ^(۳).

علامه حسن زاده آملی می‌نویسد: آن بزرگوار از سادات بحرین و از بیت علم و عرفان و زهد و تقوا بود. بارها به این بنده می‌فرمود: اصلاً از سادات بحرینم ولی چون در کسوت متعارف فعلی شناخته شده‌ام از تبدیل عمامه سفید به سیاه خودداری می‌کنم ^(۴)!

حکیم الهی قمشه‌ای در شرح حال منظومی که برای خود گفته به این مسأله اشاره دارد:

ز حفاظ قرآن قراء دفتر نیاکان بؤدم از سادات بحرین

بدور نادر آن مرد دلاور ^(۵) زمانه خواندشان در شهر قمشه

دست خطی از آن مرحوم بر جای مانده که سلسله شریف خاندانش را برای برادرزاده اش به صورت ذیل به نگارش در آورده است:

«میرزا مهدی بن حاج ملاابوالحسن بن حاج عبدالمجید بن حاج محمدرضا بن حاج عبدالملک بن حاج شیخ جعفر السید البحرینی رحمهم الله تعالی^(۶).»

پدر بزرگ حکیم الهی از افراد خوشنام شهرستان قمشه به شمار می رفت که در انجام امور خیر شهری به سزا داشت. آب انبار و پل حاج عبدالحمید و مدرسه علمیه حاج عبدالحمید از باقیات صالحات ایشان در شهر قمشه است.

وی قبل از آنکه میرزا مهدی الهی دیده به جهان گشاید طی

صفحه ۱۳۶

رؤیایی صادق مشاهده کرده بود که ملا محمد مهدی ابن ابی الفتوح قمشه ای (از دانشوران در گذشته این دیار) از هودجی از آسمان بر زمین فرود می آید و به اتاق ایشان وارد می شود. از آن پس ایشان بارها نزد پدر میرزا مهدی آمده، از عیال وی که در انتظار مولود تازه ای بود عیادت می نمود و بی صبرانه در انتظار میلاد آن فرزند لحظه شماری می کرد و پیوسته می گفت: «این نوزاد نامش محمد مهدی است و در زمره علمای بزرگ خواهد گردید.»

سرانجام انتظارات به سر رسید و در سال ۱۳۱۹ قمری و بنا به نقلی به سال ۱۳۲۰ ستاره پرفروغ این خانواده هویدا گردید^(۷). و دوستان واران و ارستگاری را در موجی از شرف و سرور فرو برد. نامش را مهدی نهادند و بعدها که در خرد و حکمت و تدریس معارف دینی و فرهنگ تشیع سرآمد اقران گشت و فروغ ایمانش تابیدن گرفت به محی الدین (زننده کننده معارف دینی) ملقب گردید و در شرع و ادب تخلص الهی برای خود برگزید. چنانچه خود در بیتی بدین الفاظ اشاره دارد:

لقب گردید «محی الدین» منور «الهی» طبع و «مهدی» نام و در عشق

در محضر اساتید قمشه، اصفهان، مشهد و تهران

میرزا محمد مهدي در پنج سالگي به مکتبخانه رفت و تا هفت سالگي مقدمات ادبيات فارسي و عربي را آموخت و سپس نزد پدر و ادبای شهر قمشه به پیگیری تحصیلات و فراگیری علوم دینی

صفحه ۱۳۷

پرداخت و با وجود خردسالي به دليل هوش سرشار و برخورداری از حافظه اي قوي، کتب مهم و مشکل زبان و ادب پارسي و عربي را ياد گرفت و چون ده بهار را پشت سر نهاد « شرح نظام» را نزد پدر آموخته بود و در پانزده سالگي در ادبيات عرب به درجه اي از توانايي رسيد که شرح نظام نیشابوري، مغني اللبيب ابن هشام و مطول تفتازاني را تدریس مي نمود^(۸).

به موجب ذکاوتي که در وجودش نهفته بود کمتر نیاز مي دید که به مرور درسها پردازد و اوقات فراغت خویش را براي کمک به معاش خانواده سپري مي کرد .

مقدمات فقه و اصول و حکمت را در شهرضا از ملا محمد هادي فرزانه قمشه اي (۱۳۰۲ - ۱۳۸۵ه.ق) و دیگران بیاموخت. نامبرده در علوم عقلي و نقلي و بي اعتنايي به دنيا و زخارف آن معروف بود^(۹). وي در حکمت، کلام و لشفه آثار مفیدي دارد^(۱۰). حسين امين جعفري (۱۳۶۹ - ۱۴۹۵ه.ق) از فضايي است که حکيم قمشه اي مجلس درس وي را غنيمت مي شمرد^(۱۱). او تحصیلات مقدماتي و بخشي از علوم اسلامي و آثار فقهی را در وطنش آموخت و در ضمن از تجربيات علم و دانش هاي پدري فاضل و مؤمن بهره برد. اما در فصل شکفتن و به

صفحه ۱۳۸

سن چهارده سالگي، توفان حوادث و امواج بلا به سوي وي يورش آورد و پدر دانشمند و مادر پاك سرشت خود را از دست داد^(۱۲) و در غم فقدان والدين سوگوار گرديد .

با وجود ممانعت برادر بزرگش به شوق تحصيل در اصفهان راهي اين شهر شد و در حجره طلبه هاي قمشه اي ساكن اصفهان در مدرسه صدر مسكن گرزيد. در آن جا از محضر شيخ محمد حكيم خراساني (متوفاي ۱۳۵۵ه.ق) به مدت يك سال استفاده نمود^(۱۳). حكيم نامبرده از شاگردان خاص و وارث علم و اخلاق ميرزا جهانگيرخان قشقايي (استاد شهيد مدرس) به شمار مي رفت^(۱۴). آيةالله سيد حسن مدرس صبح ها در مدرسه جده كوچك درس فقه و اصول و عصرها در مدرسه جده بزرگ درس منطق و شرح منظومه مي گفت. مجلس درس آن شهيد در اصفهان بزم محبت و كلاس تدريس رشادت و استواري و شجاعت بود^(۱۵). حكيم الهي قمشه اي كه از اين محفل پرفيض برخوردار بوده است، مي گويد: وقتي صبحگاه در محضرش حاضر شده، به بيانش گوش مي داديم هر لحظه در وجود ما نيرويي تازه دميده مي شد، به طوري كه در پايان درس خود را پهلواني شجاع حس مي نموديم. به طور كلي بيان درس در روحيات شاگردان اثر ويژه اي داشت كه از

صفحه ۱۳۹

وصف آن عاجزم^(۱۶).

حكيم الهي كه سخت جويائي حقيقت و مشتاق معارف قرآني و فرهنگ اهل بيت بود بيش از يك سال در اصفهان نماند و اين ديار را به قصد مشهد مقدس ترك نمود تا به مدد اساتيد اين جا يگاه مبارك و سرشار از معنويت به كمالات فكري و عرفاني نايل آيد. وي در مشهد به مدرسه نواب راه يافت و در اين مكان حجره اي اختيار نمود و به تحصيل مشغول شد. برادر بزرگش حسينعلي، بخشي از مخارج زندگي و تحصيلات او را تأمين مي كرد. با اين

حال، ایام اقامت در مشهد از لحاظ اوضاع مادی برای او با مشقت و مرارت توأم بود و در این مدت به قناعت می گذراند و ماه ها غذای پختنی نمی خورد. گاه گاه به دشت های اطراف می رفت و در طول هفته از توت درختان ارتزاق می نمود.

وی در میان اساتیدش از مرحوم آقا بزرگ حکیم (میرزا عسکری شهید) بسیار سخن می گفت، آن بزرگوار در علوم نقلی و عقلی مهارت داشت و در خراسان مرجعیت و ریاست تامه را عهده دار بود و از نامبرده کراماتی نیز نقل کرده اند.

از اساتید دیگر الهی قمشه ای، آیه الله العظمی حاج آقا حسین قمی (۱۳۶۶ - ۱۲۸۲ ه.ق) می باشد که در دوران مرجعیت و زعامت این فقیه فرزانه رویدادهای مهمی رخ داد که با موضع گیری های به جا و قاطع

صفحه ۱۴۰ ایشان جایگاه و عظمت مقام مرجعیت بیش از پیش نمایان گردید. نامبرده در ماجرای کشف حجاب رضاخان با موضعگیری شجاعانه این توطئه شوم را رسوا نمود^(۱۷).

شیخ اسدالله یزدی مشهور به هراتی که در منطق و حکمت، هیئت و علوم ریاضی مهارت داشت و از دانشمندان و پرهیزگاران ارض قدس رضوی بود یکی از استادان میرزا مهدی الهی قمشه ای است. حکیم قمشه ای می فرمود: شرح نصوح قیصری را در محضر جناب عارف بزرگوار آقا شیخ اسدالله یزدی (متوفی به سال ۱۳۴۵ ه.ق) فرا گرفتم. ایشان به ما سفارش می کرد که بی وضو در درس حاضر نشوید^(۱۸).

مرحوم حاج ملا محمدعلی فاضل (متوفی ۱۳۴۲ ه.ق) که از مدرسان و حکمای معروف مشهد بوده جرعه هایی از حکمت و عرفان را به کام اندیشه حکیم الهی قمشه ای بریخت. این عارف محقق سال ها محضر قضاوت داشته و از شاگردان نامدار میرزای شیرازی بوده است^(۱۹).

حاج شیخ حسن مشهور به فاضل بُرسی که حوزه درسی با اهمیت و پرتحرکی داشت و بسیاری از علما از محضرش بهره گرفته اند، از دیگر کسانی است که حکیم الهی قمشه ای سعادت استفاضه از انوار علمی وی را یافت. او در فقه و اصول مهارت داشت و کتاب فوائد شیخ مرتضی انصاری را تدریس می کرد. چندی بر اثر کسالت در بُرس رحل اقامت افکند و بعد از مدتی با حالت بیماری به عتبات عالیات هجرت

صفحه ۱۴۱

نمود و در سال ۱۳۵۳.ق در آن مکان مبارک رحلت نمود^(۲۰).

از دیگر کسانی که میرزا مهدی الهی از محضرش محظوظ گشت آیه الله حاج میرزا حسین فقیه سبزواری (متوفی ۱۳۸۶ق) است. ایشان یکی از رؤسای روحانیت خراسان و نیز از زعمای حوزه علمیه مشهد به شمار می رفته و آثار خیری از خویش بر جای نهاده است^(۲۱). پس از شهریور ۱۳۲۰.ش (۱۳۶۰.ق) که با تغییرات عمده در دستگاه حکومت پهلوی تا حدودی فشار سیاسی از روی مظاهر دینی و روحانی برداشته شد زعامت حوزه مشهد را دو عالم بزرگ و معروف دینی حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آقا میرزا مهدی اصفهانی در دست گرفتند و بار دیگر به بازسازی بنیادهای روحانی در این شهر مقدس پرداختند. فقه و اصول در حلقه درس این دو مدرس بزرگ طلایی را گرد آورد^(۲۲).

میرزا مهدی در تدریس خود مقید بود که مطالب خود را در چارچوب دستورهای ائمه اطهار(ع) بیان کند و بر این نکته تأکید داشت که سیر و سلوک در معارف الهی ضمن آنکه به تقوا نیاز دارد باید با استفاده از روایات معصومین (ع) صورت پذیرد. اصرار ایشان در کسب کمالات عرفانی و رسیدن به قله های معنوی بر انجام واجبات و

صفحه ۱۴۲

ترك محرمات بود و با هر رياضيي كه مستلزم سماع و كردار خانقاه نشينان توأم بود، مخالفت مي كرد^(۲۳).

حكيم الهي پس از طي مدارج علمي و حكمت و كسب دانش قرآني و روايي در مشهد مقدس بر آن شد تا به تهران سفر كند و از آنجا به ري و قم و سپس به حوزه نجف اشرف برود ولي زمانه خيمه اش را به تهران زد و خاك ملك ري دامنگيرش ساخت.

بر كرسي تدريس

ايشان در تهران به مدرسه ميرزا حسين سپهسالار (شهيد مطهري كنوني) وارد شد. در آن ايام شهيد آية الله سيد حسن مدرس سخت مشغول تعميرات اين مدرسه بود. حكيم الهي در ضمن بيان خاطره اي اظهار داشته است: مدتي در آنجا ماندم و به درس كفاية الاصول جناب مدرس مي رفتم و ايام اقامت در آن مدرسه به درازا كشيد. ايشان روزي از من پرسيد: مسافرت شما به كجا انجاميد؟ عرض كردم:

عزم رحيلش بدل شود به اقامت چشم مسافر چو بر جمال تو افتد

من ضمن اينكه به درس ايشان مي رفتم يك درس منطق و يك درس فلسفه را هم در مدرسه شروع كردم^(۲۴).

استاد الهي قمشه اي ضمن تدريس در اين مدرسه از محضر حكيم و فيلسوف شهير محمد طاهر فقيه نصيري طبري مشهور به آقاميرزا طاهر تنكابني (۱۲۴۲۱۳۲۰ ه. ش) فرزند فرج الله استفاده كرد. او از

صفحه ۱۴۳

شاگردان برجسته ميرزا ابوالحسن جلوه (۱۳۱۴ - ۱۲۳۸ ه. ق) است^(۲۵).

پس از تأسيس دانشگاه در کشور، مدرسه سپهسالار كه محفل ادبا و مجلس حكما بود به دانشكده معقول و منقول تبديل گرديد. حكيم الهي قمشه اي ضمن تدريس منطق، حكمت و

ادبیات در آن مکان به عنوان یکی از برجسته ترین اساتید دانشگاه تهران شناخته شده، با نوشتن کتاب «توحید هوشمندان» به درجه دکترا از دانشکده مزبور نایل آمد. همچنین به عنوان استاد زبان و ادبیات عرب در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول افاضه به مشتاقان معرفت گردید.

ایشان ضمن تدریس، با جملاتی شیوا، شیرین و پرجاذبه مفاهیم دشوار فلسفی را بیان می کرد و در تأیید اظهارات علمی خود از اشعار عرفانی شاعران بزرگ پارسی چون مولوی، حافظ و سعدی شاهد می آورد و در پایان با نهایت فروتنی خاصی سروده های خویش را برای شاگردان می خواند.

با وجود کهولت، آیات قرآن، روایات ائمه (ع) و عبارات کتاب اشارات بوعلی، اسفار ملاصدرا، شرح منظومه سبزواری، فصوص الحکم ابن عربی و دیگر کتب فلسفی و عرفانی را به خاطر داشت ^(۲۶) در تدریس فلسفه و حکمت به ظرفیت افراد توجه می کرد. روزی در محفلی چون می خواستند حکیم الهی را به شهید مدرس معرفی کنند، شهید مدرس می گوید: لازم نیست او را به من معرفی کنید چون پدر بزرگ

صفحه ۱۴۴

این شخص - مرحوم حاج ملک - موجب شد که من مدرس شوم. پس از تبعید آن فقیه مبارز و مجتهد والامقام، طلاب مدرسه سپهسالار بر گرد حکیم الهی قمشه ای جمع شده، کتابی را به ایشان دادند و گفتند تا این زمان مدرس این کتاب را برای ما تدریس می کرد و اینک شما تنها کسی هستید که ما می توانیم از محضرش استفاده کنیم. ایشان بعد از این واقعه به یاد خواب خویش که چند سال قبل در مشهد دیده بود، افتاد و تعبیر آن را همین ماجرا دانست ^(۲۷).

استاد علامه حسن زاده آملی که به مدت یازده سال خوشه چین خرمن خرد حکیم الهی قمشه ای بوده می گوید: از محضر این عارف ربّانی تمام حکمت منظومه سبزواری و مبحث نفس اسفار و حدود نصف شرح خواجه نصیر الدین طوسی بر اشارات شیخ الرئیس را تلمذ نمودم و نیز در مجلس قرآن آن جناب خوشه چین بودم^(۲۸).

در معرفی الهی قمشه ای همین بس که چون یکی از فضایی تهران از محضر علامه طباطبایی استاد طلبید، آن مفسّر نامی خطاب به وی گفته بود: الهی قمشه ای غیر از این ظاهر است، از محضرش استفاده کنید^(۲۹).

دیگر از فضایی که حوزه درسی حکیم الهی قمشه ای را درک نموده و از ابعاد اندیشه اش محفوظ گشته حضرت آیه الله عبدالله

صفحه ۱۴۵

جوادی آملی (متولد ۱۳۱۲ ه.ش) است. وی بخشی از شرح منظومه و نیز الهیات و بخش عرفان شرح اشارات خواجه نصیر طوسی را نزد حکیم الهی آموخته است^(۳۰).

ایشان می گوید: درس مرحوم الهی نسبت به درس دیگر اساتید با روح تر و پرورنده تر بود... بین نماز مغرب و عشاء، اشارات تدریس می نمودند و اصرار داشتند نمازشان در اول وقت شرعی اقامه گردد^(۳۱). فضایی چون: ربّانی تربیتی، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، دکتر محمود انوار، کاظم مدیر شانه چی، سید محمدباقر حجّتی، محمدباقر محقق، و حاج شیخ عبدالرحیم ملکان که تخلص «ناصح» دارد از شاگردان حکیم الهی قمشه ای بوده اند^(۳۲).

آثار و تألیفات

حکیم الهی قمشه ای در جای جای مباحث فلسفی، عرفانی و کلامی ضمن تشریح مباحث متنوع برای اثبات گفتارهای علمی خود آیه ای از قرآن را شاهد می آورد تا هر گونه شک را از ذهن افراد برطرف سازد و اهمیت موضوع را روشن نماید. وی ضمن آنکه در اشعار

به شدت تحت تأثیر قرآن و حدیث بود در سروده هایی ویژه تحت عنوان « قصیده قرآنیه » از کلام حق سخن گفته است .

صفحه ۱۴۶

طی سالهای ۱۳۲۲ - ۱۳۲۰ ه. ش تفسیر ابوالفتح رازی به اهتمام شادروان الهی قمشه ای در ده جلد انتشار یافت که در سال های ۱۳۲۴ و ۱۳۳۵ ه. ش تجدید طبع گشت . وی در این طبع، حواشی ارزنده ای بر تفسیر یاد شده نوشته که از نظر اهل فن دور نیست^(۳۳) .

سرآغاز ترجمه قرآن به زبان امروزی به همت حکیم الهی قمشه ای صورت گرفته است . وی بدون آنکه در اصل معنا دخل و تصرفی کند تفسیر خلاصه ای با بیان ساده و در خور فهم برای عموم ارائه کرد، به طوری که مرحوم آیه الله العظمی سید حسین بروجردي (ره) که در تفسیر قرآن تبحر خاصی داشتند در مقام مقایسه با دیگر ترجمه ها فرموده بودند، هیچ ترجمه ای را با ترجمه الهی قمشه ای مقایسه نکنید. کاری که ایشان کردند بسیار فوق العاده است^(۳۴) .

ترجمه تفسیر گونه الهی قمشه ای که بعدها اصطلاحات فراوانی از سوی وی بر آن صورت گرفت نخستین بار در سال ۱۳۲۳ ه. ش به چاپ رسید و با وجود انتقادهایی که برخی بر آن داشته اند و بعد از دهها ترجمه دیگر هنوز در تیراژهای بسیار وسیع و گسترده از سوی ناشران متعدد تهرانی و شهرستانی تجدید طبع گردیده، در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد .

عرض ارادت به پیشگاه رسول اکرم (ص) و خاندان آن سرور در اخلاق و رفتار و آثار علمی و عرفانی این عالم ربّانی کاملاً مشهود است

صفحه ۱۴۷

و بخش مهمی از سروده هایش در واقع ترجمان سخنان معصومین (ع) می باشد .

گزیده ای از سخنان حضرت علی (ع) تحت عنوان « حکمت عملی یا اخلاق مرتضوی » در ده مقاله به انضمام خاتمه مقالات از سوی حکیم الهی قمشه ای تنظیم شده که برای برخی فرموده های امام شرحی اجمالی اما دقیق و پرمحتوا نوشته است .

اثر مزبور برای بار نخست در زمان حیات استاد در خاتمه کتاب « حکمت الهی » به طبع رسید و به تازگی با مقدمه، تصحیح و تعلیقات آیة الله حسن زاده آملی به پیشگاه مبارک عاشقان معارف و حکم و تشنگان آب حیات کوثر ولای علوی تقدیم گردیده است .

سروده زیبا و شیوای وی که تحت عنوان « نغمه الهی » چاپ شده شرح منظومی است از خطبه همام حضرت علی (ع) در این اثر حکیم الهی قمشه ای خطبه مزبور را به چندین بخش تقسیم نموده و هر بخش را با اشعار توضیح داده است .

یکی از گنجینه های حقایق الهی و معارف اهل بیت (ع) صحیفه سجادیّه امام چهارم است که در زمره نهج البلاغه می باشد و آن را « زبور آل محمد (ص) و » انجیل اهل بیت (ع) نامیده اند. استاد میرزا مهدی الهی این اثر قدسی را با ترجمه ای زیبا به زبان فارسی برگردانیده و در مقدمه ای زیبا به معرفی اجمالی آن پرداخته است. ضمناً برخی دعاها نیز توضیح داده شده است .

از افاضات علمی و پژوهشهای ارزشمند آن نامدار میدان معرفت

صفحه ۱۴۸

مجموعه نسبتاً مفصل « حکمت الهی » در دو مجلد می باشد، که خود در معرفی آن می نویسد: این کتابی است در حکمت الهی فقه اکبر، کلام و فلسفه اسلامی از قرون اول حکمت تا عصر حاضر، حاوی اقوال بزرگان و خردمندان الهی عالم و مطالب همه با ادله عقلی، منطقی و قرآن، مبرهن گردید یا به وجدان ذوق اهل معرفت و کمال مستند است .

کتاب فصوص الحکم فارابی در الهیات خاص، عرفان و معرفت نفس به نگارش در آمده که حکیم الهی قمشه ای با دیدگاه های استوار خود که بر قرآن و حدیث مبتنی است به شرح این اثر پرداخته است. شرح مذکور در خاتمه با توضیح «خطبه توحیدیه» حضرت علی (ع) تزیین شده است.

آثار دیگر آن حکیم به شرح ذیل می باشند:
- فلسفه معلم ثانی ابونصر فارابی که در تهران همراه با کتاب «توحید هوشمندان» از آثار دیگر مرحوم الهی و در سال ۱۳۲۲ه. ش به صورت سربی و در قطع جیبی انتشار یافته است.
- مشاهدات العارفين في احوال السالكين الي الله، که نسخه خطی آن نزد اخوي ایشان بوده و مرحوم الهی این کتاب را با خط خود نوشته و امضا کرده است.
- مناسك حج عاشقان، اثری است منظوم که در سال ۱۳۸۱ه. ق در تهران چاپ گردید و نیز در آخر دیوان آن حکیم درج شده است.

صفحه ۱۴۹

- رساله ای در فلسفه کلی
- رساله ای در سیر و سلوک
- رساله ای در مراتب ادراک
- حاشیه بر مبدأ و معاد ملاصدراي شیرازی
- رساله ای در مراتب عشق
- نغمه حسینی در احوالات حضرت سیدالشهداء (ع) و واقعه کربلا که در این اثر تاریخ زندگانی حضرت امام حسین (ع) و قیام آن حضرت به نظم در آمده و سعی بر این بوده است که بر طبق کتب مستند تنظیم شود.

- ترجمه مفاتیح الجنان که بارها در تیراژ بالا چاپ شده و به تازگی انتشارات اسوه به طرزي جالب و با حروفچيني کامپيوتري به طبع آن مبادرت نموده است .

- دروس عرفاني از مکتب علوي، چاپ تهران به سال ۱۳۳۷ه.ش

- تصحيح دو بيتي هاي باباطاهر عريان

- کلیات دیوان حکیم الهی قمشه اي^(۳۵).

سخنور پرهیزگار

الهی قمشه اي از دوران نوجواني با احساسات ظریف شاعران انس و الفت داشت. در آینه شعر تواناییهای خود را بروز داد و معارف

صفحه ۱۵۰

دینی، باورهای شیعی، مضامین قرآن و روایی و نیز محبت توأم با معرفت به پیشگاه اهل بیت(ع) را با ذوق لطیف خویش ممزوج ساخت و از زبان شعر به تشریح مباحث اعتقادی، کلامی و معرفی ستارگان درخشان آسمان امامت و ولایت پرداخت .

رگه هایی از عرفان اسلامی در اشعارش به جهان بینی وي رنگ و بوي حکمت عملي بخشیده است. معارف قرآنی، حکمت های عالی و براهین فلسفی را با هم آشنایی داده و از آنها نتایج اخلاقی می گیرد و می کوشد تا خواننده را از خواب غفلت بیدار نموده، جان و خرد خفته اش را حیات روحانی و ابتهاج معنوی بخشد .

مناجات با خداوند در اشعار این حکیم سخنور به وفور دیده می شود. علامه حسن زاده آملی نوشته است: از اول تا آخر دیوانش يك كلمه لغو نمي يابي، دیوانش از فاتحه تا خاتمه شور و نوا و سوز و گداز است از طلعت دیوانش فروغ آن آن من الشعر لحکمة ساطع و از صداقت بیانش شروق آن من البیان لسحرا طالع است . نازکی اشعارش خود برهان ناطق و تقریظ مرحوم ملک الشعراء بهار بر اشعارش شاهدي صادق است. این بنده گوینده اي از

معاصرین را نمی شناسد که آن همه مضامین رفیع حکمت و معانی منیع عرفان را به این
سبک روان بـــه رشتـــه نظـــم کشـــیده باشـــد:

دقیقه های معانیش در سواد حروف چو در سیاهی شب روشنی پروین بود^(۳۶).

دیوان « الهی » مجموعه گرانباری است که پاره ای از درّهای

صفحه ۱۵۱ شاهوارش در شرح خطبه امیرالمؤمنین (ع) در نشانه های پارسایان به نام
نغمه الهی می باشد. قسمت دیگرش در ذکر حاسه پرشور کربلا با عنوان نغمه حسینی است
و بخشی از آن شامل قصایدی متین حاوی پندهای نغز حکیمان و روشن ضمیران است و
ختمش با غزلهایی وزین و عالی مضامین، قطعات و رباعیاتی دلپذیر صورت گرفته
است. ملك الشعراي بهار در خصوص سروده هایش می گوید: « ... گوینده این اشعار...
عروض را دماغ موزون او پیدا کرده و قافیه را ذوق فطری او تشخیص داده (است) ... و آنچه
با ذوق خاص او راست آمده درست یافته و به کار بسته است. از هیچ کس مدح ننموده و به
کلی از مدح و اسلوب قصاید مدیحه که در ادبیات پارسی بابی بزرگ است کناره گرفته و در
غزل نیز به مذاق اهل حال - حالی بین فلسفه و عرفان و شریعت - برگزیده است »^(۳۷) ...
نمونه ای از سروده مناجات گونه او:

به عالم، بی پناهان را پناهی	همی گفتم الهی یا الهی
برآور یوسف جان من از چاه	تویی یارب ز حال زارم آگاه
تو دانی انتظار کودکانم	تو دانی خوار و زار و خسته جانم
ترحم کن ز غم برهانم ای دوست	به جان نیکوان بر جانم ای دوست
به مسکینان متاع عدل مفروش	به رحمت از گناهانم چشم در پوش
به رنج و درد هجران مردن من ...	چو خواهی از من و خون خوردن من

اخلاق و رفتار

حکیم الهی قمشه ای در مسیر تلاشهای علمی به خواسته های متعالی و گرایشهای والا توجه داشت و بدین سبب حالاتی چون صداقت، وارستگی اخلاق و زهد در اخلاق و رفتارش متجلی بود و از طریق ارتباط با خدا، ذکر، عبادت و تهجد و تصفیه اعمال، این خصوصیات را در خویشتن تقویت می نمود.

در برابر اوامر الهی و تأکیده های ائمه (ع) از امیال و خواسته های فردی صرف نظر می کرد و از دام خودخواهی رهایی یافت و در سروده ای زیبا چنین گفته است:

ز بعد ریاضات و درس و سلوک نشد توسن دریغا که در دام نامم هنوز اسیر
نفس رامم هنوز خیالات خامم هنوز

دل من اگر خلوت خاص هوست چرا در غم تن سفله طبع از تمنای شهد کند
خاص و عامم هنوز ... دمبدم تلخ کامم هنوز

استاد حسن زاده آملی که از پرورش یافتگان مکتب این عارف متشرع بوده می گوید:
متجاوز از ده سال با او حشر داشتم، یک کلمه حرف ناروا و یا یک جمله بیهوده از او نشنیدم.
چه گریه ها و زاریها از او دیده ام و چه اندرزها از وی به یادگار دارم^(۳۸).

همسرش طیبه الهی (تربیتی) در ضمن خاطراتی گفته است: در خانه، در امور داخلی کمک می کردند، بسیار بشاش و خوش صحبت بودند. اگر نصف روز متوالی تدریس می نمود، کسی اظهار خستگی

نمی کرد. نیمه شب از خواب برمی خاست و پس از نوافل و نماز شب در صحن خانه قدم می زد و به سیارات و ستارگان آسمان چشم می دوخت و از شگفتی های جهان هستی

لذت مي برد. ناملايمات را تحمل مي نمود و مي گفت: بلاهاي اين جهان همه از جانب حق است. بارها فقيري به در خانه مي آمد که چيزي به او بدهيم، اثاثيه اي همچون ظروف مسي و مانند او به او مي دادند و مي گفتند برو بفروش و خرج کن. امر به معروف و نهي از منکر ايشان با ملايمت و از روي دلسوزي بود. روي شجاع داشت و کينه کسي را در قلب خویش جاي نداده بود.

بسيار قانع و با لباسي عادي و مسکني ساده زندگي مي کرد و چون بیمار مي شد مي گفت: داروي من هفت بار قرائت سوره حمد است. در زمستان ها در اتاق درسش که در منزل منعقد مي گشت نه کرسی بود و نه بخاري؛ تنها يك چراغ لامپاي گرسوز و فرشي فرسوده. و برخي شب ها که هوا بسيار سرد مي شد منقل زیر کرسی اتاق ديگر را که عائله اش در آن بودند به اتاق درس مي آورد و خاکستر رویش را کنار مي زد و بدان حال مي گذراند^(۳۹). حکيم الهي قمشه اي به سبب کمالاتي که از طريق تزکيه و تهذيب، عبادت و اخلاص کسب کرده بود، لياقت هم نوایي و نغمه سرايي با قدسيان را داشت و از کرامات و حالات فوق العاده هم بي بهره نبود^(۴۰).

صفحه ۱۵۴

بعد از اقامت ايشان در تهران و دوستي بسيار نزديک و همکاري تنگاتنگ با شهيد مدرس و پس از آنکه حکومت غاصب و رضاخاني مدرس را دستگير و تبعيد نمود، الهي قمشه اي هم روانه زندان گرديد که به سفارش ذکاءالملک فروغي (نخست وزير وقت) به دليل ارتباط علمي که با ايشان داشت آزاد شد. گويا زماني وي را به فشار سياسي يا تظميع از سوي دستگاه منحوس پهلوي تهديد کرده بودند که در غزلي با اين مطلع گفته بود:

يا به جز در دام زلف يار، تسخيرم کنند	من نه آن ديوانه عشقم که زنجيرم کنند
دانه افشانند و در دامی به تزويرم کنند	من نه آن مرغم که صيادان عالم بافسون

در سروده اي ديگر گويا به رضاخان ملعون طعن مي زند و مي گويد:

تف به آن ابله كه قدر و شوكت دين دين عزيز است و رجال دين شريف و

كاستي بزرگ

چند در باغ طبيعت نعره و

از كلاغ زشت خوي زاڅخاي هرزه طبع

غوغاستي^(۴۱)

سرانجام در حالي كه آن حكيم نامدار به اصلاح خلاصة التفاسير خود مشغول بود در شب سه شنبه ۱۲ ربيع الثاني ۱۳۹۳ ه. ق (۲۵ ارديبهشت) ۱۳۵۲ دعوت حق را لبك گفت و به سراي باقي شتافت، پيكر پاكش از تهران به قم انتقال يافت و در جوار بارگاه حضرت معصومه (س) در وادي السلام (اتاق شماره) ۱۹ اين شهر به خاك سپرده شد .

پي نوشت ها :

-
۱. الحياة، محمدرضا حكيمي و محمد حكيمي، ج اول، ص ۲۹۸ .
 ۲. مجله پيام انقلاب، شماره مسلسل ۱۶۸ ص ۳۲ .
 ۳. خوشه ها، طيبه الهي قمشه اي (تربتي) ، ص ۱۳۱ و ۱۳۲ .
 ۴. نامه ها و برنامه ها، آية الله حسن زاده آملّي، ص ۸۰ .
 ۵. نغمه عشاق الهي قمشه اي، ص ۳۶۷ و نيز نغمه حسيني، ص ۲۱۵ .
 ۶. مجله پيام انقلاب، همان شماره، همان صفحه .
 ۷. الذريعه، شيخ آقا بزرگ تهراني، ج ۲۴ ص ۲۳۷ و نيز همين مأخذ، ج ۱۳ ص ۲۸۹ .
 ۸. مجله پيام انقلاب، همان شماره .
 ۹. حكمت عقلي يا اخلاق مرتضوي، استاد محي الدين الهي قمشه اي، مقدمه علامه حسن زاده آملّي، ص ۳۳ .
 ۱۰. تاريخ حكما و عرفا متأخرين صدر المتألهين، منوچهر صدوقي سها، ص ۸۲ .

۱۱. زندگانی حکیم جهانگیر قشقایی، مهدی فرقانی، ص ۱۲۶ .
۱۲. مجله پیغام انقلاب، همان .
۱۳. تذکره شعرای معاصر اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، ص ۵۳ .
۱۴. نشریه جاویدان خرد، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۶۵ ص ۹ .
۱۵. مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، عبدالعلی باقی، ص ۲۸ .
۱۶. مرد روزگاران، علی مدرس، ص ۴۸ .
۱۷. نک: حاج آقا حسین قمی، قامت قیام (از سری دیدار با ابرار) محمد باقر پورامینی .
۱۸. در آسمان معرفت، آیه الله حسن زاده آملی، ص ۲۵۷ .
۱۹. میرزای شیرازی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ترجمه محمد دزفولی، ص ۱۷۵ - ۱۷۴ .
۲۰. جشن نامه مدرس رضوی، گروهی از نویسندگان، ص ۷ ضمیمه های تاریخی علمای خراسان، میرزا عبدالرحمن، ص ۲۶۰ .
۲۱. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج ۵ ص ۲۲۲ و نیز همین مأخذ، ج ۷ ص ۱۵۲ .
۲۲. گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، آیه الله العظمی سید علی خامنه ای، ص ۲۸ .
۲۳. میراث ماندگار، مجموعه مصاحبه های سال چهارم کیهان فرهنگی، ص ۱۷۸ - ۱۷۷ .
۲۴. مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص ۱۹۲ - ۱۹۱ .
۲۵. نک: میرزا ابوالحسن جلوه حکیم فروتن، از نگارنده .
۲۶. یاد و خاطراتی از حکیم الهی قمشه ای، امیر محمد انوار، مجله یغما سال ۳۶ شماره ۱۲ ص ۷۵۲ فند ۱۳۵۲ .
۲۷. این رؤیای صادقانه در فصل دوم کتاب آشنای عرشیان به قلم نگارنده آمده است .
۲۸. پاسداران اسلام (استاد حسن زاده آملی) مجله پیام انقلاب، شماره مسلسل ۱۱۲ ص ۲۱ .
۲۹. حکم عملی یا اخلاق مرتضوی، ص ۴۱ - ۴۰ .

۳۰. گفتگوی نشریه صحیفه با آیه‌الله جوادی آملی، شماره ۳۰ ص ۵ .
۳۱. مجله کیهان فرهنگی، شماره ۹ سال ۱۳۶۴ گفتگو با آیه‌الله جوادی آملی با تغییر در عبارات و جمادات .
۳۲. آشنای عرش‌یان، به قلم نگارنده، ص ۸۷ - ۸۶ .
۳۳. الذریعه، ج ۷ ص ۹۶ - ۹۵ .
۳۴. مجله پیام انقلاب، شماره ۱۶۹ ص ۳۰ .
۳۵. در تنظیم فهرست آثار آن حکیم سخنور از این منابع بهره گرفته شده است: الذریعه مجلّات ۱۹ ۵ معجم مؤلفین شیعه، علی فاضل قاینی نجفی، ص ۳۶۱۳۶۷ - تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۳ سخنوران نامی معاصر ایران، ج ۱ ص ۱۱ بهار و ادب فارسی ج ۱ ص ۲۲۲ نامه ها، برنامه ها، ص ۸۱ - ۸۰ .
۳۶. نامه ها و برنامه ها، ص ۸۲ - ۸۱ .
۳۷. از مقدمه ملك الشعراي بهار بر نغمه عشاق که در سال ۱۳۲۱ ه‍.ش به طبع رسیده است .
۳۸. نامه ها و برنامه ها، ص ۸۱ .
۳۹. در آسـمان معرفت، ص ۲۶۵ - ۲۶۴ .
۴۰. نـك: خوشـه ها، ص ۱۲۸ .
۴۱. نغمه حسینی، ص ۲۲۰ و پیام انقلاب شماره ۱۶۹ ص ۳۳ .

شیخ محمد فرزند آقا حسین یزدي در سال ۱۳۲۴ه.ق،^(۱) در احمد آباد اردکان و در خانواده ای مذهبی و مستضعف دیده به جهان گشود .

کمتر از ۶ سال داشت که جهت فراگرفتن قرآن مجید پای به مکتب گذاشت. به زودي کلام خدا را آموخت. چون درآمد مالی پدرش کفاف مخارج خانواده اش نمی کرد، نزد شخصي به نام حاج عبدالصمد وکیلي به شاگردی رفته و همزمان با کار، خواندن و نوشتن را نیز فراگرفت. بیشتر شبها با اجازه صاحب مغازه در همان مغازه می ماند تا با فراغت بیشتر به مطالعه ادامه دهد^(۲).

استعداد سرشار و شوق آموختن سبب شد تا سرانجام به مدرسه علمیه اردکان راه بیابد و پس از طی تحصیلات مقدماتی، جهت ادامه

با مستمري اندکي که حاج عبدالصمد در اختیارش قرار می داد، توانست در مدرسه عبدالرحیم خان یزد که رونق خاصی داشت، به تحصیل پردازد. پس از گذشت حدود بیست بهار از زندگی، رهسپار حوزه علمیه قم شد^(۳) و در مدرسه فیضیه اقامت گزید و با اشتیاق فراوان به تحصیل و تهذیب نفس پرداخت .

طي سالهاي متمادي كه او در حوزه پربركت قم مشغول تحصيل بود، از محضر استادان زيادي بهره مند گرديد. بعضي از آن آيات عظام عبارتند از:

- ۱ حاج شيخ عبدالكريم حائري يزدي، مؤسس حوزه علميه قم

- ۲ سيد محمد حجت كوه كمري

- ۳ سيد محمدتقي خوانساري

- ۴ سيد صدرالدين صدر^(۴)

- ۵ امام خميني (ره)

- ۶ محمد علي قمي

- ۷ سيد شهاب الدين مرعشي نجفي

- ۸ سيد محمدرضا گلپايگاني .

صفحه ۱۵۹

- ۹ سيد حسين بروجردي طباطبائي .

وي در حدود ۱۸ سال از محضر آية الله العظمي بروجردي بهره برد و به درجه اجتهاد نايل آمد. در دوران تحصيل بيشتري اوقات با شهيد محراب آية الله حاج شيخ محمد صدوقي مباحثه مي كرد^(۵). تا اينكه از مدرسين عالي رتبه حوزه علميه شد و در صحن بزرگ حضرت معصومه (س) شروع به تدريس كرد^(۶).

شاگردان

اين بزرگمرد به امر تدريس خيلي اهميت مي داد. از اين روي شاگردان زيادي در مكتبش تربيت شدند كه اكثر آنان هنوز در قيد حيات و مايه افتخار حوزه هاي علميه اند. بعضي از شاگردان ايشان عبارتند از: آية الله شهيد حاج آقا مصطفي خميني (ره) كه بخشي از دروس فلسفه و حكمت را از وي

فراگرفت^(۷). حاج سید عباس خاتم یزدی، محمدتقی مصباح یزدی، شیخ حسین راستی، غلامرضا رضوانی خمینی و حاج سید جعفر کریمی و ...

صفحه ۱۶۰

آیه الله فکور از زبان شاگردان و دوستان

آیه الله خاتم درباره استاد خود می گوید: « ما که در قم بودیم، قسمتی از کتاب رسائل مرحوم شیخ انصاری (ره) در علم اصول و منظومه مرحوم سبزواری در علم فلسفه را از محضر ایشان آموختیم. وی با اهتمام زیادی که به علم فقه و اصول داشت، هرگز فلسفه و عرفان را از نظر دور نمی داشت. تا جایی که می فرمود: من زمانی، آن قدر به مثنوی عارف بزرگوار، ملای رومی، علاقه داشتم، که سالیان درازی تمام اوقات فراغتم را به خواندن آن می گذراندم و لذت می بردم. وی بر اثر تفکر زیاد در تحقیق مطالب و فهم مسائل، به لقب « فکور » معروف بودند. آن گونه که مشهور است، حضرت آیه الله حائری (ره) ایشان را به این لقب خواندند. »

علاقه زیاد به امام خمینی (ره)

آیه الله فکور، نسبت به امام خمینی علاقه زیادی داشت. امام نیز نسبت به وی محبت خاصی ابراز می کرد. آیه الله خاتم می گوید:

« وقتی امام (ره) را از ترکیه به نجف اشرف تبعید نمودند، آقای فکور در منزل ما در نجف بود. تا شنید امام به نجف منتقل شده اند، بی درنگ به دیدن ایشان شتافتند و امام (ره) نیز برای دیدار ایشان به منزل ما آمد، بین آن دو انس و الفت خاصی وجود داشت .

آقای فکور اگر احساس می کرد کسی نسبت به امام خمینی (ره) بی مهری می ورزد، بسیار ناراحت و رنجیده می شد و می فرمود: امام امت کسی است که از طرف حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مؤید است و ما باید در

همه اعمال و رفتار، حامی و پشتیبان او باشیم.»

سخنرانی و منبر

با همه فضائل و کمالات و جایگاه بلند حوزوی، خطیب و سخنران خوبی بود.

سخنرانی های او، انقلاب روحی در مردم ایجاد می کرد و همه را مجذوب خود می ساخت. بدین جهت، با همه مشاغل علمی به امر تبلیغ دین بسیار اهمیت می داد. و تا سنین پیری، در حد امکان سعی می کرد، در مواقع مناسب برای ارشاد مردم به شهرها و بخش ها و روستاهای دور و نزدیک سفر کند و احکام و معارف روحبخش اسلام را به مردم برساند. نه تنها سخنان شیوا و جذاب او، آموزنده بود، بلکه رفتار و اخلاقش نیز الگو قلمداد می شد. می گفت: « برای تبلیغ اسلام و دین به تویسرکان رفته بودم، شخص دیگری از برادران روحانی نیز در آنجا سخنرانی می کرد. سخنرانی و منبر من جلوه خاصی یافته بود. و بیشتر مردم را به خود جلب کرده بود.

آن آقا، در بیشتر مجالس به من ناسزا می گفت و توهین می کرد. گاهی می گفت تو ریاکار هستی، تو چاپلوسی می کنی؟!... اما نه تنها من هیچ عکس العمل ناهنجاری نشان نمی دادم، بلکه بیشتر نسبت به وی اظهار علاقه می کردم و این رفتار ادامه داشت تا اینکه روزی به من گفت: فلانی تو چه آدمی هستی! با این همه ناسزاگویی هیچ *

عکس العملی نشان نمی دهی؟! همین رفتار و اخلاق باعث شد، او کم کم از دشمنیهایش دست بکشد و از دوستانم گردد.

دوستی اباعبدالله و اهل بیت(ع)

در ایامی که راه عتبات عالیات باز بود، آیه‌الله فکور سالی دو مرتبه به کربلا و نجف مشرف می‌شد، آنگاه هم که راه بسته شد، با زحمات زیادی از بیراهه‌ها با راهنمایی افراد خاصی خود را برای زیارت عتبات عالیات به نجف و کربلا می‌رساند و مدتی هم می‌ماند. وقتی به حرم ابا عبدالله (ع) مشرف می‌شد، ساعت‌ها از حرم بیرون نمی‌آمد، به گونه‌ای مجذوب حرم می‌شد که متوجه هیچ کس نمی‌شد. عشق و علاقه‌ای خاص به امام حسین (ع) داشت. گاه ساعت‌ها در صحن حرم می‌نشست و گنبد و بارگاه ابا عبدالله را می‌نگریست و نمی‌توانست از آن دل بکند و به خانه برگردد.

خودش می‌گفت: «دوست روحانی متدینی داشتم که مدتی پیش از دنیا رفته بود، آرزو داشتم او را در خواب ببینم و از احوال عالم برزخ سؤال کنم و خبری بگیرم. این را هم می‌دانستم که بر اساس روایات: در روز قیامت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) و... شیعیان را شفاعت می‌کنند و از آن مهلکه‌ها نجات می‌بخشند. آنچه که خود آنها سفارش کردند، این است که برای عالم برزخ فکری بکنید. شفاعت مال روز قیامت است.

صفحه ۱۶۳

ه این جهت خیلی دلم می‌خواست بدانم که چه عملی در عالم برزخ به کار می‌آید و انسان را نجات می‌دهد؟ تا اینکه شبی او را در خواب دیدم؛ جلو رفتم، دستش را گرفتم و پرسیدم: در عالم برزخ چه عملی ارزش دارد و سبب نجات انسان می‌شود؟ ابتدا دستش را از من جدا کرد و عقب عقب رفت، دویدم گریبان‌ش را گرفتم و گفتم تا جوابم را ندهی، رهایت نمی‌کنم. گفتم: «برای عالم برزخ زیارت ابا عبدالله الحسین (ع) را فراموش نکن.» از دیگر خصوصیات بارز ایشان احترام بسیار به سادات بزرگوار و فرزندان اهل بیت (ع) خصوصاً اهل علم آنها بود با تعظیم و تکریم زایدالوصفی با آنها روبرو می‌شد.

زهد و تقوا و احتیاط در مصرف بیت المال

آیه الله فکور در تمام کارهایش دقت و احتیاط داشت، به ویژه در مصرف وجوهات شرعی و اموال بیت المال بیش از اندازه احتیاط می کرد ^(۸). بدین سبب با اینکه اموال زیادی از خمس و زکات و کفارات و هدایا به دستش می رسید، همه را با دقت خاصی جدا می کرد و به مصارفش می رساند؛ اما خود زندگی ساده و مختصری که از سطح يك طلبه متوسط نیز پایین تر بود، اختیار کرده بود.

لباسش نوعاً از پشمی بود که خود تهیه می کرد، بسیار کم غذا می خورد، بیشتر به مطالعه و عبادت و شب زنده داری می پرداخت. تا

صفحه ۱۶۴

آخر عمر در خانه اجاره ای به سر برد و به خود اجازه نداد که از وجوهات خانه ای تهیه کند. با این همه اگر کسی از جهت مادی یا معنوی احتیاجی داشت و به وی مراجعه می کرد، تا سر حد توان در انجام آن تلاش می کرد.

چون پدری دلسوز و مهربان، و برادری همدل و چاره ساز، با بلند نظری و احترام، نیاز مراجعین را برطرف می ساخت و هرگز شخصیت مؤمنین نیازمند را جریحه دار نمی کرد. حجة الاسلام حاج سید محمد نجفی می گوید: « وقتی دخترش را به منزل شوهر بردند، مقداری «مهر نان» ^(۹) «که سهمیه دخترش بود و هنوز مصرف نشده بود، به بیت المال برگرداند.

آقای محمدی میگوید: يك وقت طلبه ای از آشنایان ازدواج کرد، ایشان می خواست هدیه ای برای داماد ببرد. اما این کار ۷ یا ۸ ماه طول کشید. بعدها به من گفت: هنوز پولی ندارم که چیزی بخرم. کاملاً مشهود بود که مایل نیست از وجوهات چیزی بخرد و می

خواست از اموال شخصي خودش باشد. بعد از يك سال پولي جمع كرد و يك روفرشي به قيمت ۸ دینار عراقي معادل ۱۶۰ تومان خريد و براي وي هديه برد .

آية الله فکور با آن همه زهد و تقوا، مردی شیرین سخن بود و مجلس گرمی داشت . آن گونه نبود که چون برخی چهره در هم کشد و گوشه گیری اختیار کند. از نظر اجتماعی و برخورد با مردم به گونه ای بود که اگر کسی در جلسه ای با ایشان می نشست، مجذوب وی می شد .

صفحه ۱۶۵

تواضع بی حد و دل دادن به حرفهای مردم، سبب محبوبیت وی در دلها شده بود، دیدارش انسان را به یاد خدا می انداخت .

استخاره *

وی با روش خاصی برای مراجعین استخاره می کرد. نوعا جوابهایش درست بود. بدین سبب نیز شهره آفاق گردید و از خارج و داخل برای همین امر به وی مراجعه می کردند .

در این باره می فرمود: استخاره غیب نمی گوید ولی مصلحت را بیان می کند^(۱۰).

روزهای آخر عمر بر اثر عارضه سرطان در خانه بستری شد، فضلا و طلاب برای عیادتش می آمدند و از سخنان شیرینش بهره مند می شدند .

وی با صفا و معنویت، زهد و ورع زندگی را سپری کرد و از وی تنها يك فرزند دختر باقی ماند. بالاخره در روز جمعه هشتم ذیعهده سال ۱۳۹۴ دیده از جهان فرو بست و در مقبره شیخان قم، در جوار زکریا بن آدم اشعری، سمت شرقي شیخان، بدن مطهرش به خاک سپرده شد .

در حوزه علمیه قم و شهر اردکان، سه روز به مناسبت رحلت وی درسها و مغازه ها تعطیل شد .

روي سنگ مزارش چنين حجاري شده است:

«العلماء باقون ما بقي الدهر»

قد اختفي في هذه الجثوة جثمان العلم والحكمة والتقّي، و افل فيها شمس سماء الفقه و الورع و الهدى بعد ما استضاء به جم غفير من طلبة العلم و بغاة الحكمة و رواد الفضيلة و هو العبد الشكور آية الله الملك الغفور الحاج شيخ محمد الفكور اليزدي، حشره ربه مع مواليه في جنات العلي و قد لحق روحه بالملاء الاعلى في الرابع عشر من شهر ذيقعدة الحرام من سنة ١٣٩٤ هجرية قمريه، بعد مضيّ سبعين عاما من عمره الشريف ^(١١).

پی نوشت ها :

۱. گنجینه دانشمندان، ج ۲ ص ۲۲۳ در تاریخ اردکان، علی سپهری، ج ۱ ص ۲۵۵ سال

تولد وی را ۱۳۲۵ ه‍.ق ذکر کرده است و در فتوکپی شناسنامه اش ۱۲۷۸ ه‍.ش برابر با ۱۳۱۷ ه‍.ق

مَدَنِي بَاشَد

۲. گفتگو با حجة الاسلام محمود محمدی، عضو دفتر استفتائات مقام معظم رهبری در قم و

از بس _____ تگان وي

۳. مکتب اسلام، شماره ۱۶ ص (۵ در تاریخ اردکان، ج ۱ ص ۲۵۵ آمده است: وی در

سـن ۲۵ سـالگـی عـازم قـم شـد .)

۴. گنجینه دانشمندانه ؛ ج ۲ ص ۲۲۳ .

۵. آینه دانشوران، سید علی رضا ریحان یزدی، ص ۳۹۶ - ۳۹۷ .

۶. هم نام

٧. مجله _____ هـ _____ وزه، ش ٨١ - ٨٢ ص ٣٥٧ .

۸. گفتگو با حجة الاسلام حاج سيد جعفر حسيني ركن آبادي .
۹. حواله اي كه بوسيله آن نان تهيه مي شد .
۱۰. مصاحبه با آية الله خاتم يزدي و حجة الاسلام و المسلمين حاج سيد محمدنجفي و حجة الاسلام محمود محمدي و حجة الاسلام حاج سيد جعفر حسيني ركن آبادي .
۱۱. برابر است ۱۳۹۴-هقبا ۱۳۵۲هش (گاهنامه تطبيقي سه هزار ساله، تأليف احمد بيرشك، ص ۱۰۶) بنابراین ؛ چنانچه تاريخ تولد وي را آنگونه كه در شناسنامه اش آمده (۱۲۷۸هش) برابر ۱۳۱۷ه قمری بدانيم، وي در حدود ۷۷سالگي به لحاظ سالهاي قمری و يا ۷۴سالگي به لحاظ سالهاي شمسي از دنيا رفته است و با نوشته روي سنگ قبر منافاتي ندارد چونكه در اینجا اينگونه آمده «بعد مضيّ سبعين عاما من عمره الشريف) يعني بعد از ۷۰سالگي از دنيا رفته اند .

تبار پر بار

فرزندان حضرت امام موسی کاظم (ع) نمونه مجسم و عملی از تعالیم قرآنی و نشانگر ویژگیهای دودمان امامت بودند. سیر زندگی بازماندگان آن فروغ هفتم سرشار از فداکاری و مجاهدت در راه دین و اعتلای ارزشهای معنوی بود.

یکی از بهترین دلایل تسلیم ناپذیری آن وجودهای با برکت در مقابل ستم تلاطم روحی آنان در برخورد با آفات رشد و تعالی جامعه، پراکندگی و گوناگونی محلّ زندگی و اقامت آنان در جهان اسلام است. تبار دانشور «قزوینی»^(۱) «از لحاظ نسب به سالار پروا پیشگان و ستم ستیزان، حضرت امام موسی کاظم (ع) می‌رسند و از میان این سلسله با شرافت، واعظان اندیشمند، مفسران و فقیهان والا مقام، نویسندگان ژرف اندیش و شاعران متعهد و دلسوز برخاسته اند که هر کدام خدمات

ارزنده علمی، فرهنگی و تبلیغی به جامعه اسلامی نموده و صفحاتی از تاریخ تشیع را با تکاپوی علمی خود مزین ساخته اند و با پاسداری از دژ استوار خاندان وحی و رسالت پرداخته و چون مدافعانی آگاه و فداکار در صیانت از فرهنگ اصیل اهل بیت (ع) لحظه ای مضایقه ننموده اند.

قافله قزوینی

آل قزوینی که از تبار تلاش و تحقیق و طایفه جهاد و اجتهاد هستند، غالباً در شهر مقدس کربلا و در جوار بارگاه مطهر سالار شهیدان - حضرت امام حسین (ع) اقامت داشته اند، ولی اصل آنان قزوینی است.

اقامت این خاندان در کربلائی معلّی در قرن دوازدهم هجری صورت گرفت و شخصیت مشهور آنان سید محمد باقر موسوی قزوینی ملقب به معلم السلطان است که نخستین کسی از این قبیله بود که به نجف اشرف در سال ۱۱۸۵ ه ق مهاجرت کرد. وی پس از سیزده سال اقامت در جوار مضجع مطهر نخستین پیشوای شیعیان به سال ۱۱۹۸ ه ق همراه برادرش سید محمد علی (فرزند سید عبدالکریم موسوی قزوینی حائری) در کربلا رحل اقامت افکند^(۲). برخی طایفه مذکور را از نوادگان سید محمد علی موسوی قزوینی دانسته اند^(۳).

صفحه ۱۷۱

یکی از شخصیت‌های برجسته این خاندان سید ابراهیم، فرزند سید محمد باقر قزوینی، (۱۲۶۲ - ۱۲۰۴ ه ق) است که از بزرگ عالمان شیعه در اواسط قرن سیزدهم هجری می باشد. وی در اکثر مراتب علمی و حسن تحریر کم نظیر و در مکارم اخلاق و احاطه به مسائل فقهی و کلامی وحید عصر خویش به شمار می رفت.

نزدیک به یک هزار شاگرد داشت که سید حسین کوه کمری، شیخ زین العابدین مازندرانی، حاج سید اسدالله حجت الاسلام اصفهانی و صاحب قصص العلماء (تکابنی) از جمله آنان است. معروفترین اثرش، ضوابط الاصول، تقریر دروس استادش، شریف العلماء مازندرانی است. مدفن او در نزدیکی بازار حضرت ابوالفضل (ع) از صحن مقدس حسینی واقع شده است^(۴).

خاندان قزوینی از طریق مادر به سید محمد مجاهد (صاحب ریاض المسائل) نسب می‌برند. در واقع آنان از جانب پدر به امام موسی کاظم (ع) و از سوی مادر به امام مجتبی (ع) منتهی می‌گردند^(۵).

این طایفه نقش بسیار مؤثری در تاریخ علمی، اجتماعی و سیاسی دیار مقدّس کربلا داشته‌اند و نامورانی از ایشان در طول اعصار و قرون در مقابله با نقشه‌های استعمارگران و حیل‌های استکبار جهانی مقاومت ورزیده و مانع بزرگی بر سر راه توطئه‌های استبدادی بوده‌اند

صفحه ۱۷۲

و هم‌اینک نیز افرادی از آنان در زندانهای رژیم بعث عراق گرفتارند.

پگاه پاگیزگی

سید محمد ابراهیم قزوینی یکی از فروغهای فروزان و از سادات اصیل و مشهور به زهد و وارستگی در شهر معطر کربلا بود. در روز دوازدهم ماه شوال سال ۱۳۴۸ ق (۱۳۰۷ ش)^(۶) خداوند به این دانشور دیندار فرزندی عطا کرد که با تولدش صفای بیت شریف این انسان را دوچندان ساخت.

این فرزند، محمد کاظم نامیده شد، دوران کودکی این غنچه نورسته در دامن پر مهر و محبت مادری خوش طینت سپری گشت که خود از پرورش یافتگان مکتب سعادت بخش تشیع بود.

سایه مهر گستر پدری فاضل و محیطی آکنده از رایحه روان بخش ایمان و معنویت، بذریع ایمان و آگاهی در وجود سید محمد کاظم می‌افشانید. اما یکی از وقایع اسف انگیز برای خانواده سید محمد این بود که هر چه خداوند فرزندی به آنان عطا می‌کرد به دلایل گوناگون و در سن طفولیت رخ در نقاب خاک می‌کشید.

سید محمد ابراهیم و همسرش گر چه از چنین رخدادهایی به لحاظ پیوستگی عاطفی با فرزندان ناراحت می شدند، ولی این حقیقت را باور داشتند که بلاها و سختی ها، تحفه های الهی است و حکمتیایی در این حوادث به ظاهر ناراحت کننده نهفته که تنها خداوند از نهان

صفحه ۱۷۳

آنها آگاه است .

خواست خداوند بر این تعلق گرفت که سید محمد کاظم باقی بماند و از گزند حوادث مصون گشته، منشأ خدمات علمی و تلاشهای فرهنگی گسترده گردد .

چون سید محمد ده بهار را پشت سر گذاشت، در وفات مادر مهربان و وارسته اش سوگوار گردید. گویا مواجه شدن با سختیها و پیدایش آشفتگی در مسیر زندگی این کودک، می خواست گوهر کمالات او را آشکار نماید و روح وی را از وابستگی دنیوی جلا دهد. دو سال دیگر در سن دوازده سالگی فراق پدر را متحمل شد. این دو حادثه موقعیت بسیار سختی را برای نوجوان دوازده ساله پدید آورد. دشواری وقتی رو به تزیاید رفت که به دلیل بدهی زیاد پدرش منزل مسکونی آنان نیز به فروش رفت^(۷).

گر چه این سبزه نورسته دوران نوجوانی را سپری می کرد، به موجب تربیت صحیح دینی، در لابه لای ابرهای متلاطم و تیره بلایا، آفتاب درخشان لطف خداوندی را مشاهده می کرد و سخن پدرش را فراموش نمی کرد که « محتضای الهی بیانگر نزدیکی فرد به پروردگار است و هر چه خداوند کسی را بیشتر دوست داشته باشد، آثار تعلقات دنیای فانی را بیشتر از چهره اش می زاید تا تکیه گاه محکمی برای خود برگزیند و به ریسمان استوار الهی چنگ زند ».

چنین آگاهیهایی سبب شد تا نهال نوپای سید محمد با توفانهای

صفحه ۱۷۴

حوادث به لرزه در نیاید و در جزر و مدهای زندگی، آرامش روحی خویش را حفظ کند و خود را برای کسب کمالات و تحصیل دانش دینی مهیا سازد.

تحصیل کمال

سید محمد کاظم پس از آن که کشتی طوفان زده دل را به ساحل شکیبایی و آرامش هدایت کرد و با یاد و نام سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) و خواندن اشعاری در رثای آن حضرت چشمه اشک در کویر غم جاری ساخت، دروس مرحله مقدمات و سطح را در حوزه پر فیض کربلا آموخت. در دوره سطح از فروغ اندیشه آیات و عظام و حجج الاسلام سید میرزا هادی خراسانی، سید محمد حسن قزوینی، شیخ محمد خطیب، شیخ جعفر رشتی و سید محمد صالح قزوینی محظوظ گشت.

سید میرزا هادی که مرجع عالیقدر محسوب می گشت، در کنار تدریس دوره عالی در حوزه علمیه کربلا تدریس کفایه الاصول، رابه طور خصوصی برای برخی از شاگردان برجسته اش دایر کرد که آیه الله سید محمد کاظم قزوینی افتخار حضور در این جمع نورانی را داشت.

صفحه ۱۷۵

قله های فرزاندگی

سید محمد کاظم پس از پایان رسانیدن دوره سطح، در دروس عالی حضرات آیات سید میرزا مهدی شیرازی، شیخ یوسف خراسانی و سید هادی میلانی شرکت نمود.^۵

آیه الله العظمی حاج سید مهدی حسینی شیرازی علاوه بر رابطه شاگردی و استادی، پیوند عاطفی نزدیکی با سید محمد کاظم داشت. بعدها این ارتباط به وصلتی مبارک شد. زیرا دختر آیه الله میرزا مهدی شیرازی به عقد ازدواج وی درآمد. ثمره این پیوند پاک پنج فرزند فاضل و برومند شد که همگی در حوزه علمیه و مراکز علوم اسلامی و تبلیغات شیعی اشتغال

داشته و به تدریس در سطوح عالی مبادرت ورزیده اند. اسامی ایشان عبارتند از: حاج سید محمد ابراهیم، حاج سید محمد علی، حاج سید محمد مصطفی، حاج سید محسن و حاج سید جعفر قزوینی^(۸)

آیه الله میرزا مهدی شیرازی از خاندانی است که شخصیتی چون آیه الله سید حسن شیرازی، احیاگر قدرت فتوا، در بین آنان چون خورشیدی فروزان می درخشد^(۹). بیش از یک قرن است که در این قبیله، قله مرجعیت همچنان استمرار یافته است.

برادر همسر آیه الله قزوینی، شهید بزرگوار آیه الله سید حسین شیرازی، است که پس از یک ربع قرن مبارزه بی امان بر ضد استبداد و

صفحه ۱۷۶

استعمار و تحمل انواع ناملایمات و شکنجه های جانفرسا در بهار ۱۳۵۹ ش در بیروت به دست عوامل بعثی به شهادت رسید^(۱۰).

خطیب نکته پرداز

آیه الله سید محمد کاظم قزوینی پس از بهره مند شدن از محضر اساتید در دانش فقه، حدیث، کلام و تفسیر قرآن، مهارتها به دست آورد و موفق گردید در حوزه علمیه کربلای معلی تفسیر قرآن و فقه را به شاگردان خویش بیاموزد.

ایشان در خطابه و سخنوری نیز ممتاز بود و ذوق او استعداد ذاتی وی در این موهبت الهی دخالت موثری داشت و توانایی او مصداق علمه البیان بود^(۱۱). و چون در بیانات پر جاذبه و شیرین خویش از صمیم قلب سخن می گفت، بر دلها تأثیر می گذاشت، نرمی و تأثر در قلبها پدید می آورد، روانها و اندیشه ها را جلا می داد و شنوندگان را از خواب غفلت بیدار می کرد. دانش دینی و تسلط بر منابع قرآن و روایی و آگاه بودن بر روح تعلیمات اسلامی و شناخت مقتضیات زمان و اوضاع روزگار و مصالح جامعه اسلامی و چگونگی

موضوع گيري در مقابل جريانهاي موجود، وعظ و خطابه او را تقويت کرده بود. خصوصيت وي راستگويي و نيت خالصانه اش بود. او مي کوشيد در تشریح مباحث ديني و معرفي سيره اهل بيت (ع) با استمداد از منابع معتبر و مستند *

صفحه ۱۷۷

به صورتي صحيح و با پرهيز از نقل قول سست به سخنوري پردازد و به خطابه ها و مواعظ خود غنا بخشد .

آراستن سخن به معاني گوناگون و ايجاد هيجان و حالات عاطفي و احساس در شنندگان از هنرهاي اين خطيب نکته پرداز است .

در وعظ و ارشاد ديني، غالبا بر قرآن و تعاليم انبيا و اولي (ع) تكيه مي کرد و با کمک گرفتن از تاريخ و حوادث گذشته و نتيجه گيري جالب شنندگان را نسبت به امور جاري آگاه و در خصوص آينده خود ارشاد و هدايت مي کرد. محبت ائمه را در دل شيفتگان و کينه دشمنان قرآن و عترت را در قلبها مستحکم مي نمود و معنويتي که چون رايحه اي معطر از وجود شريفش در فضا پراکنده مي شد، سازندگي سخنان او را افزون مي کرد .

چه گناهکاراني که بر اثر بيانات اين خطيب ماهر راه توبه پيش گرفته و فطرت آنان بيدار گشت و چه پايمال گندگان حقوقي که به اداي حقوق ديگران اهتمام ورزیدند ^(۱۲). کم نبودند افراي که با گوش فرا دادن به سخنان اين سيد والا گهر نسبت به مباني تشيع خوش بين شده و از بدگماني و تهمةهاي نابه جا دست برداشته و بذر محبت به خاندان عترت در قلبهاي آنان کاشته شد .

فضلايي چون، شيخ مرتضي شاهرودي، سيد عبد الحسين قزويني، شيخ ضياء زبيدي، شيخ عبدالحميد مهاجر و شيخ محمد مجاهد فن

خطابه را نزد آیه الله قزوینی آموختند. آن انسان وارسته به منظور تربیت خطیب و سخنور ماهر برای گروههایی از طلاب حوزه علمیه کربلا دوره آموزش عالی خطابه را آغاز کرد^(۱۳).

مؤسسه ای پر ثمر

آیه الله سید محمد کاظم قزوینی به منظور شناساندن مذهب تشیع، در سال ۱۳۸۰هـ ق، مؤسسه ای با عنوان « رابطه النشر الاسلامی » در کربلا تأسیس کرد، بنیان نهادن چنین مرکزی در آن زمان و شرایط اختناق آمیز کشور عراق نظیر نداشت. برنامه این مؤسسه ارتباط با کشورهای اسلامی، مکاتبه با شخصیت‌های سیاسی - مذهبی دنیای اسلام و ارسال کتب و نشریات شیعی به صورت رایگان برای افراد و مراکز فرهنگی بود. محور این تلاش فرستادن کتاب به برخی کشورهای آفریقایی چون الجزایر و مراکش بود که هزاران سید علوی در این دو کشور زندگی می کردند، ولی در اثر تبلیغات مسموم در ادوار تاریخی و سمپاشی دشمنان شیعه و دوری از مراکز تبلیغی، ناآگاهانه نسبت به نخستین امام شیعیان که جد آنان نیز است، اعتقاد نداشتند^(۱۴).

در آغاز، محدوده فعالیت این تشکیلات منحصر به چند کشور عربی بود ولی بعد از آن، برنامه های مؤسسه گسترش یافت و

کشورهای دیگر آفریقایی، آسیایی، اروپای غربی و کشور استرالیا را زیر پوشش قرار دادند.

ارسال کتاب به نقاط مزبور آثار ژرفی بر تفکرات مردم آن سرزمینها نسبت به تشیع و خاندان عصمت و طهارت گذاشت و صدها نفر را به تشیع معتقد ساخت.

مؤسسه « رابطه النشر الاسلامي » بعدها دو شيعه در بيروت (مركز حكومت لبنان) و كويت افتتاح كرد. پس از به قدرت رسيدن حزب پوشالي و منحوس بعث در کشور عراق مزاحمتهايي براي اين تشکيلات آغاز گرديد و دستور داده شد که به صورت اجباري مکان مؤسسه تخلیه شود و سرانجام چند سال بعد ساختمان جديد و کليه لوازم فرهنگي و کتابهاي آن از سوي رژیم بعثي مصادره و براي گردانندگان آن تضییقاتي فراهم گرديد .

بعد از هجرت آية الله قزويني به کشور کويت فعاليتهاي شيعه مستقر در اين سرزمين گسترش افزونتري يافت و تا چند سالي پس از اقامت ايشان در ايران برنامه هاي آن مؤسسه با تحرك شايعان توجهي استمرار داشت. طي اين مدت حدود يك ميليون جلد كتاب با موضوعات اسلامي و ديدگاههاي شيعي براي علاقه مندان در حدود سي کشور ارسال گرديد . کم نيستند تعداد کساني در کشورهاي عربي، شمال آفريقا و حتي اروپا که با مطالعه کتب ارسالي نسبت به اهل بيت (ع) علاقه پيدا کرده و دلها را از کينه اي که نسبت به عترت پيامبر و خصوصاً فاطمه

صفحه ۱۸۰

زهر را داشتند، خالي کردند. امواج تشيع گرايي که هم اکنون کشورهاي شمال آفريقا را در بر گرفته هرگز بي تأثير از فعاليتهاي آية الله قزويني نيست^(۱۵).

در حدود سال ۱۴۰۹هـ ق ايشان تصميم گرفت مرکزي به منظور پژوهشهاي گسترده و عميق پيرامون تاريخ زندگاني اهل بيت (ع) تأسيس کند و سرانجام در ماه ربيع الثاني سال ۱۴۱۰هـ ق اين مرکز با عنوان مؤسسه نشر علوم امام صادق (ع) به همت ايشان بنیان نهاده شد و خود با همکاري عده اي از دوستان فاضل و پژوهشگران حوزوي به تاليف کتابي در پيرامون امام صادق (ع) مبادرت کردند که حاصل اين تلاش تدوين « موسوعة الامام الصادق »

است. ایشان تا واپسین روزهای حیات دنیوی با حضور در مؤسسه مزبور فعالیت‌های تحقیقاتی مربوط به دایرة المعارف مورد اشاره را انجام می‌داد. این اثر که تا کنون هشت جلد از آن به چاپ رسیده، نزدیک به سی جلد خواهد شد که شرح زندگانی امام صادق (ع) از جنبه های گوناگون، احادیث ایشان، تألیفات شاگردان آن پیشوای پاک شرقت که املای خود حضرت است و دهها موضوع دیگر را در بر دارد^(۱۶).

صفحه ۱۸۱

کوشش در مراکش

زمانی بصیرت و آگاهی، ایشان را بر آن داشت تا برای رسانیدن پیام رهایی بخش تشیع به گوش جهانیان بار سفر بسته، مهاجرت کند و در کشورهای دیگر پایگاهی برای مبارزه اعتقادی تشکیل دهد و کینه ها را از دلها نسبت به خاندان پیامبر کاسته، بذریع عطف در دلها بکارد.

هدف از این سفرها رساندن پیام دو حقیقت جدانشدنی از یکدیگر یعنی قرآن و عترت، به گوشهای شنوا بود.

در مراکش نیز اکثر مردم سنی مذهب هستند^(۱۷). متأسفانه گروهی سادات علوی زندگی می‌کنند که به تشیع به دیده نفرت می‌نگرند. در این کشور اسلامی به استناد خبری جعلی مبنی بر اینکه کشتی حضرت نوح در روز عاشورا بر ساحل نشست و توبه حضرت آدم در چنین روزی پذیرفته شد، به جای مراسم سوگواری برای حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) برنامه های جشن و سرور بر پا می‌گردید و صدها مجلس ازدواج به راه انداخته و شیرینی پخش می‌کردند و در واقع این روز خونین عید رسمی و زمان شادی آنان گشته بود.

آیه الله قزوینی چون از بر پایی چنین رسوم ناگوار آگاه شد، به منظور تحقیق و چاره جویی راهی مراکش گردید و ضمن دیدار با دانشمندان علوم دینی، سردبیران و صاحبان امتیاز نشریات و متفکران و اهالی شهرهای گوناگون با مطرح کردن این مسأله خواستار

صفحه ۱۸۲

ریشه کنی این سنت مذموم شد، و سرانجام پس از چهار ماه تلاشهای علمی و تبلیغات اصولی و تالیف و انتشار کتابی درباره حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) مجالس جشن و سرور در عاشورای حسینی تبدیل به مجلس عزاء و ماتم گردید و سنت پوشیده ای که امویان مؤسس آن بودند ریشه کن شد^(۱۸). بعلاوه چندین کتابخانه با کتب شیعی تأسیس شد تا اهل سنت به منابع دسترس داشته باشند. همچنین در این سفر گروهی به مذهب تشیع مشرف شدند. تمامی این فعالیتها با امکانات شخصی آیه الله قزوینی صورت می گرفت و ایشان اظهار می داشت اگر بودجه کافی و تجهیزات لازم در اختیار داشتم چنان در مراکش فعالیت می کردم که فریاد فرحزا و ملکوتی « اشهد ان علیاً ولی الله » در اذان از رادیو مراکش پخش شود. این سفر به قدری مردم آن سامان را شیفته بیانات شیوا و اخلاق پرجاذبه اش کرده بود که با وجود اکثریت سنی، آنان اجازه نمی دادند آیه الله قزوینی به وطن مألوف باز * گردد و اصرار داشتند برای همیشه در آنجا بماند^(۱۹).

مسافرت به استرالیا *

حدود سال ۱۳۹۶ ه ق گروهی از شیعیان استرالیا نامه مبسوطی خطاب به آیه الله قزوینی نوشتند که در آن آمده بود: وضع شیعیان

صفحه ۱۸۳

استرالیا بسیار اسف انگیز است و تشکیلاتی جز دو انجمن ضعیف در آنجا وجود ندارد. از مسجد و حسینیه خبری نیست و در گذشتگان شیعه یا سوزانیده می شوند یا بر طبق سنتا مسیحیان در گورستان مسیحی ها دفن می گردند و آنان در برابر امواج کفر و تفکرات ضد مذهبی بی دفاعند .

آیه الله قزوینی در سال ۱۳۹۸ از آن کشور دیدار کرد و در شهر « سیدنی » (مرکز شیعیان) برای آموزش علوم اسلامی مدرسه، مسجد و یک باب غسالخانه تاسیس کرد و در شهر کانبرا (مرکز حکومت استرالیا) تشکیلاتی تحت عنوان « الجمعية الإسلامية الجعفرية » برای تشکل شیعیان و انسجام بخشیدن به فعالیتهای تبلیغی آنان تأسیس کرد .

همچنین طی بیش از یک ماه سخنرانی برای طبقات مختلف و گفتگو با آنان حجاب را که * تقریباً در میان زنان شیعه مفهومی نداشت، رواج داد و بسیاری از جوانان که در رفتار و اعمال خویش ارزشهای دینی و باورهای مذهبی را ترک کرده بودند به مذهب خویش باز گشته، انجام شعائر دینی و برنامه های مذهبی را مشی خویش قرار دادند (۲۰).

آیه الله قزوینی برای پیگیری برنامه های شیعیان استرالیا و تبلیغ و ارشاد در این منطقه چهار مرتبه به کشور مزبور مسافرت نمود (۲۱).

صفحه ۱۸۴

همچنین ایشان از کشورهای مصر، اندونزی، تایلند، ژاپن، پاکستان و هند دیدار داشته و هر کدام از این سفرها برکات و آثار مفیدی به دنبال داشته است . دانشمند پر تلاش

عالم ربانی و خطیب توانا آیه الله قزوینی عمر پر برکت خود را در راه احیای فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت (ع) صرف نمود .

ذکرالله احمدي که کتاب « الاسلام و التعاليم التربويه » آية الله قزويني را به زبان فارسي برگردانيده، در معرفي ايشان مي نويسد: «زهد و تقوا و ملکات نفساني ايشان زبانزد مردم کربلاست. مردی متين و با استقامت و هدف دار است. درد دين دارد و از مفاسد اجتماع و ضعف مسلمانان رنج مي برد»^(۲۲) ...

وي چون احساس کرد دشمنان اسلام دست به تبليغات مسموم زده و کتابهاي منحرف کننده اي که با ايمان و عقیده مردم نسبت به مبدأ و معاد سازش ندارد، در دسترس مردم قرار داده اند کوشيد تا مناسب شرايط و مقتضيات جامعه و خصوصا جوانان، مطالبي در مباحث گوناگون اسلامي به رشته تحرير در آورد و با اسلحه قلم اين تهاجم فرهنگي و يورش مخرب اندیشه ها را خشي کند. در آثار وي بخوبي پژوهشهاي عميق، نکات علمي و مضامين استوار و برخواسته از قرآن و عترت ديده مي شود. تلاش وي بر اين واقعيت بنياد نهاده

صفحه ۱۸۵

شده که قوانين و احکام اسلام به عبادات منحصر نمي شود و تعليمات اسلامي و دستورهاي پيامبر و خاندانش تمام جوانب زندگي فرد و اجتماع را در بر مي گيرد .

در کتاب « اسلام و تعليمات تربيتي » اندیشه هاي روان شناسي و نکات تربيتي جالبي ديده مي شود که با قلمي روان و سبكي جذاب به نگارش در آمده است .

... «وضع روحي و اخلاقي و کيفيت رفتار و گفتار مردم هر عصري محصول بذرهاي تربيتي است که در ايام کودکي در مغز آنان افشاندۀ شده است، بخوبي و بدی، پاكي و پاکيزگي، قوت و ضعف ملت فردا را بايد در روش تربيتي کودکان امروز جستجو کرد... اولين شرط تربيت صحيح و پرورش شخصيت و استقلال کودک آن است که پدران و مادران فرزندان خود را بشناسند و ارزش حقيقي آنها را از نظر دور ندارند»^(۲۳) ...

مبارزات مستمر

آیه الله قزوینی به موازات پژوهشهای کلامی و اعتقادی و پاسبانی از حریم ولایت و نیز تبلیغ، از راه تحقیق و تألیف و آگاه ساختن مسلمانان برخی کشورها برای ستیز با استبداد حاکم بر عراق مبارزات گسترده ای را آغاز کرد زیرا به عقیده وی رژیم حاکم از دیر باز سعی در محو هویت مذهبی شهرهای مقدس عراق از جمله کربلا داشت و برای

صفحه ۱۸۶

رسیدن به این مقصد شوم از ترفندهای گوناگون استفاده می کرد .

آن دانشمند دلسوز از طریق سخنرانی های افشاگرانه رژیم حاکم بر عراق را افشا می نمود و طی بیاناتی مردم را از تلاشهای مذبوحانه آنان آگاه می ساخت. نظر به تأثیر عمیق سخنان وی در روحیه مردم، دستگاه حکومتی معمولاً عکس العملهای شدیدی از خود بروز می داد و یک بار در حال سخنرانی بر فراز منبر، او را دستگیر نمودند .

از شعبان سال ۱۳۹۱ هـ ق رهبری مذهبی شهر مقدس کربلا به وی رسید و رژیم بعثی آن را امری ناخوشایند تلقی می کرد، زیرا سابقه مبارزاتی ایشان را می دانستند .

مدتی بعد نیروهای امنیتی نامبرده را دستگیر کردند و به زندان الشعبة الخامسة واقع در بغداد منتقل کردند و ایشان را به مدت ۱۱۴ روز تحت شکنجه های وحشیانه قرار دادند .

از آنجا که فعالیتهای سیاسی - اجتماعی ایشان و دیگر علمای کربلا مانع بسیار بزرگی بر سر راه نقشه های پلید رژیم سفاک عراق در این شهر بود، در سال ۱۳۹۳ هـ ق تنی چند از شخصیتهای مذهبی کربلا را دستگیر کردند اما وقتی به منزل آیه الله قزوینی آمدند تا وی را به زندان ببرند، ایشان از دسترس آنان دور شده و فرصت چنین حرکتی را از عوامل رژیم گرفته بود. مدت هیجده ماه مأموران در تلاش بودند که آیه الله قزوینی را دستگیر کنند و نیز برای مدت نسبتاً طولانی منزل ایشان در محاصره شدید بود و تمامی رفت و آمدها به شدت کنترل می شد .

پس از هیجده ماه، به دلیل شرایط سخت و محدودیتهایی که برای ایشان و خانواده اش ایجاد کرده بودند، در ماه شعبان سال ۱۳۹۴ ه ق به همراه اهل خانه به طور شگفت انگیزی عراق را ترك گفته، وارد کشور کویت گردیدند .

چند سال پس از آن، رژیم بعثی دستور مصادره اموال ایشان را صادر کرد و ضمن تصاحب منزل مسکونی و کلیه لوازم آن، تمامی کتب چاپی و مخلوط متعلق به کتابخانه غنی ایشان را نابود ساختند .

در این کتابخانه آثار خطی منحصر به فردی نظیر مجلدات سوم تا آخر کتاب کم نظیر « الامامة الكبرى و الخلافة العظمی » تألیف آية الله سید محمد حسن قزوینی قدس سره نگاهداری می شد و به همین دلیل آية الله قزوینی تا واپسین روزهای حیات از نابود شدن تألیفات خطی و سایر مخطوطات ارزنده موجود در کتابخانه خویش به شدت اظهار ناراحتی می کرد و بر این حادثه ناگوار تأسف می خورد .

آری او به موجب حقگویی و ایستادگی در برابر خودکامگیها بارها طعم تلخ زندان، تبعید و شکنجه را چشید و تا مرز شهادت پیش رفت و آخرین بار از سوی رژیم عراق به اعدام محکوم گردید و پس از ماهها زندگی مخفی به یاری خداوند از عراق خارج شد و از آنجا به کویت و سپس به لبنان و ایران آمد ^(۲۴). ایشان در سال ۱۳۹۳ ق به کویت وارد شد و مدت هفت سال به خدمات تبلیغی و فعالیتهای تحقیقی مبادرت

خطیب شهید و مجاهد بصیر آیه الله سید محمد کاظم قزوینی (ره) علاوه بر فداکاری در راه احیای میراث تشیع و صیانت از فرهنگ قرآن و عترت از راه زبان و نطق در راه ترویج ارزشهای مذهبی و امر به معروف و نهی از منکر آثار قلمی شیوا و شیرینی از خود به یادگار نهاد. در ذیل معرفی آنها از نظر علاقه مندان می گذرد:

- ۱ سیرة الرسول الاعظم (ص) بخشی از این کتاب که زندگانی حضرت رسول اکرم (ص) در دوران قبل از بعثت را در بر می گیرد، از سوی هیأت قرآن کریم کربلای معلی به زیور طبع آراسته شد بقیه کتاب در ماجرای مصیبت بار حمله به منزل مؤلف در شهر کربلا از بین رفت.

- ۲ الامام علي (ع) من المهد الي اللحد؛ اصل این کتاب سی سخنرانی در تاریخ زندگانی امیرالمؤمنین (ع) است که در شهر کربلا در ماه رمضان ایراد شده در نوار ضبط گردید و بنا به تقاضای مسلمانان علاقه مند، خصوصاً مراکشی ها، به صورت کتاب در آمد. کتاب تحت عنوان «علي (ع) از ولادت تا شهادت» به قلم علی کاظمی به فارسی برگردانیده شد در رمضان سال ۱۳۹۷ ه ق در قم به چاپ رسیده است.

- ۳ فاطمة الزهراء (س) من المهد الي اللحد؛ در سال ۱۳۲۹ ه ق

صفحه ۱۸۹

نیروهای امنیتی بعث عراق، آیه الله قزوینی را دستگیر کرده، در جایی - حوالی بغداد - برده، قصد تیرباران آن سید والا تبار را داشته اند. ایشان از آن خفاشان شب پرست خواسته اند تا فرصت تحریر وصیتنامه ای را به وی بدهند ولی مورد قبول واقع نمی شود. آنگاه نذر کردند که اگر خداوند ایشان را نجات دهد، کتابی پیرامون حضرت فاطمه زهرا (س) بنویسند. بعد از این نذر تیرباران صورت نگرفت و ایشان به زندان «الشعبة الخامسة» در بغداد برده شدند و بعد از چهار ماه آزاد گردیدند. وی در مقدمه کتاب به همین امر اشاره کرده است.

کتاب حاضر در ایران از سوی دو نفر ترجمه و چاپ شده است. دکتر حسین فریدونی در

سال ۱۳۶۲هـ ش و حجة الاسلام والمسلمین علی کرمی به سال ۱۳۷۵

- ۴ الامام الحسین (ع) من المهد الي اللحد؛ این کتاب به صورت مخطوط است و بخشهایی از آن مفقود گردیده است .

- ۵ فاجعة الطف او مقتل الحسین (ع) این مقتل مختصر اما پر محتوا را آیه الله قزوینی در روز عاشورای سال ۱۳۸۴هـ ش در کربلا و در جوار مرقد مقدس پیشوای شهیدان حضرت امام حسین (ع) در جامع حسینی برای هزاران شیفته آن حضرت با شور و اخلاص خوانده و پس از تنقیح و اصلاح بدین صورت در آمده و به طور مکرر چاپ شده است. کتاب حاضر با ترجمه فارسی «عاشورا غمبارترین روز تاریخ» و ملحقات کرمی در قم به سال ۱۳۷۴هـ ش توسط نشر مرتضی به زیور

صفحه ۱۹۰

طبع آراسته گردید .

- ۶ زینب الكبرى (س) من المهد الي اللحد؛

- ۷ موسوعة الامام الصادق (حدود سی جلد) ؛

- ۸ الام الجواد (ع) من المهد الي اللحد؛

- ۹ الام الهادي (ع) من المهد الي اللحد؛

- ۱۰ الامام العسكري (ع) من المهد الي اللحد؛

- ۱۱ الامام المهدي (عج) من المهد الي الظهور؛^(۲۶)

- ۱۲ شرح نهج البلاغه؛ سه جلد اول آن به چاپ رسیده و بقیه طی مصادره منزل آن سید

دانشمند نابود شده است .

- ۱۱۳ الاسلام الصحيح يتجلى في مذهب اهل البيت؛ این اثر در مورد اثبات خلافت بلا فصل حضرت علي (ع) و حقانیت مذهب تشیع به نگارش در آمده است. تنها نسخه خطی در ماجرای تصاحب اموال آن فرزانه وارسته از بین رفت .
- ۱۱۴ الاسلام و تعالیم التربویة؛ که به زبان فارسی از سوي ذکرا لله احمدی به فارسی ترجمه شده و توسط انتشارات قرآن در قم چاپ شده است .
- ۱۱۵ الفقه الواضح؛ حاوی شرح استدلالی بر «شرائع الاسلام» است که در هنگام مصادره منزل مسکونی ایشان تنها نسخه خطی آن از بین

صفحه ۱۹۱

رفته است .

- ۱۱۶ روابط زناشویی یا ازدواج در اسلام؛ ترجمه ذکرا لله احمدی و نشر بیان قم .
به سوي سراي جاويد
- در اواخر سال ۱۴۱۲ه ق آية الله سيد محمد کاظم قزوینی احساس مي کند که قسمتهایی از بدنش بي حس شده و متعاقب آن در نطق و سخن گفتن دچار اشکال مي گردد. زبان سنگين مي شود و پس از چندي تحريك ارادي اين حس به طور کامل از بين مي رود و از اين زمان اشکالاتي در تغذيه ایشان پديد مي آيد .
- پزشکان ایرانی و اطباي خارجي از شناخت اين بيماري عاجز مي مانند و داروهایی که در استرالیا براي وي تجویز مي شود، تأثیر چندان محسوسي در بهبود ایشان نمي کند. با پیشرفت افزونتر بيماري در بلعیدن غذا دچار اشکال جدي و دست راست نیمه فلج و قدرت تکلم دشوار مي گردد، و بعد از گذشت هیجده ماه وي براي معالجه به کویت و آلمان سفر کرده، تحت درمان قرار مي گیرد. در آلمان با بافت برداري از ماهیچه پای راست، وجود ایرادي در شبکه اعصاب محرك و خشك شدن يك گروه شیکه اي از آن مشخص مي شود.

سیستم اعصاب محرك محیطی ایراد جدی داشت و دورگ مهم در منطقه میانی مغز مسدود شده بود .

به رغم تلاش پزشکان و مصرف داروهایی که برای وی تجویز

صفحه ۱۹۲

گردیده بود، بیماری وی رو به بهبودی نمی رفت تا آنکه بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۶ جمادی الاول سال ۱۴۱۵ حالشان وخیم می گردد و وی از درد شدید و تنگی نفس رنج می برد و در آن شب هر یک از نمازهای مغرب و عشا را با یک تسبیح به جای می آورد و به دلیل شرایط بحرانی ایشان را به بیمارستانی در تهران می برند و با بهبودی نسبی به قم باز می گردد ولی دیگر بار در ۹ جمادی الثانی ۱۴۱۵ در بیمارستان آیه الله گلپایگانی تحت مراقبتهای ویژه قرار می گیرد، سرانجام پس از ۹۰ ساعت بیهوشی در ساعت ۳۰/۱ بعد از ظهر پنجشنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۱۵ (۱۴۱۵۱۳۷۳ ه ش) قلب این انسان شیفته اهل بیت از تپش باز می ایستد و زندگی جاودانه را آغاز می کند .

بعد از مراسم تغسیل، تکفین و تشیع با شکوه و عبور دادن جنازه از صحن حضرت معصومه (س) و اقامه نماز میت از سوی حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد ابراهیم قزوینی، پیکر آن انسان پاک نهاد در مقبره ای داخل حسینیه کربلایی ها در مکانی واقع در زیر منبر به خاک سپرده می شود^(۲۷) .

پی نوشت ها :

- ۱ البته آل رفیعی که از ذریه میرزا محمد زمان طالقانی قزوینی هستند و آیه الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی بدان ها منسوب است در تیره سادات قزوینی موسوی قرار نمی گیرند (نک: منظومه معرفت از نگارنده: ص ۵۶) .

- ۱۷ - سرزمین اسلام، از نگارنده، ص ۳۶۷ .
- ۱۸ - مقدمه دکتر حسین فریدونی بر کتاب فاطمه زهرا (س)، قزوینی، ص ۱۵ .
- ۱۹ - از مقدمه ذکراالله احمدی بر کتاب اسلام و تعلیمات تربیتی، سید محمد کاظمی .
- قزوینی، ص ۱۱ - ۱۰ .
- ۲۰ - صفحات ۱۶ - ۱۶ .
- ۲۱ - گنجینه دانشمندان، همان مجلد، همان صفحه .
- ۲۲ - اسلام و تعلیمات تربیتی، مقدمه مترجم، ص ۱۰ - ۹ ضمیمه این مقدمه در هنگام حیات
- آیه الله قزوینی نویسته شده است .
- ۲۳ - اسلام و تعلیمات تربیتی، ص ۴۱ و ۴۳ .
- ۲۴ - عاشورا غمبارترین روز تاریخ، مقدمه دکتر علی رضا کرمی، ص ۴۵ اسلام و تعلیمات تربیتی، مقدمه مترجم، ص ۱۰ مقدمه دکتر فریدونی بر کتاب فاطمه (س) از ولادت تا شهادت
- مرحوم قزوینی، ص ۱۵ صفحاتی از زندگی آیه الله قزوینی، ص ۲۶ - ۲۴ .
- ۲۵ - اسلام و تعلیمات تربیتی، ص ۴۱ و ۴۳ .
- ۲۶ - چهار کتاب اخیر به دستور حضرت امام رضا (ع) و طی رؤیایی راستین تألیف شده است،
- ایشان در شب جمعه برابر ۱۷ ربیع ۱۴۰۲ هجری فردی را در عالم رؤیا دیدند که به ایشان گفت .
- امام رضا (ع) می فرمایند، چهار امام بعد از مرا هم بنویس، مرحوم قزوینی ماجرای این رؤیا را در مقدمه کتاب امام جواد از ولادت تا شهادت آورده است .
- ۲۷ - صفحاتی از زندگی، ص ۲۹ - ۲۸ و نیز اطلاعیه های بازماندگان آن فقید سعید .

حاج شیخ مرتضی حائری یزدی

شیدای عترت

احمد محیطی اردکانی

حاج آقا مرتضی فرزند ارشد آیه الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی، روز چهاردهم ذی حجه سال ۱۳۳۴ه.ق در اراک به دنیا آمد^(۱).

تباری پاک

پدر بزرگوارش مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم در سال ۱۲۸۰ه.ق در مهرجرد میبد دیده به جهان گشود و پدر بزرگش مرحوم محمد جعفر مهرجردی، فردی صالح، پرهیزکار و متقی بود، مادرش از اهالی اردکان می باشد که پس از ازدواج با آقای محمد جعفر به مهرجرد که در دو فرسخی اردکان می باشد نقل مکان کرد.

آیه الله مؤسس با ارشاد آقای میر ابو جعفر، نزد ملا علی اصغر مجدالعلماء اردکانی صاحب کتاب «هدیه المهدویه» در اردکان به تحصیل پرداخت. سپس به یزد و از آنجا به کربلا و سامرا و نجف رفت

و به درجات عالی علمی دست یافت. تا اینکه در سال ۱۳۳۳ یا ۱۳۳۲ه.ق به اراک^(۲) مهاجرت نموده و بیش از هشت سال در آن شهر عهده دار حوزه علمیه و تربیت طلاب و فضلا گردید. و بالاخره در ماه رجب ۱۳۴۰ همراه با آیه الله سید محمد تقی خوانساری (متوفای ۱۳۷۱ه.ق) و آیه الله حاج میرزا مهدی بروجردی (متوفی ۱۳۸۸ه.ق) و شیخ احمد

مهرجردی یزدی و فرزندش آقا مرتضی که در این ایام بیش از شش سال نداشت به قم آمدند و با اصرار علما و اهالی قم در این شهر مقیم گردید^(۳).

اولین اقدام مهم مرحوم آیه الله حائری در این سال تأسیس حوزه علمیه قم در شرایط دشوار آن روز، که تقریباً با کودتای انگلیسی رضاخان مصادف بود، می باشد. رضاخان بعد از تحکیم پایه های قدرت خود، تلاش گسترده ای برای انحلال حوزه نوپای قم داشت، و اگر لطف خدا و عنایت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و همت و پشتکار و مقاومت مرحوم حاج شیخ عبدالکریم نبود بی تردید اثری از آن زحمات باقی نمی ماند^(۴). آن فقیه بزرگوار سرانجام در شب ۱۷ ذیقعده سال ۱۳۵۵ مطابق ۱۳۱۵ ه. ش در سن ۸۳ سالگی به دیار باقی شتافت، و پیکر مطهرش، در رواق بالایی سر حضرت معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد.

صفحه ۱۹۷

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد^(۵).

ویژگیهای اخلاقی، فعالیت های اجتماعی، استادان و شاگردان و آثار باقیمانده و دیگر خصوصیات آن عالم وارسته در این مختصر نمی گنجد، تنها به سخن بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره) در این باره بسنده می کنیم: «من خود در علمای زمان خود کسانی را دیدم که ریاست تامه یک مملکت، بلکه قطر شیعه را داشتند و سیره آنها تالی تلو سیره رسول اکرم (ص) بود. جناب استاد معظم و فقیه مکرم حاج شیخ عبدالکریم یزدی حائری که از هزار و سیصد و چهل و پنجاه و پنج ریاست تامه و مرجعیت کامله قطر شیعه را داشت، همه دیدیم که چه سیره ای داشته، با نوکر و خادم خود هم سفره بود و هم غذا بود. روی زمین می نشست و با اصاغر طلاب مزاح های عجیب و غریب می فرمود، اخیراً که کسالت داشت بعد از مغرب بدون ردا یک رشته مختصری دور

سرش پیچیده بود و گیوه به پا کرده، در کوچه قدم می زد، وقعش در قلوب بیشتر می شد و به مقام او از این کارها لطمه ای وارد نمی آورد.»

امام راحل (ره) در جای دیگری نیز فرمودند:
«آیا ما مفت خوریم که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم ما وقتی که از دنیا می رود همان شب آقازاده هایش شام نداشتند؟»^(۶)!

صفحه ۱۹۸

استادان

حاج آقا مرتضی در خاندان علم و فضیلت و تقوا رشد نمود و در تحصیل علم و دانش بسیار کوشا بود، بعد از اتمام دروس مقدماتی، فقه و اصول و فلسفه را نزد استادان شایسته و آیات عظام فرا گرفت.

بعضی از اساتادان وی عبارتند از:

- آیه الله سید محمدرضا گلپایگانی:

وی می فرمود: پدر بزرگوارشان مرحوم آیه الله مؤسس (ره) به من فرمود: فرائد الاصول را برای ایشان درس بگو، و به او اجازه بده که حرف بزند و مطلبی که به ذهنش می آید بیان کند. کاملاً معلوم است که مرحوم پدرشان بسیار عنایت داشتند که فقاها و اجتهد فرزندان شکوفا شود و به مراتب عالی علمی نایل گردد^(۷).

- آیه الله سید محمدتقی خوانساری (متوفای ۱۳۷۱ ه. ق)

- آیه الله سید محمد محقق داماد (متوفای ۱۳۸۸ ه. ق) داماد حاج شیخ عبدالکریم

حائری.

- پدرشان آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (متوفای ۱۳۵۵ ه. ق)

۵- آية الله سيد محمد حجت كوه كمره اي (متوفاي ۱۳۷۲هـ.ق) پدر خانم حاج آقا مرتضی حائري .

۶- آية الله حاج سيد حسين بروجردي (متوفاي ۱۳۸۰هـ.ق)

صفحه ۱۹۹

۷- آية الله امام خميني (ره) بنيانگذار جمهوري اسلامي ايران (متوفاي ۱۳۶۸هـ.ش^(۸)).

تدریس

آية الله حاج آقا مرتضی، بیش از چهل سال در حوزه علمیه قم به تدریس سطح و خارج فقه و اصول پرداخت و شاگردان ممتازي تربیت و تحویل جامعه داد .
وي در نحوه تدریس کمتر به نقل اقوال دیگر علما مي پرداخت، ولي در تقسیم بندي مطالب و تبیین ادله آن و انتخاب نظر خویش بسیار دقیق و ممتاز بود^(۹) .

بعضي از شاگردان

۱- آية الله حاج سيد عباس خاتم يزدي

۲- آية الله حاج شيخ حسين شب زنده دار

۳- آية الله شهيد محمد مهدي رباني املشي

۴- آية الله محمد محمدي ري شهري

۵- حجة الاسلام حاج شيخ محمد حسين امراللهی، که فعلا مسؤول تحقیق و تنظیم و نشر آثار استاد مي باشد .

صفحه ۲۰۰

۶- حجة الاسلام حاج ميرزا محمد پيشوايي ترك آبادي^(۱۰) .

۷- حجة الاسلام حاج شيخ محمد حسين بهجتي، « شفق » امام جمعه اردکان

۸- حجة الاسلام حاج سيد علي آقا محقق داماد، خواهرزاده حاج آقا مرتضی حائري

۹- حجة الاسلام محمد حسين اشعري

۱۰- حجة الاسلام سيد حسن آل طه

۱۱- حجة الاسلام سيد صادق حسيني مآب يزدي^(۱۱).

ویژگیهای اخلاقی

مرحوم حاج آقا مرتضی فرزندی برومند و خلف صالح مرحوم آية الله مؤسس (ره) می باشد که زهد و تقوا، ساده زیستی، دوری از مظاهر فریبنده دنیا، نادیده گرفتن تشریفات ظاهری، پرهیز از خلاف گویی و تملق و دیگر صفات نیکو را از آن پدر بزرگوار به ارث برده بود. با آنکه فقیهی ماهر و مجتهد و استادی ژرف اندیش بود، رساله عملیه نوشت و هیچ گاه دنبال مرجعیت نبود، حتی برای درس گفتن بر منبر می نشست با آنکه جمعیت شاگردان وی کم نبود، باز پای منبر روی زمین می نشست و درس می گفت^(۱۲).

صفحه ۲۰۱

عدالت

به مرحوم آية الله مؤسس گفتند، شما پولهای سهم امام (ره) و سهم سادات را در منزل نگهداری نکنید ممکن است اتفاقی بیفتد.

ایشان فرمودند: _____

«ما کسی در خانه نداریم، جز آقا مرتضی که عادل است و مهدی که پسر خوبی است»^(۱۳).

پرهیز از دروغ

مردی که خدمتکار آقا مرتضی بود گفت: يك روز آقای آمد در منزل و از آقا مرتضی کمکی می خواست که در توان آقا نبود. کسی از اهل خانه به من گفت: برو و بگو آقا در منزل

نیست. ایشان بر آشفت و گفت یعنی دروغ بگوییم! هرگز! سپس خودشان آمدند و با احترام عذر شخص را خواستند.

هرگاه می خواست کسی را تأیید کند می گفت: تا به حال از او دروغ نشنیدم^(۱۴).

احترام به شخصیت دیگران

بارها می فرمود: من به خانواده سفارش می کنم که خادم خانه را با تجلیل نام ببر و خود هرگاه می خواست خادم را که نامش رحمت الله بود، صدا زند، می فرمود: آقا مشهدی رحمت الله.

صفحه ۲۰۲

سپس می فرمود: هر کس پیش خودش شخصیتی دارد و شخصیت اشخاص محترم است^(۱۵).

زهد و پرهیز از اسراف

وی تا آخر عمر در خانه پدریش که با خشت و گل ساخته شده بود زندگی کرد، بدون اینکه آن را نوسازی کند یا تغییر دهد.

یک وقت سقف یکی از ساختمانهای منزل مشرف به خراب شدن بود، معماری حاضر شد با خرج خودش بدون اینکه از سهم مبارك امام (ع) باشد آن را بازسازی کند. اول حاج آقا مرتضی پذیرفت، اما چند روز بعد پشیمان شد و فرمود: هنوز ساختمان محکم است و برای عمر ما کافی است.

دیگری خواست همه خانه را خراب کند و در چند طبقه بازسازی کند تا جوابگوی حوائج و رفت و آمدها را بدهد، اما ایشان نپذیرفتند.

وی آن قدر مراعات وجوه و اموال عمومی را می کرد که پاکت نامه ها و تلگراف ها که برای ایشان می آمد، نگه می داشتند و درس خارج فقه و اصول را روی آن می نوشتند^(۱۶).

خدمات اجتماعي و کمک به درماندگان
اهتمام به رفع گرفتاري هاي مردم درمانده، برطرف کردن مشکلات زندگي آنها از ديگر
خصوصيات بارز اين مرد بزرگ بود.

درب خانه اش به روي مردم باز بود، حاجتمندان به راحتی مي توانستند نيازهاي خود را با
وي در ميان بگذارند و مشکلات خود را به وسيله او حل کنند.

تعدادي از بازاریان محترم و تجار و بازرگانان متدين و کسبه علاقمند به امور خير، به
سرپرستي حاج آقا مرتضي حائري، براي رفع نيازمنديهاي يتيمان و درماندگان جلساتي
داشتند و يتيمان زياد و خانواده هاي بي سرپرست بسياري زير پوشش داشتند و به شکل
آبرومندانه به وضع آنها رسيدگي مي کردند و به زندگي بي رونق آنان سامان مي بخشيدند.
نان، غذا، لباس و گاهي جهيزيه دختران بي سرپرست و مخارج ازدواج و عروسي آنها را با
احترام تأمین مي کردند^(۱۷).

تلاوت قرآن

اين فقيه بزرگوار، بسيار قرآن تلاوت مي کرد به گونه اي که مي توان گفت بيشتر آيات آن
را حفظ شده بود. بدین سبب گاهي سه جزء قرآن را در يك ساعت تلاوت مي کرد و در سه
روز تمام قرآن را ختم مي نمود.

بارها مي فرمود: وقتي در آيات قرآني تأمل و دقت مي کنم، هر آيه اي از آن به اندازه اي
جامعيت دارد که به نظر معجزه آسا است و هر آيه اي عصاي موسي است.

در حاشیه قرآنی که تلاوت می نمود نظریات تفسیری خودشان را نیز نوشته اند که هنوز مخطوط باقی است^(۱۸).

عشق به علی بن موسی الرضا(ع)

وی علاقه خاصی به اهل بیت (ع) بویژه حضرت امام رضا (ع) داشت و به گونه ای که اگر در درس هم نام علی بن موسی الرضا (ع) را می شنید اشک از دیدگانش سرازیر می گشت. بدین جهت بیشتر تعطیلات حوزه در مشهد مقدس در جوار آن امام همام (ع) بسر می برد. بنابر اظهار خودشان بیش از شصت سفر به خراسان رفتند و هر بار مدتها در آنجا بودند و عنایت خاصی به زیارت امام رضا (ع) داشتند. به سادات و ذریه پیامبر اکرم (ص) علاقه خاصی داشتند و برای آنها احترام ویژه ای قائل بودند^(۱۹).

زیارت حضرت معصومه (س)

صبح پنج شنبه ۱۶ صفر ۱۴۰۵ داخل حرم مطهر حضرت معصومه (س) نزدیک درب ایوان طلا، به فاصله حدود دو متری ضریح

صفحه ۲۰۵

مطهر ایستاده، زیارت آن حضرت را تمام کرده بودم که آیه الله حاج آقا مرتضی حائری آمدند و در همان نزدیکی ایستاده مشغول زیارت شدند.

پس از اتمام زیارت، دو روحانی از شاگردان آن بزرگوار آمدند و راجع به مکان زیارت در این حرم و معنای این جمله که باید زیارت «عند رأسها» باشد سؤال کردند.

وی در جواب آن دو روحانی اینگونه فرمود: «عند رأسها» غیر از «فوق رأسها» است. و در اینجا که من ایستاده ام (نزدیک درب ایوان طلا) هم «عند رأسها» «صدق می کند و هم رو به قبله ایستاده ام.

سپس فرمودند: من در خواب، دیدم که حضرت ولی عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و دو نفر دیگر با هم در همین جا که من ایستاده ام مشغول زیارت خواندن بودند^(۲۰). ایشان اضافه فرمودند: افرادی که بالاسر حضرت رو به قبله می ایستند و زیارت می خوانند، در حقیقت پشت به رأس آن حضرت کرده اند. آیه الله حاج آقا مرتضی پس از اتمام جواب آمدند بالای سر آن حضرت و توقف کوتاهی کردند و بعد در گوشه ای از مسجد بالاسر مقداری نشستند و دعا خواندند. سپس نزد قبر پدر بزرگوارشان رفته مشغول تلاوت قرآن و دعا شدند.

صفحه ۲۰۶

مکاشفات و صفای باطن

آن عارف فقیه، دارای مقامات معنوی بالایی بودند، خوابهای صادق و مکاشفات عجیبی داشتند، بعضی از آنها را در یادداشت های خودشان ذکر کرده اند. یک نمونه آن چنین است که خود نگاشته اند: « در سفر دوم که به مشهد مقدس در خدمت صدیق محترم آقای حاج آقا مجتبی اراکی رفتم، ایشان حقیر را به خانه برد و نگذاشت با جناب آقای محمدی در مدرسه سلیمان خان زندگی کنم و در خانه ایشان خوابیدم. قبل از آن از حضرت ابی الحسن الرضا - علیه آلاف التحية و الثناء - حاجتی خواسته بودم. از خواب که بلند شدم دیدم به دیوار جواب آن به طریق اجمال که موکول به اراده حق متعال نموده بود، نوشته شده است پس از دیدن محو شد^(۲۱) ». »

ذوق شعری

حاج آقا مرتضی علاوه بر مقام بالایی علمی و فقهی، ذوق شعری نیز داشتند، نمونه ای از اشعارش که متضمن فضیلت زیارت امام هشتم (ع) و التجاء سوزان وی به دربار آن امام

همان مي باشد و در جمادي الثاني ۱۳۸۹ در مشهد مقدس سروده اند و در حرم مطهر قرائت گردیده است چنین است:

آفتاب آسمان علم و دين در خصال^(۲۲) آمد که نور هشتمين

صفحه ۲۰۷

آنکه راز علم الاسماء در اوست	لابس خلعت ز خلوتگاه دوست
جانشين ذات رب العالمين	مظهر اسماء خلاق مبین
ترك کوي خود کند در کوي من	گفت هر کس کو بيايد سوي من
وا رهانم زائرم را از بلا	من به دیدارش روم دیگر سرا
من سه بار او را بیابم در محن	او اگر يك بار آید نزد من
که گهي از میسره گه میمنه	اندر آن هنگامه پر هیمنه
سوي صاحب نامه ها پُران شود	نامه هاي بندگان از خوب و بد
از صراط و رفتن از ظلمت به نور	واندر آن معبر که مي باید عبور
گاه سنجش غیرگاه بخشش است	واندر آن موقف که وقت سنجش است
که نباشد عفو و بخشش در نظر	اندر این هنگامه هاي پرخطر
از گران سرمایه موفور خود	مي دهم سرمایه ها از نور خود
نامه ها چون بوستان رنگین شود	تا که میزان عمل سنگین شود
را سازم برایش شاهراه	با همان سرایه با اذن اله راه
اي که باشي بر رضاي حق رضا	اي عليّ عالي اي نور خدا
لطف ها باید بیایم دم بدم	من به دیدارت مکرر آمدم

هم به دنیا هم به عقبی بایدت	لطفهایی که تو را می شایدت
در پناه خود همی گیری مرا	با جمیع دوستان و اقربا
در دلم نور معارف افکنی	و از خرافات جهات دورم کنی
از خواهم ای ولی اتقیاء	ای مهین سبط امیرالوصیاء
وقت مردن کلبه ام روشن کنی	از قدومت گلخنم گلشن کنی

صفحه ۲۰۸

بلکه باشد از بهشت، اکبر، رضا^(۲۳) روی مهر تو بهشت است ای رضا

مبارزات

از خصوصیات آشکار آن عالم وارسته این بود که هیچ گاه در مبارزه با انحرافات و کجروی ها سستی نشان نمی داد و در مقام نهی از منکر و دفع بدعتها و خلافها شجاع بود. در زمان حکومت طاغوت، با قوانین ضد خدایی شاه معدوم به طور محسوس مخالفت می نمود و رسماً در صف مبارزان و مخالفان رژیم قرار داشت.

گاهی در مجلس عمومی، علیه نظام ستم شاهی سخنرانی می کرد^(۲۴). تا اینکه جریان انجمن های ایالتی و ولایتی پیش آمد؛ اولین جلسه مراجع بزرگ قم در رابطه با مقابله با همین قوانین باطل، در منزل ایشان تشکیل شد^(۲۵).

روزنامه های عصر تهران که تصویب نامه دولت قم بود و قیود تغییر یافته آن را منتشر ساختند، نزدیک غروب به قم رسید، و به دنبال آن طوفانی از خشم و ناراحتی در میان عموم طبقات خاصه جامعه روحانیت پدید آمد، آن روز بعد از نماز مغرب و عشاء تقریباً سه ساعت بعد از رسیدن جرائد به قم، در منزل آیه الله حائری چند تن از علما و آیات عظام قم، چون آیه الله خمینی (ره) و آیه الله گلپایگانی... با حضور

حاج آقا مرتضیٰ فرزند بزرگوار حاج شیخ عبدالکریم حائری، به طور فوق العاده جلسه ای تشکیل شد و تا پاسی از شب پیرامون تصویب نامه دولت و نحوه اقداماتی که می باید انجام گیرد به مذاکره پرداختند.

بعد از صدور اعلامیه مراجع بزرگ قم، تلگراف دیگری صادر شد که آقایان علما و آیات عظام مرحوم سید احمد زنجانی و محقق داماد و حاج شیخ هاشم آملی و حاج آقا مرتضیٰ حائری آن را امضاء کرده بودند و در روز ۱۷ مهر ماه ۱۳۴۱ که فقط یک شب از اعلام آن در جراید شهر تهران می گذشت مخابره گردید^(۲۶).

حاج آقا مرتضیٰ بعد از دستگیری امام خمینی (ره) نیز همراه علمای دیگر قم اعلامیه های مشترکی در تأیید نهضت آن قائد عظیم الشأن امضا نمود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد و در آن مجلس حضور یافت.

امام خمینی (ره) نیز برای این عالم بزرگوار احترام ویژه ای قائل بود و در پیامی وی را چنین _____ین س_____تود:

«این بزرگوار، علاوه بر مقام فقاہت و عدالت از صفای باطن به طور شایسته برخوردار بودند و از اوائل نهضت اسلامی ایران از اشخاص پیشقدم در این نهضت مقدس بودند. فجراہ اللہ عن الاسلام خیرا^(۲۷)». »

آثار باقیمانده:

کتابهای چاپ شده:

۱- ابتغاء الفضيلة في شرح الوسيلة، که محور بحثشان در این کتاب مکاسب محرمة از کتاب

وسيلة النجاة زعيم بزرگ مسلمين آسید ابوالحسن اصفهاني (ره) است و جلد اول آن به چاپ رسیده .

۲- رساله اي در نماز جمعه .

۳- کتاب الخمس، با تحقيق حجة الاسلام شيخ محمد حسين امراللهي .

۴- پرتوي از انوار آسماني، تحت عنوان « علوم قرآن » درباره اعجاز قرآن است .

۵- مباحثي در تفسير سوره حمد که در مجله کتابخانه مسجد اعظم به چاپ رسیده است .

کتابهاي چاپ نشده:

۱- رساله اي در نماز مسافر .

۲- رساله اي در طهارت .

۳- رساله اي در خلل صلاة .

۴- دوره کامل اصول در سه جلد .

۵- یادداشتهايي به خط خودشان در ۱۳۵ صفحه .

۶- مجموعه چند سخنراني در ایام فاطمیه^(۲۸) .

صفحه ۲۱۱

وفات

مرحوم آية الله حاج آقا مرتضي حائري پس از عمري تلاش و کوشش در راه احياي دين مبين اسلام و تربيت شاگرداني والامقام دچار کسالت قلبي شده و اين موجب گرديده بود گاهي در کار تدريسشان وقفه اي به وجود آيد. خصوصاً در ماههاي اخير عمرشان که با سختي تدريس مي فرمود، اما عنايت و توجه و اهميت درس براي ايشان به اندازه اي بود که با همان حال مريضي به خود اجازه نمي دادند که درس را تعطيل کنند .

بالاخره در شب ۲۴ جمادی الثاني ۱۴۰۶ مصادف با ۲۵ اسفند ۱۳۶۴ روح پاکش به ملکوت اعلي پیوست .

صبح روز بعد، جنازه آن زاهد عالم را از مدرسه روبروي منزلشان تشیع کردند و به صحن حرم مطهر حضرت معصومه (س) آوردند. آية الله حاج سيد محمدرضا گلپایگانی بر پیکر پاک آن مرحوم نماز خواندند و جنازه را به سوي مسجد بالاسر آن حضرت بردند و پایین پای پدر بزرگوارش به خاک سپردند .

امام خميني (ره) پیام تسلیتي براي حوزه هاي علميه و خانواده وي ارسال کردند که متن آن چنین است: _____

«رحلت اسف انگیز حضرت آية الله حاج آقا مرتضی حائري (رحمة الله عليه) موجب کمال تأثر و تأسف گردید. ایشان در علم و عمل، به حق، خلف بزرگوار مرحوم آية الله العظمي استاد معظم حضرت آقاي شيخ عبدالکریم رضوان الله تعالي عليه بودند و کفوي به شرفا و سعاده .

اینجانب از اوائل تأسیس حوزه علمیه پربرکت قم که به دست مبارک پدر

صفحه ۲۱۲

بزرگوارشان تأسیس شد و موجب آن همه برکات شد، آشنایی با ایشان داشته و پس از مدتی از نزدیک، معاشر و دوست صمیمی بودیم و در تمام مدت طولانی معاشرت جز خیر و سعی در انجام وظیفه علمیه و دینی از ایشان مشاهده ننمودم. این بزرگوار علاوه بر مقام فقاہت و عدالت از صفای باطن به طور شایسته برخوردار بودند و از اوائل نهضت اسلامی ایران از اشخاص پیشقدم در این نهضت مقدس بودند فجزاه الله عن الاسلام خیرا .

اینجانب به ملت محترم به ویژه اهالی وفادار قم و حضرات علمای اعلام مدرسین معظم حوزه علمیه قم تسلیت عرض می کنم و برای خاندان معظم ایشان و فامیل محترمشان

خصوصاً حضرت حجة الاسلام آقا حاج آقا مهدي حائري (اعزه الله) از خداوند تعالي طلب
صبر جميل و اجر جزيل مي نمايم .

اميد است عنايت حضرت بقيه الله (روعي و ارواح العالمين لمقصدنا الفداء) شامل حال
همه آنان و همه ملت مسلمان باشد و السلام علي عبادالله الصالحين ۱۵ . اسفند ۶۴ برابر با
۲۴ جمادي الثاني سال ۱۴۰۶ هجري قمری .

روح الله الموسوي الخميني .

در همين تاريخ پيام تسليتي را آية الله سيد محمدرضا گلپايگاني هم به همين مضامين
صادر گرديد و تسليت آن بزرگوار نيز ابلاغ شد^(۲۹) .

پي نوشت ها :

-
- ۱ کتاب الخمس، حاج شيخ مرتضي حائري، تحقيق حاج شيخ محمد حسين
امرالله _____، ج ۱ ص ۶ .
- ۲ در كتاب الخمس، آمده: وي در سال ۱۳۳۲ هـ ق به اراك رفتند .
- ۳ آية الله مؤسس مرحوم آقاي حاج شيخ عبدالكريم حائري قدس سره الشريف، علي
كريمي _____ .
- جهرم _____، ج اول، ص ۵۶ .
- ۴ مجله نور علم، شماره مسلسل ۱۱ ص ۱۰۹ .
- ۵ رك: ریحانة الادب، محمد علي مدرس، ج ۱ ص ۶۶ آينه دانشوران، سيد علي رضا ريحان
ي _____، زدي، .
- ۲۲ تاريخ اردكان، علي سـپـهري، ج ۱ ص ۲۱۳ .
- ۶ آية الله مؤسس، علي كريمي جهرمي، ص ۵۴ .
- ۷ همـان، ص ۱۲۸ .

- ۸- همان، ص ۱۲۸ کتاب الخمس، حاج آقا مرتضی حائری، ص ۷ و زندگانی زعیم بزرگ
عالم تشییع .
- آیه الله بروجردی، علی دوانی، ص ۲۶۵ .
- ۹- گفتگو با حجة الاسلام آمیرزا محمد پیشوایی که در حدود چهل سال در درس ایشان
شرکت .
- نموده و با ایشان محشور بوده است .
- ۱۰- ترک آباد، روستایی در ۵ کیلومتری اردکان است .
- ۱۱- گفتگو با حجة الاسلام حاج شیخ محمد حسین امراللهی، مسؤول تحقیق و تنظیم و نشر
.
- آثار استاد و آقای پیشوایی .
- ۱۲- آیه الله مؤسس، جهرمی، ص ۱۳۰ - ۱۳۱ .
- ۱۳- همان و گفتگو با حجج اسلام، پیشوایی و امراللهی .
- ۱۴- همان .
- ۱۵- همان .
- ۱۶- همان .
- ۱۷- همان .
- ۱۸- همان .
- ۱۹- همان .
- ۲۰- آیه الله حاج شیخ حسین شب زنده دار نیز این خواب را در درس اخلاقشان در فیضیه .
روز ۱۷/۸/۶۹ از مرحوم حاج آقا مرتضی بیان کردند .
- ۲۱- زیراکس یادداشت‌های حاج آقا مرتضی، ص ۳۲ .
- ۲۲- مقصود، کتاب خصال شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ) است که در آنجا آمده: قال

میرزا علی آقا غروی علیاری

آموزگار فضیلت

مجید محبوبی

ولادت و تحصیل

در سپیده دم جمعه، دوازدهم رمضان المبارک سال ۱۳۱۹ هجری قمری، در تبریز و خانواده تقوا و فضیلت قدم به عرصه هستی نهاد.

در سه سالگی پدرش، مرحوم آیه الله میرزا محسن غروی علیاری، را از دست داد و از آن پس زیر نظر جد بزرگوارش، مرحوم آیه الله میرزا حسن علیاری، قرار گرفت. پس از فراگیری مقدمات در مکتب خانه به پیروی از نیاکانش که از پیشگامان دین بودند، به تحصیل علوم دینی پرداخت.

آنگاه وارد محافل علمی شد و به حوزه درسی برخی بزرگان و علما راه یافت. اساتید وی در حوزه تبریـز عبارتند از آیات عظام:

۱- میرزا رضی نوروزی، (از اکابر و فقهای نامدار تبریز)

۲- سید محمد حجت، (مرجع تقلید مشهور)

۳- میرزا حسن غروی علیاری، (جد امجد معظم له).

عزیمت به نجف اشرف

حاج میرزا علی غروی علیاری پس از تکمیل دروس سطح در سال ۱۳۴۱ هجری قمری، عازم شهر مقدس نجف اشرف شد و موفق به درک محضر بزرگانی شد که یگانه عصر خود

بودند. برخي از آن بزرگان و آیات عظام عبارتند از:

- ۱- آقاي ضياءالدين عراقي، (۱۳۶۱ - ۱۲۷۸)
- ۲- شيخ محمد حسين نائيني غروي، (۱۳۵۵ - ۱۲۸۲)
- ۳- سيد ابوالحسن اصفهاني (۱۳۶۵ - ۱۲۸۴)
- ۴- سيد ابوتراب خوانساري (۱۳۴۶ - ۱۲۸۱)
- ۵- سيد محمد حجت (۱۳۷۳ - ۱۳۱۰)
- ۶- ميرزا علي آقا ايرواني (۱۳۵۳ - ۱۳۰۱)
- ۷- حاج سيد ميرزا آقا اصطهباناتي (۱۳۷۸ - ۱۲۹۷)
- ۸- ميرزا اسدالله زنجاني (۱۳۷۸ - ۱۲۸۲)
- ۹- ميرزا ابوالحسن مشكيني (۱۳۵۸ - ۱۳۰۵)
- ۱۰- شيخ اسدالله رشتي (۱۳۵۴ - ۱۲۸۲)
- ۱۱- شيخ احمد آشتياني (۱۳۰۰ -)

مراحل سير و سلوك

نزديك به هفتاد سال سالك راه حقيقت بود، صفاي روح و كمال نفسانيش گواه بر اين مدعي است. آيةالله غروي تكامل در اخلاق و عرفان عملي را مرهون زحمات و هدايت هاي معنوي استاد بزرگوارش،

صفحه ۲۱۷

مرحوم حاج ميرزا علي قاضي، عارف عظيم الشأن، مفسر عاليقدر، صاحب كاشفات و كرامات فراوان، مي دانست. كه در آن عصر استاد اخلاق و هادي سالكان و عاشقان سير و سلوك به شمار مي آمد .
همدرسان معظم له:

برخی از آیات عظام و بزرگانی که با آیه‌الله میرزا علی غروی علیاری همدرس بودند، عبارتند از: _____

سید عبدالله شیرازی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، شیخ عبدالحسین غروی تبریزی، میرزا کاظم دینوری، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی و سید جواد خامنه‌ای. بازگشت به وطن

آیه‌الله غروی پس از سالها تحصیل و تفقه به جایگاه رفیع اجتهاد و کسب اجازات علمی - فقهی از بزرگان دست یافت. او در میان مردم بودن و برای مردم تلاش کردن را به اقامت در حوزه علمیه نجف و تشکیل کرسی درس و بحث در حالی که شایستگی آن را داشت، ترجیح داد و به تبریز بازگشت.

آیه‌الله غروی علاوه بر رسیدگی به امور مردم، به توسعه امور فرهنگی اهتمام ورزیده، با تشکیل حوزه درس و بحث به تربیت محصلین علوم اسلامی پرداخت.

صفحه ۲۱۸

فضایل اخلاقی

صفات پسندیده آیه‌الله غروی زبانزد خاص و عام بود. تواضع، سعه صدر، مدارا و خوش برخوردی، احترام به کوچک و بزرگ، احساس مسئولیت، دستگیری از فقرا و محرومان حتی در بدترین شرایط اقتصادی، مواسات با مردم، حمل مشکلات و رنج‌ها در راه خدا و صبر و بردباری در برابر حوادث ناگوار، تلاش پی‌گیر و فعالیت خستگی‌ناپذیر، کثر مطالعه و نوشتن و برخورداری از حافظه قوی و ذوق سرشار، علاقه وافر به علم و عمل از جمله صفاتی است که وجود آن بزرگوار جمع شده بود.

در خانه اش همواره به روي مراجعين باز بود، محفل او مجلس قرآن و حديث و موعظه بود، کمتر کسي بود که در محضرش بنشيند و شيفته مکارم اخلاق و سجايای حميده اش نشود.

آن بزرگوار، علم را با عمل توأم کرده بود و آن را همواره به عنوان بزرگترين توشه آخرت به مردم توصيه مي کرد، هر چند خانه اش آراستگي نداشت، ولي هر دل شکسته التيام دل خود را از آن خانه مي جست و هر بال شکسته ي پناهي، به آنجا پناه مي برد.

او در طول زندگاني پربرکتش، قناعت پيشه کرد و از لذایذ زندگي چشم پوشيد و خانه و پولی را مالک نشد.

صفحه ۲۱۹

عشق وافر به قرآن

حفظ تمامی قرآني يکي ديگر از ویژگیهای آن مرحوم به شمار مي رفت و با عنایت به این که ایشان مفسري گرانقدر بود، ارزش این امر روشن تر مي گردد.

او قرآن را با زندگي آميخته، در سلوك فردي و اجتماعي اش آنرا راهبر قرار داده بود. در ماههای مبارك رمضان با سوز دل به تلاوت آن مشغول مي شد و تا حدود دوازده بار قرآن را ختم مي کرد.

عشق و علاقه به عبادت، تهجد و دعا رابطه اي ناپیدا میان خداوند و بنده اش است. شخص موحد و مؤمن در همه حال خدا را عبادت مي کند و به یاد خداست. او در لحظه لحظه عمر خویش تسبیح گوي خدای جهان است، ویژه اگر عالمي مجتهد و فقیهي زاهد باشد که عمري را در عبادت و نیایش گذرانده باشد.

نیایشهای نیمه شب سنت همیشگی وي بود، شبهای بسیاری را با دعا و نیایش به صبح مي رساند. چه بسا شبهایی که با هوای سرد زمستانی در کتابخانه اش از اول شب تا اذان

صبح مشغول راز و نیاز با معبود خود بود و خود به این نکته اشاره می کرد که صدای اذان، اعلام وقت نماز صبح را به وی گوشزد می کرد. در شبهای خاص مانند، نیمه شعبان، رجب، شب غدیر و شبهای تاسوعا و عاشورا، تا اذان صبح خواب به چشمانش راه نمی یافت . روزهای پنج شنبه برای رفتگان، اساتید، هم دوره های تحصیل و علما بزرگ، به نام هر يك، مشغول تلاوت قرآن می شد. جمعه ها اول

صفحه ۲۲۰

صبح به استغاثه برای ظهور امام زمان (عج) می پرداخت، در يك كلام « او انیس دعا و دعا انیس او بود . »

علاقه ویژه به خاندان رسالت و ولایت

محبت فوق العاده اش به خاندان رسالت و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بر کسی پوشیده نیست. خصوصا عشق سرشارش به سیدالشهداء و شهیدان واقعه کربلا، چنان شور و در او ایجاد می کرد که سر از پا نمی شناخت، با صدای بلند می گریست .

شخصیت علمی

در کتاب « زندگانی و شخصیت مرحوم شیخ مرتضی انصاری » می خوانیم: « حفیدش حاج میرزا علی بن میرزا حسن علیاری غروی از شاگردان سید ابوالحسن اصفهانی، ولی بیشترین استفاده اش از آقا ضیاءالدین عراقی بوده و هم اکنون از اجله علما، معروف و مقدس ساکن تبریز و از مردم منزوی و به تدریس و تألیف اشتغال دارد و در سفری که سه سال قبل به اهواز داشتند، گذشته از مراتب علمی، وی را مردی زاهد و با ورع که به مکارم اخلاق آراسته بود، یافتیم^(۱) . »

شیخ محمد رازی از وی به عنوان « یکی از علما اعلام و مؤلفین کرام معاصر شهرستان تبریز^(۲) » یاد می کند، و محمدهادی امینی « عالم فقیه،

اصولي متتبع جليل» مي داند^(۳).

و هداية الله مسترحمي در شرح حال آية الله علياري در مقدمه كتاب منجزات مريض معظّم لـــــــه مـــــــي نويســـــــد:

«و كان من جملة من هاجر الي الله تعالى في تحصيل هذا المعني: الفاضل المحقق، و الزاهد المدقق، العلامة الفهامة، صاحب محامد الخصال، و خصال المحامد، و المترقي في مدارج الكمال، آية الله العظمي الحاج الشيخ علي الغروي العلياري مدظله العالي^(۴). »

خاطرات

آية الله غروي از دقت استادش در مصرف بيت المال اينگونه سخن مي گويد:

«استاد ما مرحوم آقا سيد ابراهيم اصطهباناتي، شيرازي بود كه بعد از فوت مرحوم اصفهاني، در نجف رياست تامه به او منتقل شد. در مصرف سهم امام خيلي دقت داشت، خانه اي داشت كهنه و مخروبه. هر چند مقلدان وي، اصرار كردند بر تعمير آن، حاضر نشد. در آن زمان، حدود چهل هزار تومان، شهریه مي داد، آن هم بالسويه، بدون تفاوت بين عرب و عجم و طلبه اي كه به درس حاضر مي شد، يا نمي شد. فرزندان طلبه خود را، به همان مقدار ساير طلبه ها، شهریه مي داد. اگر اعتراض مي كردند كه شهریه، كفايت معاش و اجازه منزل ما را نمي كند، مي فرمود: « مال پدرم كه نيست، سهم امام است. مردم مرا امين قرار داده اند كه آن را به طلبه هاي درس خوان و مستحق بدهم .

خود من هم، فقط به مقدار معاش، در قبال خدمتي كه مي كنم و درسي كه مي دهم و استفتائاتي كه جواب مي دهم، بر مي دارم، نه بيشتر . »

آیت الله غروي گاه از مرحوم حضرت آية الله سيد محمد حجت ياد مي کرد و مي گفت: «در نجف اشرف آية الله آقا سيد محمد حجت به بنده لطف خاصي داشتند و اکثرا در مسافرتها ي کربلا و کوفه در خدمت ايشان بودم، در يکي از اين سفرها به کربلا بنده مشتاق بودم که زودتر به حرم مطهر مشرف و نماز شب را در آن مکان مقدس اقامه نمايم. مرحوم آية الله حجت سليقه شان اين بود که صبح ها چاي خورده، بعد مشرف به حرم مي شدند. بنده اصرار نمود که آقا زودتر عازم شويم. فرمودند: بنده از آن مقدس نماها نيستم، اگر چاي نخورم حضور قلب پيدا نمي کنم. بعد از ميل چاي در حضور مرحوم آقاي حجت به حرم حضرت سيد الشهداء مشرف شديم، حضرت ايشان به زيارت جامع کبير که از حفظ داشتند مشغول شدند و بعد از اتمام ادعیه و نماز از حرم خارج مي شوند که بنده چون مشغول ادعیه بودم متوجه نشدم. چون بيرون آمدم، متوجه شدم که آقاي حجت در درب بيروني منتظر من است. همين که چشمش به من افتاد با عصبانيت فرمودند: تو کجا هستي؟ چرا طول در ادعیه مي دهی؟ کبوتر حرم شدي؟»

آية الله غروي از مرحوم آية الله سيد جواد خامنه اي (پدر گرامي مقام معظم رهبري) نيز خاطره اي به ياد داشت، او مـي گفـت: «با مرحوم آية الله سيد جواد خامنه اي هم دوره تحصيل در نجف اشرف بوديم. با هم در محضر درس حضرات آيات آقا سيد ابوالحسن اصفهاني و آقا شيخ ضياء عراقي شرکت مي کرديم. ايشان سيد صحيح نسب و به تمام معني

صفحه ۲۲۳

روحاني بودند. آن مرحوم مظهر متانت، طمأنينه، اخلاص، تواضع، عطوفت، عزت نفس و ديگر مکارم اخلاقي بودند. قبل از عزيمت ايشان به مشهد مقدس در تبريز مقيم و در

مسجدي که در چهار راه شهید بهشتي (مسجد کریم خان) است، اقامه نماز جماعت مي نمودند. حقیر هر وقت به مشهد مقدس مشرف مي شدم، با آن مرحوم دید و بازدید مي شد ((.

تألیفات

مرحوم حضرت آية الله علياري از همان زمان که در درس خارج شرکت کرد، به تألیف پرداخت. فهرست آثارش در نه رشته علمي عبارتند از:
- ۱) فقه: الرهن، الوصية، الوقف، الرضاع، النكاح، الصلح، الخيارات، الشروط، مسقطات الخيار، الاجاره، القضاء المنجزات المريض، الغصب، الزکوة (تقريرات دروس مرحوم آية الله ضياء الدين عراقي - ره -) و الصلاة، البيع، الخيارات، (تقريرات دروس مرحوم آية الله شيخ محمد حسين نائيني ...)

- ۲) کلام: اصول دين و عقايد - رساله في الرجعة .

- ۳) تفسير: تفسير قرآن مجيد، رساله مفردات قرآن، حروف تهجي .

- ۴) تاريخ: المهجه في شرح حال الحجة (عج) - کواکب حسينية .

- ۵) دعا: شرح دعاي کميل، شرح دعاي سمات، شرح دعاي صباح، شرح زيارت جامعه

کبيره، شرح دعاي افتتاح، شرح دعاي ابو حمزه ثمالی .

- ۶) حديث: شرح چهل حديث از احاديث مشکله - شرح فرمايش

صفحه ۲۲۴

حضرت ختمي مرتبت - (ص) شرح فرمايش حضرت اميرالمؤمنين در نهج البلاغه -

حل مشکلات الاخبار .-

- ۱۷) اخلاق: رساله در مواعظ، منهاج الرشاد .

- ۸) رجال: حاشيه بر رجال وحيد بهبهاني، تقريرات رجال بحث مرحوم آية الله ابوتراب

خوانساري .

۹- اصول: تقریرات اصول بحث مرحوم آية الله ضياء الدين عراقي، الاصول من مباحث

الالفاظ تقریرات بحث مرحوم آية الله شيخ محمد حسين نائيني ...

وفات

سرانجام حضرت آية الله حاج ميرزا علي غروي علياري بعد از يك قرن عمر با برکت در اواخر اسفندماه ۱۳۷۵ بعد از ادای فريضه مغرب و عشاء، هنگام نوشتن حاشیه بر کتاب عروة الوثقي آقا سيد كاظم يزدي، با بروز سكتة مغزي در بیمارستان امام خميني تبريز بستري گردید و پس از يك ماه و اندي كه معالجات پزشكان سودي نبخشید، مرغ روحش در قفس تن آرام نگرفت و عصر روز دوشنبه - دوم اردیبهشت سال - ۱۳۷۶ اوائل اذان مغرب به سوي فضاي بيكران رضوان الهي پر كشید. با اعلام خبر درگذشت آن عالم جليل القدر شهر تبريز در ماتم و عزا فرو رفت .

مراسم تشييع پيكر آن فرزانه يگانه روز چهارشنبه از مسجد جامع تبريز با حضور انبوهي از مردم و روحانيت تا مصلاي امام خميني (ره)

صفحه ۲۲۵

صورت گرفت و بنا به اصرار فرزندش آية الله جواد علياري، حضرت آية الله آقا سيد ابوالحسن مولانا - از علماي سرشناس تبريز - بر پيكر آن بزرگوار نماز خواند .

پيكر مطهرش جهت دفن در شهر مقدس قم، به تهران انتقال يافت و روز پنج شنبه با شركت انبوهي از مردم و علماي بزرگوار تهران از مسجد جامع فاطميه تا بيت فرزند برومندش ميرزا جواد علياري مشايعت شد و عصر روز پنج شنبه با حضور مراجع عاليقدر تقليد، اساتيد و روحانيت معظم، از مسجد امام حسن عسکري (ع) تا حرم مطهر تشييع شد .

مراسم نماز در قم به امامت عارف سالک، حضرت آية الله آقا شيخ محمد تقی بهجت، در صحن حرم مطهر بزرگوار گردید و بعد از آن پيكر پاك آن عالم وارسته در صحن حرم مقدس

حضرت معصومه (س) در کنار یاران سفر کرده خود، آیه‌الله سید مرتضی جزایری، آیه‌الله سید احمد زنجانی، آیه‌الله سید محمد محقق داماد در آرامگاه ابدی قرار گرفت .

پی نوشت ها :

-
- ۱ زندگانی و شخصیت مرحوم مرتضی انصاری، ص ۱۵۴ .
 - ۲ گنجینه دانشمندان، ج ۴ ص ۱۶۲ .
 - ۳ معجم رجال الفکر و الادب، ص ۸۹ .
 - ۴ منجزات مریض، ص ۸ .

شهر بابل از دیر باز ملجأ و مأوای جویندگان و طالبان علم و معرفت از سراسر مازندران و خاستگاه علما نام آور بوده است .

در قرون اخیر، خصوصاً در قرن گذشته مدارس علمی در بابل از رونق فراوانی برخوردار بود، و به خاطر حضور اساتید برجسته، مجتهدین و فرهیختگانی والا مقام از حوزه های علمی بابل برخاسته و چون ستارگانی فروزان در جهان علم و فقاہت درخشیدند .

سعید العلماُ بار فروشی ؛ (۱۸۷ - ۱۲۷۰ق) ، شیخ زین العابدین بن مسلم بارفروشی ؛ (۱۲۲۷ - ۱۳۰۹ق) ، شیخ عبدالله مازندرانی ؛ (۱۲۵۶ - ۱۳۳۰ق) ، از رهبران مشروطیت ، سید عبدالغفار مازندرانی ؛ (متوفی ۱۳۶۵ق) ملا محمد اشرفی ؛ (۱۳۱۵ - ۱۲۱۹ ق) ، شیخ کبیر مازندرانی ؛ (۱۲۴۰ - ۱۳۴۵ق) ، علامه کبیر شیخ محمد صالح علامه مازندرانی (۱۲۹۷ - ۱۳۹۱ق) تنها چند تن از بزرگان این دیار هستند .

از دیگر ستاره های پر فروغ این شهر می توان از حضرت آیه الله حاج شیخ مهدی امامی امیری (ره) نام برد که مقاله حاضر نگاهی گذرا به زندگی و شخصیت ممتاز آن عالم فرزانه دارد .

آية الله حاج شيخ مهدي امامي اميري (ره) در سال ۱۳۰۲ قمری در امير کلاي بابل^(۱) و در خانواده اي مذهبي ديده به جهان گشود. از همان دوران کودکي به خاطر روح پاک و علاقه سرشار با قرآن آشنا شد و سنين نوجواني به حوزه علميه بابل راه يافت و به تحصيل علوم مقدس ديني پرداخت .

تحصيلات و اساتيد

وي پس از ورود به مدرسه آستانه بابل و اقامت در آن، علوم مقدماتي و سطوح عالي را از محضر اساتيد گرانبدر فرا گرفت، برخي از استادان او عبارتند از:
۱- آية الله شيخ علي اصغر مجتهد مازندراني (۱۲۴۵ - ۱۳۳۰ ق)؛ او از فقهاي بزرگ و از شاگردان ميرزا حبيب الله رشتي (ره)، ميرزا حسين ميرزا خليل تهراني و مرحوم آخوند خراساني (ره) بود .

يکي از علماي بابل براي نگارنده اظهار داشت؛ استفتائاتي از مازندران به نجف اشرف مي رفت، ولي مراجع بزرگ نجف آن را برگردانده و مي فرمودند: « از شيخ علي اصغر مجتهد استفتاء کنيد . »

۲- شيخ اسماعيل بن حداد، متوفي ۱۳۲۷ قمری، وي از بزرگان و شاگردان مرحوم سعيد العلماء و مرحوم ملا محمد حمزه شريعتمدار بابلي (ره) و هم عصر با ملا محمد مقدس اشرفي (ره) بود. بنا بر نقل

صفحه ۲۳۱

بزرگان معاصر، مرحوم اشرفي براي مقام والاي علمي و فقهي ايشان احترام زيادي قائل بود .

۳- آية الله شيخ محمد حسين شريعتمدار (ره) (۱۲۴۰ - ۱۳۲۰ ق)؛ از علماء بزرگ بابل بود و در نقباء البشر^(۲) از وي تمجيد شده است .

۴- آية الله سيد احمد استاد (ره) (۱۲۸۰- ۱۳۶۵ق)؛ از شاگردان مرحوم آخوند خراساني (ره)، آقا سيد محمد كاظم يزدي (ره) و ملا فتح الله شيخ الشريعة اصفهاني (ره) و از علماي با نفوذ بابل بود.

مرحوم حاج شيخ مهدي امامي (ره) با آنکه از اين اساتيد استفاده فراوان برد، اما روح بلندش همچنان از عطش علم در التهاب بود و در پي چشمه هاي ديگر مي گشت، لذا راهي تهران شد و از محفل علمي استادان مختلف بهره هاي وافري در سطوح عالي و دروس استدلالي برد و در زمره زبده ترين شاگردان آن بزرگواران در آمد. استادان والا گهر او در تهران عبارتند از:

۱- شهيد حاج شيخ فضل الله نوري (ره).

۲- آقا سيد علي اکبر لاهيجاني (ره).

۳- آخوند ملا محمد (ره)؛ صاحب حواشي بر شرح شمسيه^(۳).

معظم له پس از چند سال اقامت در تهران، عازم عتبات عاليات گشته و در نجف اشرف از خرمن پر فيض بزرگان فقاهاست استفاده کرد و از اساتيد بزرگ، به اخذ اجازه اجتهاد مفتخر گشت. اساتيد وي در

صفحه ۲۳۲

عراق عبارتند از:

۱- حضرت آية الله شيخ عبدالله مازندراني (۱۲۵۶- ۱۳۳۰ق)؛ از رهبران مشروطه که در کتابهاي رجال از ايشان به عنوان «علامه محقق، فقيه اصولي و يکي از اعظم و اکابر علماء اماميه» ياد شده است.

۲- آخوند خراساني (۱۲۵۵- ۱۳۲۹ق)؛ صاحب کفایه.

۳- آقا سيد محمد كاظم يزدي، صاحب عروه.

۴- شیخ الشریعه اصفهانی^(۴).

مدت اقامت ایشان در حوزه علمی نجف اشرف از پر بارترین دوران زندگی این عالم فرزانه به شمار می رود. شخصیت علمی و معنوی وی در این دوره شکل گرفت، روح تشنه اش سیراب گردید و به قلّه رفیع اجتهاد دست یافت، و با کوله باری از علم و معنویت رانی بابل گشت، شیخ مهدی در امیرکلا ساکن گشت و به ارشاد مردم و ترویج شریعت مقدس نبوی پرداخت. او با هوشیاری و تحمل سختی های مردم منطقه را در امور دینی و اجتماعی رهبری می کرد، به این ترتیب قلوب زیادی به سوی او جذب شدند و او توانست ضمن پراختن به امور علمی و اشتغال به تدریس، سرآمد رجال علمی منطقه گردد.

صفحه ۲۳۳

هجرتی دیگر

شیخ مهدی پس از چند سال اقامت در وطن، یک بار دیگر در سال ۱۳۴۸ قمری، عازم شهر مقدس قم^(۵) گردید و به بهره گیری از ذخایر سرشار علمی خود، به تدریس دروس عالی در فقه و اصول و همچنین تفسیر قرآن و فلسفه و علوم معقول پرداخت^(۶). مدت چندانی از اقامت آن مجتهد عالی مقدار در قم نگذشت، که به خاطر جذابیت بیان و بهره مندی از قدرت ممتاز علمی، مورد توجه علما، فضلا و طلاب قرار گرفته و شاگردان فراوانی در محفل علمی او گرد آمدند.

شیخ در قم از مدرسین عظام حوزه علمیه قم به حساب می آمد، چنانچه در نجف اشرف نیز بر کرسی تدریس می درخشید و شاگردان ورزیده ای از محضرش بهره مند گشتند.

حضرت آیه الله محفوظی از علمای معاصر قم برای نگارنده نقل فرمود: «چند جلسیه ای از دروس ایشان را درک کردم، واقعا جامعیت داشتند و مخصوصا در تراجم و رجال خیلی مهارت داشت، درس تفسیر و اسفار ایشان، آمیزه ای از تفسیر و حدیث و

رجال و فلسفه و حتي روضه بود. معظم له ارادت شدیدی به شیخ فضل الله شیهید داشت و معمولاً از ایشان یادآوری می کرد و خود اشک می ریخت .»

صفت بر جسته آن استاد فرزانه، جدیت و خستگی ناپذیری وی در

صفحه ۲۳۴

امر تدریس و همت بلندشان در راه تربیت شاگردانی وارسته و ممتاز بوده است . بطوری که طبق نقل بعضی از تلامیذ معظم له که در حکمت و علوم معقول افتخار شاگردیشان را داشتند، وی از صبح تا ظهر در مسجد سلماسی بر کرسی تدریس تکیه زده و شاگردان را از مباحث مختلف بهره مند می ساختند .

به هر حال مقام بلند علمی و معنوی آن رادمرد، مورد قبول و عنایت همه علما و مجتهدین بود .

مرحوم حضرت آیه الله حاج سید ابوالحسن حسینی (ره) ، متوفی ۱۳۷۶ش؛ برای نگارنده حکایات کرد:

«پس از ارتحال مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) ، آن بزرگوار به خاطر برخورداری از امتیازات لازم، کانون توجه علماء اعلام برای احراز مقام مرجعیت و زعامت حوزه علمیه قم گردید. اعظم حوزه علمیه چون مرحوم آیه الله سید صدر الدین صدر (ره) و مرحوم آیه الله حجت (ره) و دیگران از ایشان دعوت کردند تا زعامت حوزه را ره عهده بگیرند، ولی معظم له از قبول مسؤولیت امتناع کرده و بر تکیه بر کرسی تدریس را ترجیح دادند و از همین راه دانشوران برجسته ای را تربیت نمودند . »

ارادت علما

مرحوم حاج شیخ مهدی (ره) با وجود امتناع از زعامت و مرجعیت عامه، به خاطر مقام و منزلت علمی و معنوی، همواره مورد احترام علمای طراز اول قم و مراجع عظام تقلید بود، چنانکه بین ایشان و آیه الله العظمی بروجردی (ره) صمیمیت فراوانی وجود داشت. طبق

صفحه ۲۳۵

فرموده حاج شیخ مهدی (ره)، آقای بروجردی (ره) هر ماه به منزل ایشان می آمد. مرحوم حضرت آیه الله میرزا هاشم آملی نیز می فرمود: «آیه الله بروجردی (ره) که از درس تا منزل و از منزل تا حرم مطهر با درشکه رفت و آمد می کرد، هر وقت از چندین متری آقا شیخ مهدی امیری (ره) را می دید، از درشکه پیاده شده و از جلوی ایشان سواره رد نمی شد، آنها با هم دوست صمیمی و وصی یکدیگر بودند...»

مرحوم آیه الله حسینی (ره) بابلی متوفی ۱۳۷۶ ش هم برای نگارنده نقل کرد: «زمانی مرحوم آقای بروجردی (ره) جلوی حرم مطهر حضرت معصومه (س)، مرحوم آقای شیخ مهدی را دید که عبا به سر کشیده و طی مسیر می کردند، آقای بروجردی (ره) جلوتر آمد و به ایشان سلام کرد، ولی آقا شیخ مهدی متوجه نشد. پس از توجه، ضمن عذر خواهی از آقای بروجردی، فرمود ببخشید که متوجه نشدم، چون ما از اموات هستیم.

آقای بروجردی (ره) فرمود: نه شما از احياء هستيد و ما از اموات هستیم.»

البته روشن است که مراد هر دو بزرگوار حیات معنوی و روحانی است و داستان نشان دهنده عمق تواضع و فروتنی آن بزرگان است.

نمونه دیگر از ارادت علماء قم، مخصوصاً حضرت امام خمینی قدس سره به ایشان داستانی است که یکی از روحانیون بزرگوار برای راقم این سطور نقل کرد: «زمانی مرحوم حاج شیخ مهدی از سفر مشهد مقدس برگشته بود. علماء زیادی به دیدار ایشان آمده بودند. در منزل ساده شیخ مهدی، از خادم و کارگر

خبري نبود، کسي هم نبود که از علماء پذيرايي کند، حضرت امام خميني که در آن زمان شهرت فراواني نيز پيدا کرده بود و در جمع علماء ديدار کننده حضور داشت، وقتي وضع را چنين ديد، شخصا بلند شده و به آشپزخانه رفت و چاي آماده کرد و از علماء حاضر پذيرايي کرد. »

اين امر از طرفي گوياي بزرگواري و تواضع حضرت امام خميني قدس سره و از طرف ديگر بيانگر مقام والاي مرحوم حاج شيخ مهدي و ارادت علماء قم به ايشان است.

ويژگيها

بيان ويژگيهاي عالي فرهيخته، چون مرحوم حاج شيخ مهدي (ره) کاري بس مشکل است از اين روي تنها به بعضي از آن ويژگيها به طور گذرا مرور مي کنيم.

صراحت و قاطعيت

در بيان حقايق ابائي نداشت و علماء و مردم کهنسال منطقه خاطره هاي فراواني از اين ويژگي شيخ مهدي به ياد دارند. دوران زندگي ايشان مصادف با حکومت رضاخان بود که به فرمان اربابان خارجي خود، کيان اسلام را هدف گرفته بود و به رواج فساد و بي بند و باري دامن مي زد. از اين رو، عالمان شجاع و دانشمندان بزرگ به مبارزه با طاغوت و پاسداري از حريم ارزشهاي اسلامي و دين و عفاف پرداختند. در اين ميان مرحوم حاج شيخ مهدي نيز ساکت ننشست. در سخنرانيها، با قاطعيت و صراحت لهجه، اقدامات رضاخان از جمله،

بي حجابي و طرح متحد الشکل کردن لباس را محکوم و در منابر علنا از گناهان رايجي چون، رباخواري و ريش تراشي به شدت انتقاد مي کرد.

وقتي در منازل افراد براي افطار، شركت مي كرد و مجلس را خالي از فقراء و مساكين و محلّ اجتماع اغنياء مي يافت، به ميزبان اعتراض مي كرد و مي فرمود: «چرا فقرا و مساكين را دعوت نكرده اي؟ اين مهمانها كه همه شان از اغنياء و تأمين شده هستند. بايد افراي را دعوت كنيد كه محتاج حضور بر سراين سفره ها هستند.»

هر گاه گناهگاري را ميديد هر چند شخص مهمّي باشد، بي پرده به او تذكر مي داد، يكي از علماء بابل در اين رابطه داستان زير را براي نگارنده نقل فرمود: «در يك مجلس مهماني، در تهران كه مرحوم حاج شيخ مهدي حضور داشتند، يكي از صاحب منصبان ارتش در حالي كه انگشترى از طلا به دست داشت، حاضر بود، آن بزرگوار به او رو کرده و فرمود: مگر نمي دانيد انگشتر طلا حرام است؟! چرا به دست گذاشتيد؟! او هم وقتي اين قاطعيت راديد، بدون درنگ انگشتر را بيرون آورده و در جيب خود گذاشت. بعد از صرف غذا و رفتن مهمانان، صاحب منزل رو به آقا كرد و گفت: «آقا ايشان از صاحب منصبان - مقامات عالي رتبه - ارتش بود، چرا اين حرف را زدديد؟! آبروي ما را برديد.»

معظم له فرمود: اگر قبل از ناهار اين حرف را مي زدي، در منزل شما غذا نمي خوردم، چرا كه از «نهي از منكر» جلوگيري مي كنيد.»

صفحه ۲۳۸

داستاتي ديگر از قاطعيت ايشان را يكي از ملازمين شيخ مهدي براي نگارنده نقل فرمود: در زمان حاج شيخ مهدي (ره)، دو تن از روحانيون مبارز را دستيگير و به كلانترى بردند. او شخصا به كلانترى رفته و با عصا به فرمانده پاسگاه اشاره كرد و فرمود: «اينها را آزاد كنيد و با من بفرستيد و گرنه هر چهديد از چشم خودتانديد» فرمانده پاسگاه هم در مقابل اين قاطعيت، بدون مقاومت در همان وقت آنها را آزاد كرد.

تبعید

در نتیجه مبارزه با رضاشاه، به کاشان تبعید شد. ماجرا از این قرار بود که؛ پس از ماجرای ننگین کشف حجاب و سایر اقدامات رژیم طاغوتی، مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره)، پیامی اعتراض آمیز خطاب به شاه نوشتند، و مراتب انزجار خود را از این اقدامات ضد دین اعلام داشت. رضاخان با بی ادبی تمام پاسخ داد « حجة الاسلام حاج شیخ عبدالکریم؛ این حرف از اراجف است و کسانی که شما را محرک بوده اند، تعقیبشان می کنیم. »

پس از آن چند نفر به کاشان تبعید شدند، که یکی از آنها مرحوم حاج شیخ مهدی مازندرانی (ره) بود. یکی از نویسندگان معاصر، ضمن معرفی معظم له به عنوان یکی از « مشروطه خواهان اصیل » به تبعید وی اشاره کرده می نویسد: « تعدادی از رجال سرشناس مشروطه خواه اصیل، بعد از آنکه پرده ها از روی واقعه مشروطه به کنار رفت... جمعی از مشروطه خواهان اصیل مانند... حاج

صفحه ۲۳۹

میرزا مهدی مازندرانی (ره) یکی از شاگردان بنام مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری (ره) شهید، که در ماجرای کشف حجاب نیز به اتهام تحریک آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره) در ارسال تلگراف اعتراض به رضاشاه توسط او از قم به کاشان تبعید شد و... از همه جریانات سیاسی سخیف آن روزگار زده شدند و به نحوی خود را به جریان فکری و فرهنگی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در قم منسوب ساختند^(۷). »...

مرحوم آیه الله العظمی اراکی (ره) در خاطرات خود، ضمن بیان این مطلب می فرماید: « نتیجه آن (نامه شیخ عبدالکریم حائری) این بود که ؛ رضاخان گفته بود: این حرف اراجف است، محرکین شما تعقیب خواهند شد، عده ای از جمله شیخ مهدی مازندرانی را که در قم

ساکن بود و از بزرگان و اساتید محسوب می شد و آدم موقری بود و از خصیصین مرحوم شیخ فضل الله نوری بوده است که به دارش ردند، او نیز به کاشان تبعید شد^(۸). «...»

سخننوری

از دیگر ویژگیهای معظم له جذابیت کلام و اقتدار و توانمندی در سخنرانی بود. سخنان وی در اعماق جان مستمع نفوذ می کرد و افراد را به شدت منقلب می کرد. علت این نفوذ کلام، قاطعیت و صراحت در گفتار و طهارت نفس و قداست روح بود، چرا که وی مجسمه تقوا و صداقت و پاکی و پای بندی به فضایل انسانی بود و در تهذیب نفس و

صفحه ۲۴۰

سیر در میادین عشق و معرفت بی نظیر و الگوی بزرگی برای سالکان و پویندگان طریق هدایت محسوب می گشت. به خاطر عظمت معنوی، سخنانی که از اعماق جانش تراوش کرده و از انفاس قدسی و مسیحایی اش بیرون می آمد، تا اعماق جان شنوندگان نفوذ می کرد. البته قبول مسئولیت سخنرانی و منبر برای عامه مردم با وجود آن مقام شامخ علمی و شهرت عظیم، خود حاکی از روح متواضع و فروتنی آن بزرگوار و قبول رنج و مشقت فراوان، برای ترویج شریعت و تهذیب نفوس مردم بود. شیخ موعظه مردم را به عنوان دستور و وظیفه شرعی تلقی می کرد و به آن اهمیت زیاد می داد.

طبق نقل مرحوم آیه الله حاج سید ابوالحسن حسینی، پس از فوت مرحوم سید محمد باقر (ره)، معروف به امام جمعه (در سال ۱۳۲۶ شمسی)، که فردی نافذ و منصوب از طرف حکومت بود و در مسجد کاظم بیک نماز جمعه و جماعت اقامه می کرد، مردم بابل از مرحوم حاج شیخ مهدی دعوت کردند تا بار دیگر به بابل مراجعت کرده، در مسجد کاظم بیک به اقامه جماعت و رتق و فتق امور بپردازند.

پس از این دعوت، هر چند ایشان از مراجعت دائمی امتناع کرد اما در ماه مبارک رمضان به بابل آمد و در مسجد کاظم بیک به اقامه جماعت و تبلیغ احکام و ترویج معارف دین پرداخت. البته پس از چند سال به اصرار مردم امیرکلا، ماه مبارک رمضان را در مسجد جامع امیرکلا به اقامه جماعت و احیاء شعائر دینی پرداخت. قدرت خطابه ایشان که با صفای درون همراه بود زبانزد خاص و عام بود و

صفحه ۲۴۱

اهل معرفت پای سخنانش به شدت می گریستند .
شیفتگان معارف دین برای درک حضور ایشان و استفاده از بیانات شیوا و جذاب وی، از روستاهای دور و نزدیک، خود را به مسجد جامع « امیر کلا » می رساندند تا از انفاس قدسی ایشان بهره مند گردند .
آری، نفس قدسی آن مرد خدا در تبلیغ و ترویج شعائر دین و ایجاد روحیه دینی و مذهبی در آن منطقه نقش بسزایی داشته و با وجود سپری شدن حدود چهل سال از رحلت ایشان، هنوز هم یاد و سخنان دلنشین وی در بین مردم آن سامان زنده است .
زهد و اقامه سنتها

بارزترین ویژگی مرحوم حاج شیخ مهدی امامی زهد بی مانندش بود .
وی از مناعت طبع بالایی برخوردار بود. با آنکه در موقعیتی بود که می توانست از زندگی خوبی بهره مند باشد، ولی هرگز زندگی خود را به مظاهر مادی نیاراست. او همواره فقیرانه می زیست و در تنگی معیشت بسر می برد، آنچنان که همیشه زهدش بین علماء و بزرگان مشهور بود .

در رابطه با زندگی سخت و عنایت ویژه حق تعالی به ایشان، یکی از ملازمین موثق آن بزرگوار برای نگارنده نقل کرد: شخصی هر چند وقت، مقداری از ما یحتاج عمومی آنها را به

منزلشان مي آورد، تا آنکه روزي تقاضاي ناروايي از معظم له كرد كه ايشان هم از قبول آن امتناع

صفحه ۲۴۲

كرد. همسر مكرمه ايشان، ضمن اعتراض گفت: چرا تقاضاي ايشان را برآورده نكردي؟ چرا كه ديگر همين مقدار ما يحتاج را نخواهد آورد. ايشان فرمود: اين آقا نيست كه اينها را مي آورد، اينها از جاي ديگر مي رسد. چندي نگذشت كه از آن شخص خبري نشد و اتفاقا كس ديگري مي آمد و چيزهايي براي آنها مي آورد.

او به سنتهاي اسلامي، ادعيه، اذكار و توسلات به محضر اقدس خاندان عصمت و طهارت (ع) و بر پايي و شركت در مجالس سوگواري اهل بيت (ع) سخت پاي بند بود و ديگران را نيز به اين امور سفارش مي فرمود. در ايام مخصوص عزاداري، در بيت شريف خويش محافلي برگزار کرده و به سوگ مي نشست.

يكي از نزديكان موثق وي مي گويد: هر وقت معظم له در ماه مبارك رمضان براي امور تبليغي وارد بابل مي شد، مقيد بود كه به منزل بستگان نزديك و حتي وابستگان دور و درجه دوم و سوم رفته و صله رحم كند و اين امر نيز از بزرگواري و فروتنی آن شخصيت ممتاز عالم اسلام حكايت دارد.

تألیفات

از آن استوانه فقه و فضيلت، آثار ارزشمندی نزد بازماندگان وي باقي مانده است. تا آنجا كه نگارنده اطلاع دارد هنوز تألیفات گرانسنگ آن فقيه فرزانه به چاپ نرسيده و آن همه ميراث ذي قيمت فرهنگي

به جامعه علمی عرضه نگشته است، غیر از رساله علمیه معظم له که در زمان حیات ایشان برای عمل مقلدین به چاپ رسید .

حاج شیخ مهدی امامی (ره) در اواخر عمر شریف خود، به بیماری سختی مبتلا گشته، و در یکی از بیمارستانهای تهران بستری شد و سرانجام پس از عمری سرشار از همت و تلاش، در دهم جمادی الثانی سال ۱۳۷۸ قمری، دیده از جهان فرو بست. خبر ارتحال وی به سرعت در بابل پیچید و هاله ای از غم و اندوه سراسر منطقه را فرا گرفت، عده زیادی از مؤمنین و مریدان معظم له برای مراسم تشیع راهی قم شدند .

پیکر پاک وی با احترام به قم منتقل شد و پس از تجلیل فراوان و باشکوه خاص تا حرم حضرت معصومه (س) تشیع شد .

در این مراسم با شکوه علماء و بزرگان زیادی چون حضرت آیه الله العظمی بروجردی (ره) و حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی (ره) حضور داشتند و مرحوم آقای بروجردی آنچنان از این مصیبت تحت تأثیر قرار گرفتند که طبق گفته شاهدان عینی، آن بزرگوار پابرنه در تشیع حاضر شد و بر پیکر مطهر آن بزرگوار نماز خواند. پیکر پاک آن مرحوم پس از انجام تشریفات مذهبی در قبرستان شیخان (جنب در ورودی غربی شیخان) به خاک سپرده شد. والسلام علیه يوم ولد و يوم مات .

پی نوشت ها :

-
- ۱- رازی، محمد، آثـار الحـجـة، ج ۲ ص ۷۷ .
 - ۲- ج ۱ ص ۲۹۷ .
 - ۳- رازی، محمد، آثـار الحـجـة، ج ۲ ص ۷۷ .
 - ۴- همان، مـدرک .

- ٥همان، مدرک .
- ٦همان، مدرک .
- ٧شکوري، ابوالفضل، سيره صالحان، ص ٣٢٩ .
- ٨همان، ص ٣٣٤ .

به مناسبت سیزدهمین سالگرد ارتحال ملکوتی عالم عامل و محقق فرزانه و مدافع مخلص حریم ولایت، حضرت آیه الله شیخ محمد رضا طبسی قدس سره نگاهی می افکنیم بر سیمای درخشان او و قسبی بر می گیریم از حیات سرشار از کوشش و اخلاص او.

در هجدهم شعبان سال ۱۳۲۲ هجری قمری آنگاه که پدر و مادرش به زیارت ثامن الحجج مشرف شده بودند پا به عرصه حیات نهاد. پدرش که از صالحان و تقوایندگان و ارادتمندان امام هشتم (ع) بود، نامش را محمد رضا گذاشت. دوران کودکی و نوجوانی را در طبس گذرانید و مبادی علوم را نزد پدر و سید محمد علی معروف به میرزا جعفر فرا گرفت. به سال ۱۳۲۷ هجری قمری به فرمان پدر به مشهد مهاجرت کرد. در آن هنگام، او پانزده بهار را

پشت سر نهاده و با شور و شوقی زاید الوصف برای ادامه تحصیل در حوزه مشهد رحل اقامت افکنده بود. مقدمات و بخشی از مرحله سطح را نزد اساتید معروف حوزه مشهد آموخت: ادبیات عرب را نزد ادیب نیشابوری، اصول را نزد شیخ کاظم دامغانی، قوانین را نزد میرزا محمد حسین شهرستانی و

شرح لمعه را نزد سید محمد باقر مدرس. اما حوزه مشهد نمی توانست عطش او را برای فراگیری علوم مختلف اسلامی فرونشاند. از این رو به حوزه علمیه قم هجرت کرد. در آغاز به

تکمیل مرحله سطح پرداخت: مکاسب شیخ انصاری و کفایة الاصول آخوند خراسانی را نزد عالم فرهیخته، آیت حق، سید علی یشربی کاشانی، رسائل شیخ انصاری را نزد آیت الله العظمی مرحوم سید محمد تقی خوانساری و ریاض المسائل را نزد جمال السالکین، عارف و فقیه نامور آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی فرا گرفت. سپس به درس خارج فقه و اصول را یافت. در این مرحله هفت سال از محضر حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم، بهره گرفت. فلسفه و علوم عقلی را از محضر فیلسوفان فرزانه میرزا علی اکبر یزدی و سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و فصوص الحکم محیی الدین عربی را نزد عارف و عالم بلند آوازه حضرت آیه الله العظمی محمدعلی شاه آبادی فرا گرفت. وی در مدت اقامت خود در قم همواره ملازم استاد و مراد و محبوب خود میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (ره) بود و از آن استاد الهی اخلاق و سیر و سلوک می آموخت.

محقق جوان ما در حالی که مجتهدی توانا بود و به دریافت چندین اجازه اجتهاد نائل آمده بود، باز هم از طلب علم علوم باز نایستاد و پس از چند سال اقامت در قم به نجف اشرف مهاجرت کرد. در حوزه نجف در دروس فقه و اصول اعلام و بزرگانی چون میرزا محمد حسین نائینی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین اصفهانی معروف به

صفحه ۲۴۹

کمپانی، میرزا علی ایروانی و سید ابوالحسن اصفهانی شرکت جست و بهره ها گرفت. او از اصحاب مورد اعتماد و از اعضای دفتر استفتانات آیه الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی - مرجع مقتدر و مورد توجه خاص امام عصر - ارواحنا فداه - بود و حدود پانزده سال از محضر پر فیض او استفاده نمود. وی در همین زمان از مباحث کلامی و تفسیری عالم عامل و محقق مشهور آیه الله شیخ محمد جواد بلاغی نیز بهره ها گرفت و ذخیره ها اندوخت. استاد

«عالم عامل و فاضل كامل، تكيه گاه و پشتيبان فقهاي راشدين و عماد فضلا و مجتهدين، شيخ بزرگوار و پاك سرشت، ركن مورد اعتماد، غواص دريائي دانش و محور تقوا و حلم، افتخار اعلام، شخصيت مورد وثوق و سربلند و ستوده همگان، كنز عرفان و تحرير زمان، دانشور راه يافته (به قله كمال)، شيخ محمد رضا طبسي كه از وطن خود به نجف مهاجرت كرد و با جديت و كوشش فراوان در محضر بزرگان و بهره گيري از عنصر زمان چنان كوشيد

كه به مقصود نائل آمد و مجتهد عاقل گرديد، پس او را سزد كه به آنچه استنباط كند، عمل نمايد

صفحه ۲۵۱

و در مسائلي كه اجتهاد كند، تقليد بر او حرام است و او از همان اختيارياتي برخوردار است كه مجتهدان در زمان غيبت امام عصر (عج) از آن برخوردارند و او را به تقواي الهي توصيه مي كنم كه بهترين زاد راه آدمي است.»

(سال ۱۳۴۹ ق)

۳- سيد ابوالحسن اصفهاني

... «جناب عالم و عامل و فاضل كامل، صاحب اندیشه قوي و سليقه مستقيم، صفی و زكي (دوست صميمي و برگزيده و نيكوكار) مورد اطمینان، ثقة الاسلام شيخ محمدرضا طبسي - دامت تأييداته - از كساني است كه عمر خود را در تحصيل علوم شرعي و تنقيح مباني نظري آن صرف کرده و در محضر جمعي از بزرگان و بر اين حقير، مدت زيادي افاده و استفاده و تحقيق و تدقيق و جدّ و جهد پرداخته تا آنكه از عالمان برجسته گرديده، از آنان كه مشاراليه بالبنان (آنكه همگان او را با انگشتان به يكدیگر نشان مي دهند و زبانش خاص و عام است) گرديده است؛ پس او را سزد كه به احكامي كه به روش متداول ميان اعلام

استنباط می‌کند، عمل کند، و به او اجازه دادم که آنچه را روایت آن از طریق من به صحت پیوسته است روایت کند...» (سال ۱۳۴۸ ق)

۴- شیخ عبدالکریم حائری، بنیانگذار حوزه علمیه قم

«آیه‌الله طبسی» مدتی طولانی در درس من حاضر شده و با جدیت و کوشش فراوان به تنقیح مسائل شرعی از مبانی نظری آن به انسان که در میان عالمان عامل متداول است، پرداخته است، پس خدای را بر این نعمت عظمی و عطیه کبری (نعمت و بخشش بزرگ) شکر کند و سپاس گوید...»

صفحه ۲۵۲

۵- فرزانه فرهیخته و کتابشناس بزرگ، صاحب کتاب گرانسنگ الذریعة، مرحوم شیخ آقا

بزرگ تهرانی

«چون در روز مبعث خاتم پیامبران (ص) از سامراء به نجف اشرف برای زیارت سرور اوصیاء امیرالمؤمنین (ع) شرفیاب گشتم، از حسن اتفاق برخورد کردم به دانشور مورد اعتماد بزرگان و دست پرورده مجتهدان بزرگوار، عالم عامل و فاضل کامل، دارای مزایای ارجمند و آثار زیبا و ارزشمند، محقق مدقق، صاحب تألیفات ممتع و آثار کم نظیر، فخر شیعه و مایه قوام شریعت، علامه پارسای تقوایشه، مولانا حاج شیخ محمدرضا مشهور به مروج طبسی قمی - که خدای امثال وی را فراوان کند و شریعت محمدی را به وجود او تأیید نماید...» (سال ۱۳۵۱ ق)

۶- صاحب دائرةالمعارف عظیم اعیان الشیعه، مرحوم آیت الله سید محسن جبل عاملی در ضمن اجازه ای از علامه طبسی این گونه تعبیر می‌کند: ... «برادر الهی، عالم عامل، فاضل کامل، زبدة العلماء و عمدة الفضلاء، مولانا الشیخ محمدرضا مشهور به مروج طبسی...» (سال ۱۳۵۲ ق)

۷- محمدباقر بیرجندی خراسانی، صاحب کبریت الاحمر که عالمی بسیار دقیق و محدثی خبیر بوده است در ضمن اجازه ای که به محقق طبسی داده است از او این گونه تعبیر کرده است: _____

«جناب مؤید یگانه، عالم کامل فرزانه، پیشتاز فضایی متبحر و زبده عالمان مکرم محترم، فخر اعلام و مروج احکام، شیخ جلیل نبیل (استاد بزرگ شریف) ...» (سال ۱۳۴۹ ق)

۸- حکیم متأله و عارف بی بدیل، شیخ محمدعلی شاه آبادی

«و از جمله کسانی که در خلوت و جلوت، و در شب و روز به کشف حقایق و دقایق دانش دین پرداخته و مسائل دینی را بر بنیادهای آن استوار ساخته و حلال و حرام دین را از آن استنباط کرده تا آنکه مدال افتخار «انتم افقه الناس اذا عرفتم معانی کلامنا» را دریافت کرد. آنکه در راه صدق و صفا و سلوک کرده و مراتب قرب و کمال را نور دیده و به آسمان دانش و تقوا عروج کرده، همنام مولای ما و امید ما حضر رضا (علیه آلاف التحية والثناء)، حاج شیخ محمدرضا طبسی است ...»

آثار و کتب محقق طبسی

مرحوم آیه الله طبسی از جمله دانشمندانی بود که در سنگر دین با حربه قلم، دلسوزانه به دفاع از دین می پرداخت. حاصل این مرزبانی، سی و پنج کتاب و رساله است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

۱- ● گاه با عزمی استوار از حریم پدر ولایت، مدافع موحّد خاتم پیامبران (ص) یعنی

حضرت ابوطالب دفاع می کرد و در اثری ماندگار و

ممتع به معرفي آن يگانه مدافع رسول اکرم (ص) در سخت ترين شرايط مي پرداخت و پرده هاي ابهام را که از سوي دشمنان فرزندش علي (ع) پديد آمده است، کنار مي زد و به اين هم بسنده نمي کرد و هر ساله در روز رحلت غمبار جناب ابوطالب به سوگ مي نشست و مجلس ذکر مصيبت ترتيب مي داد. کتاب منية الراغب في ايمان ابي طالب که تحت عنوان « ابوطالب يگانه مدافع اسلام » ترجمه شده است .

۲- ● گاه مشعل هدايت به دست مي گرفت و به بيرون راندن ديو سیرتان و اندیشه هاي ناباب آنها از حوزه دين همّت مي گماشت:

الف) مصباح الهدى في الرد علي القاديانية

ب) قادياني چه مي گويد؟

ج) الصوفية المبتدعة

۳- ● گاه به تشييد پايه هاي دين مي پرداخت و اصول عقايد را مي نگاشت:

۱۱- الاعتقادات

۲- دروس في العقيدة و العقائد

۳- تبصرة المتعلمين في عقائد المؤمنين

۴- عقد الفرائد في اصول العقائد

۵- القول الفصيح في اصول الدين الصحيح

۶- الشيعة و الرجعة

۷- اثبات الرجعة

۱۸- الامام الغائب

... 9

فقہ و اصلاحی اصول مادی چیم:

٢- تقریرات بحث آیۃ اللہ العظمیٰ شیخ محمد حسین نائینی

٣-تقريرات بحث آية الله العظمى شيخ ضياء الدين عراقى

یا برای راهنمایی بنندگان خدای سبحان، قلم می زد:

١- اذخيرة الصالحين في شرح تبصرة المتعلمين (دوره فقه استدلالی)

٢- رسالة في الحج

٣- رسالة في المعاطاة

۴- مباحث فی علم الاصول

٥- طريق النجاة (رساله عمليه ايشان)

۶- ● گاہ بہ قرآن روی می آورد و بہ تفسیر آن می پرداخت

١- جامع البيان في تفسير القرآن

۲- تفسیر سورہ عمّ

۷- ● و در پایان به سوی مشعل هدایت و سفینه نجات روی آورد

١- مقتل الامام الحسين (ع)

صفحه ۲۵۶

٢- النهضة الحسينية و الدعوة الالهية

همراه با امام، همگام با انقلاب

۱- یکی از اهداف شوم رژیم مستبد شاهنشاهی از تبعید امام خمینی (ره) از ترکیه به نجف اشرف به خیال خام او کوچک کردن امام و محو کردن شخصیت ایشان در پرتو شخصیت های بزرگ علمی حوزه نجف بود. محقق طبسی از جمله کسانی بود که برای تعظیم و تکریم هر چه بیشتر امام و ناکام گذاشتن دشمنان اسلام، تا چهل کیلومتری نجف اشرف به استقبال امام شتافت و با آگاهی و بصیرت می گفت و بر این گفته پای می فشرد که باید از زحمات این مرد (یعنی امام خمینی) تقدیر به عمل آورد.

۲- در همان راستا حرکت زیبای دیگری را از محقق طبسی شاهد هستیم. ایشان پس از ورود امام به نجف اشرف و تشکیل نماز جماعت ایشان در مسجد شیخ انصاری (ره) به منظور تأیید و تجلیل و تثبیت موقعیت امام، نماز جماعت خود را در حرم مطهر امیرمؤمنان (ع) تعطیل کرد و در نماز جماعت امام شرکت می نمود.

۳- همچنین ایشان از جمله عالمان آگاه و بزرگواری بودند که برای خنثی کردن حرکت کور دشمنان اسلام، در تأیید و حمایت از امام خمینی اعلامیه صادر کردند و تلگرام فرستادند.

۴- این رجل الهی و شیر بیشه علم و تقوا و کیاست در دفاع از اسلام و امام در ضمن تلگرافی که حاکی از قوت ایمان و فراستی

صفحه ۲۵۷

مؤمنانه است خطاب به علم نخست وزیر وقت رژیم شاهنشاهی می نویسد: « کاری نکن که علم بر تو سنگین گردد ».

۵- ایشان حمایت از امام خمینی (ره) را حمایت از امام زمان (ع) می دانستند.

۶- در جریان دفاع مقدس، دیگران را به شرکت فعال در جبهه تشویق می کرد و همواره آرزو می کرد که ای کاش پیری و ضعف قوا مانع ایشان از رفتن به جبهه نبود و می توانست دوشادوش رزمندگان اسلام از حریم کشور امام زمان - ارواحنه فداه - دفاع کند .

۷- ایشان به این اکتفا نکرد و فرزند رشیدش آقا محمدصادق را در جریان دفاع مقدس تقدیم انقلاب کرد و افتخار پدر شهید بودن را نیز به دست آورد .

عروج به سوی معبود

مرحوم آیه الله طبسی پس از سال ها رنج و زحمت طاقت فرسا در راه اعتلای دین، رو به افول نهاد. در سال ۱۳۹۹ ه. ق به بیماری جانکاهی که از کثرت اشتغال به تألیف و اهتمام در امر دین پدید آمده بود مبتلا گردید و سرانجام در بیست و پنجم ماه ربیع الاول سال ۱۴۰۵ ندای حق را لبیک گفت و رخ در نقاب خاک کشید . پیکر پاک و مطهر این عالم ربانی در جوار حضرت فاطمه معصومه (س) در حجره ۳۸ صحن بزرگ به خاک سپرده شد .

عاش سعیدا و مات سعیدا

عبدالعزیز بن مهتدی قمی

امین روایت

سید جعفر ربانی

معرفی راویان علاوه بر این که زوایایی از زندگی ائمه (ع) را واضح می سازد، تلاش آن پروانه های عاشق را در راه نشر معارف شیعی، و جهت اصلی خط سرح تشیع آشکار می نماید .

این بار به معرفی یکی دیگر از آن شاگردان مکتب وحی و رهپویان راه حقیقت می پردازیم که او نیز مانند بسیاری، اشعری تبار و اهل سرزمین فقه و اجتهاد، قم بوده است .
وی « عبدالعزیز بن مهتدی » اشعری قمی است که علاوه بر مقرب بودن در پیشگاه امامان معصوم (ع) از راویان نیز به شمار می آید .

زمان حیات

روش رجال نویسان که متخصصان در شناخت راوی بوده اند بر ذکر تاریخ زندگی راویان نبوده است (به جز مواردی اندک .)

ولی از آنجا که آنان، اصحاب هر یک از ائمه (ع) را مشخص نموده اند زمان زندگی نقل کنندگان حدیث تا حدی معلوم گردد. عبدالعزیز بن مهتدی نیز مشمول همین قانون است.
زمان زندگی وی

برای ما معلوم نیست ولی دانشمندان رجال او را از اصحاب امام رضا (ع) دانسته اند. بنابر این او بین نیمه آخر قرن دوم و نیمه اول از قرن سوم می زیسته است .

صحابی انوار

بیشتر دانشوران، وی را فقط از اصحاب امام رضا (ع) دانسته اند ولی احتمال اینکه از اصحاب امام کاظم (ع) به حساب آید نیز وجود دارد چه این که خود نقل میکند: از « ابالحسن (ع) سوال کردم: آیا در پنبه و زعفران زکات وجود دارد؟ حضرت فرمود: نه^(۱) .

معمولاً مقصود از ابالحسن، امام کاظم (ع) است .

و اما در مورد امام جواد (ع) احتمال اینکه او از اصحاب آن حضرت باشد بسیار قوی است چرا که وی نامه ای خدمت آن حضرت نوشته و در مورد وجوهات شرعی و اموالی که در اختیار داشته توضیح خواسته است^(۲) .

اینکه شیخ طوسی هم او را جزء اصحاب (راویان) امام رضا (ع) دانسته^(۳) و هم جزء کسانی که از ائمه (ع) روایت نکرده اند^(۴)، جای بسی تعجب است .

صفحه ۲۶۳

در نگاه قدسیان

تاریخ و احادیث، نشانگر آن است که عبدالعزیز بن مهتدی مورد توجه و عنایت امام علی بن موسی الرضا (ع) و امام جواد (ع) بوده است .

اما در مورد امام هشتم (ع) دو مطلب شاهد گفتار ماست:

۱- وکالت

دوران امام هشتم (ع) و بعد از آن به دلیل برخورداری از حساسیت های زیاد، تشکلی منظم تحت عنوان « وکالت » را ایجاد می کرد. این حساسیت ها عبارت بودند از: سرعت فزاینده فعالیت های علمی، پیدایش گروه های فلسفی و کلامی کنترل شدید و جو خفقان از سوی عباسیان، پیدایش بعضی از افکار انحرافی به نام شیعه مانند تصوّف و غلو، لزوم تغذیه فکری و تأمین مسائل اقتصادی شیعیان .

وکلا، نمایندگان ائمه (ع) بودند که ضمن دریافت حقوق شرعی مربوط به مقام امامت (معصوم) وظایف سنگین فرهنگی را نیز بر عهده داشتند و خود از موقعیت سیاسی خاص برخوردار بودند^(۵).

افتخار وکالت علی بن موسی (ع) شامل عبدالعزیز بن مهتدی نیز گردید و او به دلیل لیاقت های خاص به این مقام نائل آمد.^(۶) گرچه حدود

صفحه ۲۶۴

اختیارات و اینکه در کدام ناحیه وکالت آن حضرت بر عهده وی بوده معلوم نیست. آری، ملاک گزینش، در فرهنگ امام معصوم و اولیای خدا همانا ارزشهای والای انسانی و الهی است و عبدالعزیز به همین جهت به این جایگاه بلند دست یافت و مورد انتخاب امامانش قرار گرفت.

۲- صحابی خاص

اصحاب ائمه (ع) در یک رتبه قرار نداشتند. برخی از آنان از شاگردان ضعیف محسوب می شدند و تعدادی در حد متوسط و جمعی از یاران خاص به شمار می آمدند. در نتیجه، امامان معصوم (ع) نیز به گونه های متفاوت با آنان برخورد می کردند و برای هر کس با توجه به مرتبه علمی و منزلتی که در تقوا و عرفان الهی داشت جایگاه ویژه ای در نظر می گرفتند. از این روی از یاران ائمه (ع) عنوان «صحابی خاص» اطلاق شده است.

عبدالعزیز مهتدی نیز از زمره اصحاب خاص امام هشتم (ع) به شمار می رود. فضل بن شاذان بزرگ فقیه و راوی شیعه در این مورد می گوید: عبدالعزیز بن مهتدی از اصحاب خاص امام، علی بن موسی الرضا (ع) بود^(۷).

این، در شرایطی است که بعضی از شیعیان آشنا به مقام

اهل بیت (ع) به مجرد اینکه نامشان در شمار شیعیان باشد بسیار خرسند بودند. نمونه آن، مرزبان بن عمران قمی است که به امام هشتم (ع) عرض می کند: سؤالی دارم که پاسخ آن برای من بسیار اهمیت دارد آیا نام من در شمار شیعیان شما قرار دارد؟ حضرت فرمود: آری^(۸).

با وجود این دیدگاه، صحابی خاص امام معصوم بودن از جایگاه بلند برخوردار بوده و نشانه اوج کمال و معرفت الهی است. و اما نظر امام جواد (ع) در مورد عبدالعزیز بن مهتدی از نامه ای که آن حضرت در پاسخ وی نوشتند معلوم می شود: «نامه تو به دستم رسید خداوند گناهان تو را بخشید و ما و تو را مورد رحمت خودش قرار دهد و همان گونه که من از تو راضی هستم او نیز از تو راضی باشد»^(۹).

این جملات، بیانگر احترام خاص امام (ع) نسبت به وی و حاکی از تقوا و عدالت و مقام قدسی اوست علاوه بر اینکه می تواند دلالت کننده بر تدبیر و سیاست او در جهت پیشبرد اهداف آن حضرت تلقی گردد.

ویژگی ها

فرزند مهتدی، خصوصیتی را در روح و روان خویش جای داد که هر کدام آنها برای پیروان اهل بیت (ع) قابل توجه و عنایت است.

الف) تسلیم امام (ع)

او با اینکه وکالت هشتمین اختر آسمان امامت و ولایت را بر عهده داشت اما بعد از شهادت آن بزرگوار، نامه ای به امام جواد (ع) نوشت و در مورد صرف اموال و بیت المال که در اختیار داشت راهنمایی خواست^(۱۰).

این در حالی بود که بعضی از وکلای امام کاظم (ع) به سبب اموالی که در اختیار داشتند امامت حضرت رضا (ع) را انکار کردند و مدعی شدند موسی بن جعفر (ع) برای همیشه زنده هستند. این انکار بدان جهت بود که بیت المال را به امام هشتم تحویل نداده خود مصرف کنند.

اینان، بنیانگذاران واقفیه بودند که علاقه به دنیا آنها را از مسیر حق منحرف کرد. آنها عبارت بودند از: علی بن حمزه بطائنی، زیاد بن مروان قنّدی و عثمان بن عیسی رواسی^(۱۱).

ب) صراط مستقیم: ابن مهتدی، هدایت یافته بود و بعد از شهادت امام کاظم (ع) هیچ گونه تردیدی در امامت حضرت رضا (ع) نکرده بر صراط مستقیم پا بر جای ماند. در حالی که عده ای از شیعیان (و بعضی بلندمرتبه) به علت تبلیغات واقفیه حداقل برای مدتی در امامت آن حضرت دچار

صفحه ۲۶۷

شک و تحیر گردیدند. از این روست که نمی بینیم کسی از دانشمندان رجال و تاریخ وی را جزء واقفیان به شمار آورد.

ج) احتیاط در دین: دین، امری حساس و بس خطیر است پس در فراگیری معارف آن اعتماد به هر کسی نمی توان کرد.

عبدالعزیز با یکی از اصحاب بزرگ امام رضا (ع) و امام جواد (ع) به نام «یونس بن عبدالرحمان» ارتباط داشت. جلالت و مقام یونس بر همگان آشکار بود ولی فرزند مهتدی با این همه، جانب احتیاط را از دست نداده نامه ای خدمت امام رضا (ع) نوشت و سؤال کرد: من همه اوقات نمی توانم خدمت شما برسم. آیا یونس بن عبدالرحمان موثق (مورد اطمینان) است تا از او مطلب دینم را سؤال کنم؟ حضرت فرمود: آری^(۱۲).

(د) تواضع: ع:

مطلب ديگري که از حديث ذکر شده به دست مي آيد اينکه عبدالعزيز بن مهدي با اينکه از اصحاب خاص و وکیل امام رضا (ع) و

صفحه ۲۶۸

داراي موقعيت و مقام سياسي و اجتماعي بود اما براي کسي معارف ديني سراغ يونس بن عبدالرحمان را گرفت و در مورد آنچه نمي دانست به اهل دانش مراجعه کرد. اين نيز درسي براي طالبان حقيقت و شيفتگان علم مي باشد.

مهر ياران

ابن مهدي در پيشگاه دانشمندان شيعه جايگاهي خاص داشته و همه او را امين در نقل حديث، بزرگوار و علاقه مند به اهل بيت (ع) مي دانند شاهد گفتار ما اين است که همه نقد کنندگان حديثي و رجالي و اصولي روايت او را در مورد يونس بن عبدالرحمان نقل کرده اند و به آن در موارد مختلف استدلال کرده اند و حديث را به سبب وجود عبدالعزيز در سند مخدوش ندانسته اند. اين، حاكي از مقبول بودن او نزد همگان است.

علاوه بر اين، دانشوران مذکور به تصريح در جلالت وي سخن گفته اند: فضل بن شاذان عالم و راوي بزرگ که داراي يکصد و شصت کتاب بوده در مورد او مي گويد: عبدالعزيز بن مهدي بهترين اهل قم است. من هيچ قمي را به مانند وي ندیده ام او وکیل حضرت رضا (ع) و از اصحاب خاص آن بزرگوار بود^(۱۳).

اين سخن فضل بن شاذان داراي اهميت زياد است چه اينکه او

صفحه ۲۶۹

خود داراي عظمت بسيار و با عده بيشماري از راويان آشنا بوده است.

رجالي سترگ، نجاشي مي گوید: عبدالعزيز بن مهتدي اشعري مورد اعتماد است و از امام رضا (ع) روايت کرده است^(۱۴).

شيخ طوسي که صاحب دو کتاب از کتابهاي چهارگانه معتبر شيعه است او را مورد اطمینان دانسته طريق خود را به کتاب وي ذکر مي کند^(۱۵). سيد بن طاوس نیز او را توثيق کرده سخن فضل بن شاذان را در مورد وي یادآور مي شود^(۱۶).

علامه حلي، عبدالعزيز را در بخش اول کتاب خود (کساني را که مورد اعتماد مي دانند) قرار داده و از او تمجيد کرده است^(۱۷).

دودمان

نجاشي تبار وي را بدین گونه یاد مي کند: عبدالعزيز بن مهتدي بن محمد بن عبدالعزيز^(۱۸). هيچ يك از پدران وي را جزء راويان و علماي قم نيافتيم گر چه بدون شك همه آنها شيفتگان و علاقه مندان به اهل بيت (ع) بوده اند. تنها کساني را که از بستگان او جزء راويان مي توان به شمار آورد،

صفحه ۲۷۰

دو تن از نوه هـاي وي مـي باشـند:
۱- حسن بن حسين بن عبدالعزيز:
علامه مجلسي او را نوه عبدالعزيز معرفي کرده و هرگاه در کتاب پر ارزش بحارالانوار از «ابن المهتدي» یاد مي کند مقصودش هموست^(۱۹).
حسن بن حسين بن عبدالعزيز اين روايت را از امام صادق (ع) با چند واسطه روايت کرده است.

روز اول ماه رجب حضرت نوح (ع) سوار بر کشتي شد و به همراهان خود دستور داد اين روز را روزه بگيرند و فرمود: کسي که اين روز را روزه بدارد به مقدار يك سال از آتش جهنم

دور مي گردد و کسي که هفت روز را روزه بگيرد درهاي هفت گانه جهنم به روي او بسته خواهد شد و کسي که هشت روز را روزه داشته باشد درهاي هشتگانه بهشت به رويش باز خواهد شد و کسي که پانزده روز روزه بگيرد حاجتش عنايت مي شود کسي که بيشتر روزه بگيرد خداوند نيز پاداش بيشتر عطا مي فرمايد^(۲۰).

۲- محمد بن حسين بن عبد العزيز:
بنا به گواهي نجاشي، محمد بن حسين، نوه عبدالعزيز مي باشد^(۲۱). و بعضي از اسناد نيز آن را تأييد مي نمايد.

صفحه ۲۷۱

بنابراين آنچه در يکي از سندهاي کتاب کافي آمده و محمد بن حسين را جد عبدالعزيز معرفي کرده^(۲۲) ناتمام به نظر مي رسد و صحيح آن اين است: عن عبدالعزيز بن مهدي جد محمد بن الحسين^(۲۳).

محمد بن حسين نقل کننده کتاب « دعوات الايام » محمد بن عيسي طلحي است ولي توثيق خاص نشده است.

دانش

عبدالعزیز بن مهدي در زندگي علمي خود موفق به گردآوری مجموعه روايي گرديد و از صاحبان، « کتاب » به شمار مي آيد بدین جهت است که ابوالعباس نجاشي از وي نام مي برد چرا که قصد او معرفي صاحبان کتاب است.

روایت او هر چند زیاد نیست اما در بیشتر کتابهای معتبر شیعه احادیثی از وي به چشم مي خورد.

در کتابهای چهارگانه معتبر شیعیان پانزده حدیث، در وسائل الشیعه هفده و در بحارالانوار نوزده مورد از او حدیث نقل شده است. مجموع روایات وي بدون تکرار به بیست

و يك مورد بالغ مي گردد. بيشتر احاديث عبدالعزيز بن مهدي از امام هشتم (ع) و به صورت شفاهي و كتبي است. و از امام صادق (ع) نيز رواياتي با واسطه نقل کرده است.

صفحه ۲۷۲

اساتید او در حـ _____ دیث عبارتند از:

- اسعد بن سعد

۲- سیف بن مبارک بن یزید

٣- عبدالله بن ابي يعفور

۴- عبداللہ بن جندب

۵- محمد بن نصیر

٦- يونس بن عبد الرحمان

و شش‌آگردان او بـ سـ دین ترتیب مـ ی باشد:

۱- ابراهیم بن هاشم

٢- احمد بن محمد بن خالد

۱۳- احمد بن محمد بن عیسیٰ

۴- بکر بن زیاد

۵- حسن بن حسین

۶- حسن بن محبوب

۷- علی بن مهزیار

۸- عبدالله بن صلت قمی

۹- فضل بن شاذان

۱۰- محمد بن عیسیٰ بن عبید

۱۱- نوح بن شعیب نیشابوری

در يك تقسيم بندي كلي رواياتي كه عبدالعزيز بن مهدي نقل کرده پيرامون اين محورهاست:

صفحه ۲۷۳

مقام ائمه (ع) عظمت شیعیان، مسائل فقهی و اخلاقی، موثق بودن یونس بن عبدالرحمان، علاج بعضی امراض به وسیله صدقه و دعا و خواص بعضی از میوه ها .
یادآوری چند حدیث از آنچه او نقل کرده و می تواند زینت بخش سخن و چراغی فرا راهمان باشد:

وارثان انبیاء

عبدالعزیز بن مهدي از عبدالله بن جندب نقل مي کند که امام رضا (ع) ضمن نامه اي خط _____ اب _____ عبدالله _____ه نوش_____تند:
اما بعد، همانا محمد (ص) امين خدا در ميان خلق بود و چون رحلت فرمود ما اهل البيت وارث او شدیم پس ما هستیم امين هاي خدا در زمين. علم بلاها و مرگها و نژاد عرب نزد ماست. ما هستیم که کافر و مسلمان را مي شناسيم. ما هستیم که وقتي مردی را بينيم مي دانيم حقيقتاً مؤمن است يا منافق .

اسامي شیعیان ما و پدرانشان نوشته شده و خداوند در مورد امامت ما از آنها پيمان گرفته و آنها مطيع ما مي باشند. جز ما و ايشان کسی در کيش اسلام نيست. ما ئيم نجيب و رستگار، ما هستیم بازماندگان پيامبران و فرزندان اوصياء، ما در کتاب خداوند عزوجل خصوصيت داريم و سزاوارتر به کتاب خدا و رسول او هستیم .

و ما چنان کساني هستیم که خداوند دينش را براي ما مقرر داشته آنجا که مي فرمايد:

آنچه به نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (ع) سفارش کردیم و آنچه به تو ای پیامبر وحي کردیم همه برای شما (آل محمد) (ص) مقرر کردیم. آن سفارش این بود که ای آل محمد دین را بپادارید و متفرق نشوید و این بر (مشرکان ولایت علی) (ع) گران آمد. ای محمد (ص) خداوند کسی را که ولایت علی (ع) را بپذیرد هدایت می کند^(۲۴).

توحید

عبدالعزیز بن مهتدی می گوید: از امام رضا (ع) در مورد توحید سؤال کردم حضرت فرمود: هر کس (سوره) قل هو الله احد را بخواند و به آن ایمان داشته باشد توحید را شناخته است. عرض کردم: چگونه بخواند؟ فرمود: همان گونه که مردم می خوانند و بعد سه مرتبه بگوید: کذلک الله ربی (^(۲۵)خداي من این چنین است)

حضور قلب

عبدالعزیز بن مهتدی از عبدالله بن ابی یغفور نقل می کند که امام صادق (ع) خطاب به ابن ابی یغفور فرمودند: یا عبدالله اذا صلیت صلاة فریضه فصلها لو قتلها صلاة مودع یخاف ان لا یعود الیها ثم اصرف ببصرک الی موضع سجودک فلو من عن یمینک و شمالک لا حسنت صلاتک و اعلم انک بین یدی من یراک و لا تراه^(۲۶).

یعنی ای عبدالله، نماز واجب را در وقت خود به جای آور بدان گونه که آخرین نماز توست و چشمت را به محل سجده ات متوجه ساز. اگر بدانی چه کسی بر تو احاطه دارد نمازت را کامل به جای می آوری. بدان که تو در پیشگاه کسی هستی که تو را می بیند ولی تو او را نمی بینی .

دعای مستجاب

عبدالعزيز با يك واسطه از امام كاظم (ع) نقل مي كند كه آن حضرت فرمود: هر گاه يك نفر از شما مريض شد اجازه دهد كه مردم به عيادت او بيايند (تا در حق او دعا كنند) زيرا هر كسي يك دعاي مستجاب دارد^(۲۷).

قرض الحسنه

ابن مهتدي با يك واسطه از امام كاظم (ع) نقل مي كند كه آن حضرت در تفسير اين آيه قرآن (كيست كه به خدا قرض الحسنه دهد تا خداوند آن را چند برابر كند و اجر زيادي عنايت فرمايد)^(۲۸). (فرمودند: مقصود خداوند كمك به امام (معصوم) است در دولة فاسق .
(۲۹)

صفحه ۲۷۶

خواص بعضي از ميوه ها و خوراكي ها

فرزند مهتدي با يك واسطه از امام صادق (ع) نقل مي كند: در هر كسي ريشه اي از مرض جذام وجود دارد پس شلغم را در زمان خودش بخوريد تا آن و هر درد ديگر را از بين ببرد^(۳۰).

و نيز در حديث ديگري كه با يك واسطه از امام صادق (ع) نقل كرده آن حضرت فرمودند: چهار چيز مزاج را تعديل مي كند. انار سوراني، خرماي نارس، به پخته شده و بنفشه و كاسني^(۳۱).

پي نوشت ها :

۱ - اصول كافي، محمد بن يعقوب كليني، ج ۳ ص ۵۱۲ دارالكتب الاسلاميه، چاپ

سوم، ۱۳۶۷ هـ - ري شمسي

۲ - رجال الكشي، ابو عمر و الكشي، ج ۲ ص ۷۹۵ مؤسسه آل البيت (۱۴۰۴ع) هـ ق الغيبة،

- شیخ طوسی، ص ۳۴۹ مؤسسه المعارف الاسلامیه ۱۴۱۱ه ق .
- ۳ رجال الطوسی، شیخ طوسی، ص ۳۸۰ دار الذخائر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ه ق .
- ۴ همسان کتاب، ص ۴۸۷ .
- ۵، لک، حیات فکری و سیاسی امان شیعہ، رسول جعفریان، ج ۲ ص ۱۵۴ نشر سازمان تبلیغات اسلامی .
- ۶ رجال الکشمی، ج ۲ ص ۷۹۵ .
- ۷ همسان کتاب، ص ۷۷۹ .
- ۸ همسان کتاب، ص ۷۹۴ .
- ۹ همان کتاب، ص ۷۹۵ رحمننا وایاک ورضی اللہ عنک برضای عنک .
- ۱۰ تاریخ قم، ناصر الشریعہ، ص ۲۰۳ با مقدمه و تصحیح استاد علی دوانی .
- ۱۱ الغیبة، ص ۴۲ و ۴۳ نشر بصیرتی، ۱۳۸۵ه ق .
- ۱۲ وسائل الشیعہ، حر عاملی، ج ۲۷ ص ۱۴۷ مؤسسه آل البيت ۱۴۰۹ (ع)ه ق، بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۲ ص ۲۵۱ دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ه ق دانشمندان علم اصول و از جمله شیخ اعظم، انصاری قدس سره در مورد حجیت خبر واحد به این حدیث استدلال کرده اند به این بیان که او از مؤثق بودن یونس سؤال می کند و این بدان معنی است که اگر کسی مؤثق باشد سخن او پذیرفتنی است (فرائد الاصول، شیخ انصاری، ص ۸۵ نشر مصطفوی، ۱۳۷۴ه ق .)
- ۱۳ رجال الکشمی، ج ۲ ص ۷۹۵ و ۷۷۹ .
- ۱۴ رجال النجاشی، ابوالعباس احمد بن علی النجاشی، ص ۲۴۵ مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ه ق .
- ۱۵ الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۱۹ انتشارات رضی .
- ۱۶ تحریر الطوسی، شیخ حسن بن زین الدین، ص ۴۴۵ نشر مکتبه آیه الله مرعشی،

- ۱۷ رجال العلامة الحلّي، حسن بن يوسف الحلّي، ص ۱۱۶ نشر رضی، ۱۴۰۲هـ ق .
- ۱۸ رجسّال النجاشی، ص ۲۴۵ .
- ۱۹ بحار الانوار، ج ۱ ص ۶۱ .
- ۲۰ وسائل الشیعه، ج ۱ ص ۴۷۲ .
- ۲۱ رجسّال النجاشی، ص ۲۴۵ .
- ۲۲ کفافی، ج ۷ ص ۶۴ .
- ۲۳ معجم رجال الحديث، آية الله خويي قدس سره، ج ۱۱ ص ۴۲ چاپ پنجم، ۱۴۱۳هـ ق .
- ۲۴ اصول کافی، ج ۱ ص ۳۲۴ و ۲۸۴ دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع) .
- ۲۵ التوحيد، شيخ صدوق، ص ۲۸۴ نشر جامعه مدرسين، ۱۳۹۸هـ ق .
- ۲۶ وسائل الشیعه، ج ۵ ص ۴۷۵ .
- ۲۷ کفافی، ج ۳ ص ۱۱۷- وسائل، ج ۲ ص ۴۱۴ .
- ۲۸ حدید، آیه ۱۱ من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا يضاعفه له وله اجر كريم .
- ۲۹ کافی، ج ۸ ص ۳۰۲ تفسیر نور الثقلین، عبدالعلي بن جمعه، ج ۵ ص ۲۳۹ با تصحيح و تعليق سيد هاشم رسولي محلاتي .
- ۳۰ المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقي، ج ۲ ص ۳۳۳ نشر مجمع جهاني اهل بيت (ع)، ۱۴۱۶هـ ق بحار الانوار، ج ۶ ص ۲۲۰ کفافی، ج ۶ ص ۷۲ .
- سوران سرزميني است در عراق و جزء بابل به حساب مي آمده (معجم البلدان، ياقوت حموي، ج ۳ ص ۲۷۸ دار صادر و بيروت .)
- ۳۱ الخصال، شيخ صدوق، ج ۱ ص ۲۴۹ نشر جامعه مدرسين، چاپ پنجم، ۱۴۱۴هـ ق بحار الانوار، ج ۶ ص ۱۲۴ .

«حرفی که این مرد (آقای محمد ابراهیم آیتی) بگوید، سند است»

(شهید مطهری)

تولد

در سال ۱۳۳۳ هجری قمری در قریه گازار از توابع بیرجند در خانواده ای روحانی و شیعه متولد شد و اهل خانه را از قدم خویشتن شاد کرد این فرزند محمد ابراهیم نام گرفت . پدرش شیخ محمد قاضی پیشنماز روستای گازار بود که به امور شرعی مردم رسیدگی می کرد. او در سبک روحانیت و در امور دینی خود و مردم کوشا بود .

تحصیلات و استادان

محمد ابراهیم که توفیق تربیت در دامن مادر متدین پیدا نموده بود رشد کرد و به سن تحصیل رسید .

شروع تحصیلات و استادان ایشان در نوشته ای که از ایشان بر جای مانده به خوبی روشن می گردد و زیباتر آنکه به همان بسنده کنیم. ایشان می نویسد: «هفت ساله بودم که پدرم مرحوم شیخ محمد قاضی مرا برای فراگیری قرآن مجید و خواندن کتابهای فارسی مذهبی و اخلاقی از قبیل عین الحیات و جلاء

العیون و حلیۃ المتقین مرحوم مجلسی نزد «آخوند ملا عبدالله گزاری» برد و به وی سپرد. مقدمات عربی را از مرحوم پدرم فرا گرفتم، نه ساله بودم که پدرم در سوم ماه رمضان سال ۱۳۴۲ قمری مرحوم شد. پس از آن شرح «قطرانندی» و «القیه» ابن مالک «سیوطی» و «شرح جامی» را نزد همان ملا عبدالله و «محمد ابراهیم بویکی» خواندم. سیزده ساله بودم که با اجازه مادرم برای ادامه تحصیل به شهر بیرجند رفتم و مدت پنج سال در مدرسه معصومیه کتابهای «حاشیه» ملا عبدالله یزدی و «شرح شمسیه» در منطق، «شرح نظام» و «مغنی البیب» در صرف و نحو و قسمتی از «مطول» در معانی و بیان و بدیع و «معالم» و قسمتی از «قوانین الاصول» میرزای قمی در اصول، «تبصرة» علامه حلّی و «شرح لمعه» شهید ثانی در فقه و مختصری حساب و هیأت و مقداری از شرح «سبعة معلقة» را خواندم. در این مدت پنج سال در شهر بیرجند از محضر مرحوم حاج شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی و آیه الله حاج شیخ محمد حسین آیتی و مرحوم شیخ غلامرضا فاضل و آقای حاج شیخ محمد علی ربّانی و مرحوم حاج ملا محمد دهکی استفاده بردم و شاگردی آنها را نمودم. هیجده ساله بودم که برای ادامه تحصیل به مشهد مقدس مشرف و در مدرسه باقریه ساکن شدم و بقیه شرح لمعه و مطول و قسمتی از فصول و قسمت منطق شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری و آنگاه تمام سطح مکاسب، رسائل شیخ انصاری و کفایه آخوند خراسانی را در محضر استادان فرا گرفتم. ضمناً هیئت قدیم را نزد مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی و آقا شیخ مجتبی قزوینی و آیه الله میرزا حسین فقیه سبزواری و آیه الله ادیب نیشابوری و مرحوم حاج شیخ حسن پایین خیابانی و برخی اساتید دیگر خواندم. در همان حال با درس خارج فقه و معارف مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی آشنا شدم و با ذوق فراوان در حدود دو سال به درس پر بهره ایشان می رفتم و در همین اوقات به درس شرح

منظومه آقا میرزا مهدی فرزند مرحوم آقا بزرگ حکیم می رفتم و از این راه با فلسفه قدیم آشنا شدم. آشنایی من با متون عالی فلسفه قدیم از قبیل شرح اشارات، شفاي بوعلی و اسفار مرحوم آخوند ملاصدرا در خارج از محیط طلبگی بود^(۱) .»

زندگی طلبگی و دوران تحصیل استاد آیتی

استاد محمد ابراهیم آیتی در شرایط سخت دوران تحصیل علوم اسلامی را گذراند و با سختکوشی و مقاومت این مسیر را پیمود. چند نکته از آن ایام را او در نوشته ای که نگاشته از آن جهت که عبرت آموز است در اینجا می آوریم تا شیوه تحصیل و کسب کمال را در دوران نوآموزان این خاك آن چنانکه مردان رفتند زنده کنیم:

«حوزه های درس هرگاه محدود به چند نفر و کم جمعیت بود غالباً در اطاقهای مسکونی مدارس و درسهای سطوح عالی و خارج که جمعیت بیشتری در آن شرکت می داشت بیشتر در مدرسه های نسبتاً وسیع مدارس که فرش آن در تابستان و زمستان منحصر به حصیر بود و یا در شبستان های مساجد که نیز در تابستان و زمستان حصیر فرش و بسیار سرد بود و هرگز بخاری نمی دید، تشکیل می گردید .

کسانی که اهل کار و تحصیل بودند تقریباً تمام وقتشان به درس خواندن و مطالعه کردن و مباحثه کردن همان درسها و (اگر خود از فضایی حوزه بودند) به درس گفتن برگزار می شد و فقط در هفته ای دو روز پنجشنبه و جمعه تعطیل

صفحه ۲۸۲

بود، که آن هم احیاناً با درسهای تعطیلی از قبیل ریاضیات و هیئت و تفسیر و حدیث و جز اینها می گذشت .

زندگی طلبگی بسیار ساده و در عین حال پرنشاط برگزار می شد. در آن تاریخ کمتر افکار اجتماعی به محیط طلبگی راه داشت و گیر و داری هم اگر پیش می آمد از حدود حجره های

مدارس تجاوز نمی کرد. تا در بیرجند بودم با اینکه مدرسه معصومیه اوقاف زیادی داشت، به طلبه مدرسه چیزی نمی رسید و متصدیان اوقاف تمام درآمد موقوفه را می خوردند و زندگانی ساده طلاب منحصر از کمکهای پدران و مادرانشان می گذشت .

اما در مشهد مقدس چون از طرفی موقوفات مدارس سرشارتر بود و از طرف دیگر متصدیان اوقاف آنجا مانند متصدیان اوقاف بیرجند نبودند مختصر حق السکوت و قوت لا یموتی به طلاب داده می شد و روزی که وارد مشهد شدم متصدی اوقاف مدرسه باقریه آقا شیخ جواد شیخ الاسلامی اصفهانی به دیدن من آمد و از همان روز مبلغ سی ریال (که شهریه کامل آن مدرسه بود) حقوق ماهیانه برای من قرار ساخت و این مبلغ در آن تاریخ برای زندگی طلبگی متوسط یک نفر به خوبی کفایت می کرد^(۲) .»

تحصیل و تدریس در دانشگاه

مرحوم آیتی پس از فراگیری دروس حوزه های علوم دینی به دانشگاه راه یافت و در کنار تدریس به تحصیل نیز پرداخت. در سال ۱۳۳۴ شمسی در دانشکده علوم معقول و منقول مشغول به تدریس شد و درسهای تاریخ اسلام، تاریخ تمدن اسلام، فقه (دوره لیسانس) و

صفحه ۲۸۳

فقه الحدیث (دوره دکتری) را درس می داد^(۳). او در همان دانشکده معقول و منقول تهران تحصیل کرده بود و موفق به اخذ درجه دکتری شده بود. ایشان علاوه بر علوم اسلامی و ادبیات عرب به زبان انگلیسی نیز احاطه کامل داشت و از این راه با اندیشه های غربی و متون و روش تحقیق آنان آشنا گردید^(۴).

از امتیازات بسیار ارزنده حیات علمی مرحوم آیتی این است که او هرگز خود را در علوم متداول حوزه ها و مجامع علمی محدود نساخت. گو اینکه راز موفقیت هر اندیشه ور دلسوز و تلاشگر و کاوشگر پر توفیق این است که خودجوش و زیرکانه بیابد چه چیزی را باید بخواند و

کدام راه را برود. بدینسان او در تاریخ دوره اسلامی و تاریخ پیامبر و اهل بیت نیز تلاش فراوان کرد و یکی از متخصصان این رشته در آمد و از تألیفات ایشان نیز این نکته آشکار خواهد شد. شهید مطهری در تمجید از مقام علمی و زحمات ایشان چنین یاد می‌کند: «آقای آیتی یک مورّخی است نسبت به تاریخ صدر اسلام، من به جرأت می‌توانم بگویم در همه تهران و شاید در همه کشور کسی نداریم که به تاریخ صد ساله اول اسلام مثل آقای آیتی احاطه داشته باشد. کسی مثل او نیست که به جزئیات این قسمت از تاریخ احاطه و اطلاع داشته باشد. این مرد بر تمام متون تاریخی این قسمت مسلط است و جزئیاتش را می‌داند. اگر مثلاً از جنگ بدر پرسید، یک یک آدمهایش را

صفحه ۲۸۴

می‌شناسد. حتی گاهی می‌گوید پدرش کیست، مادرش کیست، خویش و تبارش کیستند. حرفی که این مرد بگوید سند است... ایشان آخرین اثری که تألیف کرده اند و دانشگاه چاپ کرده است کتابی است در تاریخ اندلس. کتاب بسیار خوبی است و درباره حادثه اسلامی بزرگی است که ما مسلمانان و بالخصوص ایرانیها در موضوع این حادثه خیلی تقصیر کرده ایم. این تاریخ را بگیرید و بخوانید^(۵)».

از دیگر خصوصیات او تحقیق‌های نو و بدیع است. او در تاریخ به بررسی و کنکاشی ارزنده پرداخت و نکات ابهام و نقاط کور را شناسایی کرد و به بحث و بررسی در آن پرداخت. این خصلت او در کتاب بررسی تاریخ عاشورا به خوبی ظهور کرده است یعنی او در این قضیه مطیع و دنباله‌رو هیچ کس نیست و آزادانه و زیبا بر اساس مبانی اصیل و اساسی قرآن و عترت و با عقل سلیم و ذهل جوال خویش به میدان آمده و به راستی به نقد احیاءگری در جریان عاشورا دست زده است. ترجمه‌های او نیز از کارهای اصیل و بدیع به حساب می‌آید که از آن جمله «البلدان» و «تاریخ یعقوبی» هر دو از ابن واضح یعقوبی است.

یک‌ی از نویسندگان درباره روش و شیوه او در تحقیق گوید:
«در تحقیق و تجسس علمی مردی دقیق و جویا بود. مزیت او در کارهای علمی بر این بود که علم قدیم را با روش جدید آن چنانکه پسند طابع ابناء روزگار باشد جمع داشت و نیک دریافته بود که جامعه علمی کنونی چه حاجت و نیازی دارد و چگونه باید در عرضه کردن مسائل قدیم قدم برداشت. نمونه کامل اثر او که بدین شیوه تدوین شده است رساله اجتهادی دکتری او را به نام

صفحه ۲۸۵

«مقولات» (مبحثی از منطق) باید نام برد که با توجه به اصول به جا گفتن و به اندازه گفتن و به زبان روشن گفتن و مبتنی بر مآخذ قدیم و کتب اروپایی تدوین کرده است^(۶).)

صفای ضمیر استاد آیتی

یکی از دوستان و ارادتمندان حضرت استاد آیتی از حالات و روحیه های زیبای ایشان اندک سخنی گفته اند پرمغز و ارزشمند که نشان از روحی لطیف و ضمیری روشن دارد که در اینجا نقلاً مـیـشـود:
«دوست دانشمند ما دکتر محمد ابراهیم آیتی نمونه ای کامل از مردان راه خدا و برگزیده ای از مردم پرهیزکار روزگار ما بود .

مرحوم دکتر آیتی انسانی وارسته و سلیم النفس، بسیار صبور و سلیم، کم گوی و گزیده گوی و به حقیقت از مردان با کمال راستین در عهده بود که از این خصایص و صفات نمونه های بسیار دیده نمی شود^(۷).)»

یک‌ی از نویسندگان درباره ایشان می گوید:
«اندیشمند و محقق اسلامی فرزند حوزه و دانشگاه مرحوم حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد ابراهیم آیتی دانشمندی باتقوا، استادی کثیرالاطلاع، سخنوری متبحر و مورخی با

حقیقت بود. او در همه عمر با کمال اخلاص مشغول خدمت به دین و علم بود و همانند سربازی فداکار و از خود گذشته انجام وظیفه می نمود و همواره پاسدار مرزهای عقیده و ایدئولوژی اسلام بود^(۸)».

صفحه ۲۸۶

استاد احمد آرام در مقدمه کتاب آئینه اسلام درباره او می گوید: «مرحوم آیتی از مردانی بود که به گزاف سخن نمی گفت. اهل تحقیق و تتبع بود و آنچه را که نمی دانست یا در دانسته خود شك داشت برای آنکه فقط چیزی گفته یا نوشته باشد بر زبان یا قلم نمی آورد. در مجلسی که دست کم هفته ای یکبار با هم بودیم کمتر از دیگران سخن می گفت ولی هرگاه کسانی را می دید که به مکابره می خوانند حقی را پایمال کنند و باطلی را بر کرسی بنشانند آنگاه دیگر خاموشی را روا نمی داشت و آنچه را که گفتنی بود بی کم و زیاد می گفت^(۹)».

اقدامات اجتماعی و فرهنگی

حضرت حجة الاسلام مرحوم محمد ابراهیم آیتی از آنگاه که دست مایه ای در علوم به هم زد و توانی در خویش احساس نمود از پای نشست و تلاش شبانه روزی خویش را برای احیای فکر دینی در این قرن بکار بست.

او از دوستان شهید مطهری، آیه الله بهشتی و آیه الله طالقانی بود و با هم مراوده علمی و مباحثه داشتند. در آن زمان نوای بیداری در بعضی از مجامع علمی و فرهنگی برخاسته بود و حرکت های خودجوش ارزشمندی برای شناخت درست اسلام ایجاد شده بود. کار مهم اندیشه وران آن روز تغذیه فکری این مجامع بود و استاد آیتی یکی از کسانی بود که در انجام این مهم کوشا بود. در انجمن اسلامی

مهندسان، جلسات ماهانه دینی که شهید مطهری نیز سخنرانی داشت شرکت داشت و به سخنرانیهای ارزشمندی می پرداخت و این سخنرانیها بلافاصله تایپ و تکثیر می شد و با استقبال فراوانی نیز روبرو گشت .

او همچنین در پرداختن به برخی موضوعات اسلامی و پیراستن نقص ها و خرافه ها متون اصیل و استواری را عرضه کرد که از آن جمله « بررسی تاریخ عاشورا » که ابتدا در رادیو ایران آن زمان پخش گردید و نیز « سیمای امیرالمؤمنین از مسجد الحرام تا مسجد کوفه » و برخی مباحث دیگر که به صورت مقاله ارائه شده است .

کتاب « سرمایه سخن » را که در مناسبت های اسلامی طول سال می باشد برای واعظان و اهل منبر نوشت تا در مناسبت های گوناگون مطالب صحیح در دسترس افراد باشد و بتوانند با تکیه بر متون مطمئن معارف دین را طرح کنند .

یکی از تلاش های تحسین برانگیز ایشان تلاش در راه انتشار کتابهای مذهبی بود که از آن جمله تلاش گروهی ایشان و همراهانش منشأ ایجاد « شرکت انتشار » گردید. باری او در راه اصلاح ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه خویش از هیچ خدمتی فروگذار نکرد و با قلم و زبان و دست خویش هر آنچه کرد برای احیای فکر دینی و اندیشه الهی بود . او یکی از کسانی بود که آرزوی آقایی و سربلندی اسلام و مسلمین را در سر می پروراند و امیدوار به بازگشت امپراتوری پهنآور اسلام بود .

او این اندیشه اصلاح گرانه را در ابتدای کتاب آئینه اسلام آنجا که از کتاب تعریف و تمجید کرده است آورده است .

«امید است در این عصر که گویی مقدمات بیداری مسلمین فراهم گشته است این گونه کتابها بتواند مردم را تکان دهد و نهضت‌های ثمربخش فکری و مذهبی بوجود آورد و مسلمانان را برای سروری جهان آمده سازد»^(۱۰).

و این سخن هنگامه‌ای بر دل صفحه نشسته است که قیام سال ۱۳۴۲ به رهبری امام خمینی آغاز گشته بود.

تالیفات

زندگی حضرت استاد محمد ابراهیم آیتی سراسر تلاش و کوشش و تحقیق و جستجو بود. او در تمام مدت عمر خویش دمی آرام ننشست و همواره به کار مشغول بود. حاصل این حیات مبارک تالیفات و آثار قلمی ارزشمندی است که از آن فرزانه بر جای مانده است و ما در این مقال به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱- تاریخ پیامبر اسلام

این کتاب تحقیقی است مستند، گسترده و دقیق بر اساس متون کهن در پیرامون حیات اشرف مخلوقات هستی حضرت رسول اکرم (ص) که مؤلف در تنظیم آن زحمات فراوانی را متحمل شده‌اند. این کتاب با تعلیقات و اضافاتی از دکتر ابوالقاسم گرجی از طرف دانشگاه تهران چاپ شده و چندین بار تجدید چاپ گردیده است.

صفحه ۲۸۹

۲ و ۳- ترجمه تاریخ یعقوبی

این کتاب در دو جلد ضخیم چاپ شده است و از ترجمه‌های ارزشمند متون تاریخی به حساب می‌آید به طوری که در سال ۱۳۴۲ این ترجمه به عنوان کتاب سال شناخته شد. متخصصان ترجمه نسبت به ترجمه‌های دقیق و اصولی مرحوم آیتی اعتماد خاصی دارند. این اثر نیز چندین بار تجدید چاپ شده است.

۴- آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا

به طوری که ایشان در مقدمه کتاب ذکر می کنند این اثر حاصل تحقیق و تدریس سال های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ دوره لیسانس دانشکده معقول و منقول تهران است و ایشان در این کتاب تاریخ حوادث مهم هشت قرن حکومت مسلمین در اروپا را به تفصیل بیان کرده اند که شامل تاریخ حکومتها، دست نشاندگان حکام عباسی و غیر آن می باشد. این کتاب در سال ۱۳۴۰ در ۳۵۷ صفحه چاپ شده است.

۵ و ۶ و ۷- سرمایه سخن

این کتاب به انگیزه تقویت و غنی سازی سخنرانیهای اسلامی تهیه شده است و مجموعه ۸۰ مقاله درباره مناسبت های مذهبی است که سی مجلس آن در باره ماه مبارک رمضان، بیست و پنج مجلس درباره ماه محرم و صفر و بیست و پنج مجلس دیگر در مناسبت های دیگر سال می باشد. این اثر به همت مرحوم آیتی و یکی از دوستانش به نام سید محمد باقر سبزواری تهیه و تنظیم شده و در سال ۱۳۳۹ به چاپ

صفحه ۲۹۰

رسیده است.

۸- بررسی تاریخ عاشورا

خمیر مایه این کتاب را مجموعه هفده سخنرانی دکتر آیتی در رادیو ایران در سال های ۱۳۴۳ - ۱۳۴۲ تشکیل می دهد. این اثر به همت استاد علی اکبر غفاری تنظیم و چاپ شده و تاکنون در حدود ۱۰ نوبت تجدید چاپ شده است.

۹ و ۱۰- تصحیح تفسیر شریف لاهیجی

مرحوم استاد آیتی جلد ۳ و ۴ این تفسیر را به صورت زیبا و اصولی تصحیح نموده اند و در سال ۱۳۴۰ از طرف اداره اوقاف تهران به چاپ رسیده است.

۱۱- ترجمه البلدان یعقوبی

این کتاب نیز به وسیله بنگاه ترجمه و نشر کتاب در سال ۱۳۵۶ در ۲۱۱ صفحه چاپ شده است.

۱۲- افکار جاوید محمد

این کتاب ترجمه ای از متن انگلیسی

۱۳- اصل کتاب به زبان انگلیسی بوده و ایشان آن را ترجمه نموده است.

صفحه ۲۹۱

۱۴- آئینه اسلام

ترجمه ای است از متن عربی آن اثر نویسنده توانای مصری دکتر طه حسین که در تهران وسیله شرکت انتشار به چاپ رسیده است.

۱۵- سیمای امیرالمؤمنین از مسجدالحرام تا مسجد کوفه این کتاب سخنرانی استاد در جلسه ماهانه دینی است که ابتدا در کتاب گفتار ماه، ج ۳ ص ۱۶۴ - ۱۲۹۶ چاپ شده و سپس به صورت جداگانه به زیور طبع آراسته گردیده است.

۱۶- راه و رسم تبلیغ

مقاله ای است که در کتاب گفتار ماه جلد دوم، ص ۱۷۴ - ۱۴۹ به چاپ رسیده است.

۱۷- کتاب و سنت

در کتاب گفتار ماه جلد اول، ص ۲۲۵ تا ۲۵۲ به چاپ رسیده است.

۱۸- همه مسئول یکدیگریم مقاله ای است در کتاب همه مسئول یکدیگریم که بحث زیبایی درباره امر به معروف و نهی از منکر نموده است. کتاب توسط انتشارات تشیع در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده و مقاله در کتاب گفتار ماه، ج ۱ ص ۷۶ - ۴۵ نیز چاپ شده است.

صفحه ۲۹۲

۱۹- فهرست ابواب و فصول اسفار

این مقاله در یادنامه ملاصدرا به چاپ رسیده است .

۲۰- تصحیح و تنقیح مثنوی مقامات الابرار

این کتاب در سال ۱۳۳۷ چاپ شده است .

۲۱- مقولات عشر

این کتاب رساله تز دکترای آن مرحوم می باشد و در روزنامه ۱۳۷۱ / ۶ / ۵ مورد بررسی و

تبیین قرار گرفته است .

۲۲- گفتار عاشورا

با همکاری عده ای از اندیشه وران .

۲۳- مرجعیت و روحانیت

این کتاب را نیز با همکاری عده ای از نویسندگان تألیف کرده است .

۲۴- شهدای اسلام

به عربی است و تاکنون چاپ نشده است .

۲۵- خطبه های رسول اکرم(ص)

به زبان عربی نگارش یافته و تاکنون چاپ نشده است .

صفحه ۲۹۳

۲۶- مجموعه سخنرانیها در مورد شخصیت های برجسته عالم اسلام

و مقالات و سخنرانیهای علمی و تحقیقی ارزشمندی که براستی شایسته است در یک

مجموعه

ارزشمند گرد آید .

فرازهایی از اندیشه استاد آیتی

دین داری و دین شناسی

دین داری غیر از دین شناسی است. برخی از مردم به خدا و رسول دین و آئین عقیده دارند و در انجام مراسم مذهبی کوشش به سزا می کنند، اما دین شناس نیستند و کوششهای آنان غالباً جاهلانه و عامیانه است. همین مردم که گاهی به قصد قبت با خدا می جنگند و برای خاطر دین به دین و دینداران حمله می کنند... اینطور نیست که هر مسلمانی بفهمد مسلمانی چیست، بسا می شود شخص در عین آنکه مسلمان و متدین باشد فکری یا افکاری ضد دین داشته باشد و به نام توحید و خداشناسی، شرک ورزد و به نام اخلاص ریاکاری کند... مردم دیندار باید بیش از هر چیز به فکر دین شناسی باشند تا هم آبروی دین را نبرند و هم آنچه به نام دین انجام می دهند مورد رضای خدا و رسول باشد ...

یکی از افکار خطرناک ضد دین آن است که انسان تصور کند هر کاری که قیافه مذهبی پیدا کرد خوب است و ثواب دارد، اگر چه

صفحه ۲۹۴

روح دین از آن بیزار و بی خبر باشد... برای همین خطرها بوده که برخی از بزرگان دین و دانشمندان مذهبی با آن که خود شایستگی تعلیم و تربیت دیگران را داشته اند باز دین و عقاید و افکار مذهبی خود را بر امام زمان خود عرضه می داشتند تا مبادا به نام دین چیزی را بر خلاف دین معتقد باشند یا به حساب دین کاری را بر خلاف دین انجام دهند. از جمله اینان یکی حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) است .

تدبر در قرآن

این فکر که قرآن مجید از حدود فهم مردم خارج است و کتابی است مقدس که باید آن را فقط به عنوان تیمن و تبرک در خانه های خود داشته باشیم... فکری است بی اساس و ضد

قرآنی و ضد دین... خدای متعال از بندگان خواسته است که در قرآن تدبر کنند... چه خوب است که هر مسلمانی هر روز چند آیه از قرآن را به این نظر بخواند و در آن نیک بیندیشد و اگر عربی نمی داند لاقلاً به ترجمه آن توجه کند و از کلام پروردگار خویش که هیچ سخنی نمی تواند جای آن را بگیرد کسب فیض نماید. اگر ده آیه برای ثواب می خواند یک آیه هم برای تربیت شدن بخواند با اینکه روح ثواب همان اثر نیکی است که تلاوت قرآن در نفس انسان ایجاد می کند و اگر خواندن قرآن یا هر عمل نیکی در نفس انسان هیچ اثر نکند ثواب داشتن این عمل معنی ندارد... بیگانه بودن از قرآن و نشناختن قرآن و عاجز بودن از خواندن و فهمیدن قرآن برای مسلمان سزاوار نیست. قرآن مجید را خدای متعال نازل کرده تا مسلمانان دنیا با همین قرآن آشنا شوند، قرآن را

صفحه ۲۹۵

بخوانند و از آن دستور بگیرند و در اثر انس با قرآن با فضایل اخلاقی خو گرفته از رذایل اخلاقی پاک و منزّه شوند، ثواب بردن از تلاوت قرآن هم جز آن نیست که روح انسان را تربیت کند و پیش ببرد. اگر کار خوبی می کنید و خدا به شما ثواب می دهد، روح ثواب دادن خدا همان است که نفس شما، روح شما در این عمل مرحله ای بالاتر برود و در مراحل کمال قدمی فراتر نهد و به تعبیر دیگر چیزی بر شما افزوده شود تا کار نیک چیزی بر آدمی نیفزاید و او را از آن که بوده بهتر نکند و از مقامی که داشته است بالاتر نبرد معنی ندارد که بگوییم آن کار ثواب دارد^(۱۱).

حکایت رحلت

باری استاد فرزانه دکتر محمد ابراهیم آیتی پس از سالیانی که خدمات شایسته ای به جامعه خویش کرد در یک سانحه تصادف جان خویش را از دست داد و در حالی که سنی در حدود ۵۱ سال داشت این سرای خاکی را بدرود گفت. ضایعه رحلت او همه دلسوزان و

دینداران و اندیشمندان را متأثر کرد. جنازه اش را با تجلیل فراوان به قم آوردند و در قبرستان ابوحنسین قم دفن کردند. بر لوح قبر آن بزرگ چنین آمده است:

صفحه ۲۹۶

هو الحي الذي لا يموت

مضجع شریف فقید سعید حجة الاسلام آقا شیخ محمد ابراهیم آیتی بیرجندی این مرحوم ثقة الاسلام آقا شیخ محمد که در سوم جمادی الثانیه ۱۳۸۴ قمری مطابق هفدهم مهرماه یکهزار و سیصد و چهل و سه شمسی دعوت حق را اجابت کرد. معظم له دارای ملکات نفسانیه و جامع علوم عقلیه نقلیه، مروج طریقه جعفریه بود. آثار و تألیفاتی بس گرانها از خود باقی گذاشت.

عمر بسیار باید پدر پیر فلک را تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

طوبی له و حسن مآب

روانش شاد و سرایش جنت باد

پی نوشت ها :

۱- تاریخ پیامبر اسلام، دکتر محمد ابراهیم آیتی با تعلیقات دکتر ابوالقاسم گرچی، ص.

«ز» و «ح» از مقدمه، چاپ دانشگاه تهران ۱۳۶۱ با اندکی دخل و تصرف .

۲- تاریخ پیامبر اسلام، محمد ابراهیم آیتی، ص «ح» و «ط» از مقدمه .

« ۳- مقدمه کتاب اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا»، دکتر محمد ابراهیم آیتی،

چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ .

۴- با استفاده از مقاله آقای محمد بدیعی در کیهان اندیشه، ش ۳۷ .

- ۵ ده گفتار، شهید مطهری، ص ۲۲۲ .
- ۶ تاریخ پیامبر اسلام، دکتر محمد ابراهیم آیتی، مقدمه ایرج افشار، ص «د . »
- ۷ مجله راهنمای کتاب، شماره ۷ مقاله ایرج افشار تحت عنوان وفات دکتر محمد ابراهیم .
- آیتی ؛ مقدمه کتاب تاریخ پیامبر اسلام، اثر مرحوم آیتی، ص «د . »
- ۸ کیهان اندیشه، ش ۳۷ ص ۱۹۵ مقاله یاد، از آقای محمد بدیعی .
- ۹ آئینه اسلام، اثر دکتر طه حسین مصری، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، مقدمه استاد .
- آرام، ص «هفت
- ۱۰ مقدمه کتاب آئینه اسلام، ص ۲ چاپ سوم .
- ۱۱ کیهان اندیشه، ش ۳۷ ص ۱۹۸ - ۱۹۷ .